

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مشروح مذاکرات شورای نگهبان

سال ۱۳۹۲

بخش اول

(فروردین تا شهریور)

پژوهشگاه شورای نگهبان

سرشناسه: جمعی از پژوهشگران
عنوان و نام پدیدآور: مشروح مذاکرات شورای نگهبان، سال ۱۳۹۲، بخش اول (فروردین تا شهریور) /
تحقیق و تنقیح جمعی از پژوهشگران.
مشخصات ناشر: تهران: شورای نگهبان، پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۵.
ISBN : 978-600-8378-04-4
۱۳۴ ص.؛ ۲۲ × ۲۹ س.م.
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
یادداشت: نمایه.
موضوع: شورای نگهبان -- صورت مذاکرات
موضوع: Shoraye negahban -- Publication of proceeding
رده بندی کنگره: ۱۳۹۲ م۹ش/ KMH۲۵۱۲
رده بندی دیویی: ۳۴۹/۵۵۰۵
شماره کتابشناسی ملی: ۴۴۵۱۴۶۱

مشروح مذاکرات شورای نگهبان سال ۱۳۹۲ بخش اول (فروردین تا شهریور)

تحقیق و تنقیح: جمعی از پژوهشگران به ترتیب حروف الفبا:

حسن افراسیابی، عمار امیری آرانی، محمدحسن باقری، محمدبرزگر خسروی، عباس حسن خانی، سعید رحمانیان، علی زمانیان
جهرمی، حمیدرضا صادقیان، سید محسن طاهری، حسین فاتحی زاده، کاظم کوهی اصفهانی و فهیم مصطفی زاده
پیاده سازی و تنظیم: سید حامد چاوشی، محمدحسن سامع، علیرضا صحت قول نیکی، یاسر مجاهد، رضا نادى زاده و سعید همّت یار

ناشر: پژوهشکده شورای نگهبان

چاپ اول: پاییز ۱۳۹۵ - تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۳۷۸-۰۴-۴

قیمت: ۸۵۰۰۰ تومان

تهران، خیابان شهید سپهبد قرنی، کوچه شهید دهقانی نیا (خسرو سابق)، پلاک ۱۲

فکس: ۰۲۱- ۸۸۳۲۵۰۸۰

تلفن: ۰۲۱- ۸۸۳۲۵۰۴۵

www.shora-rc.ir

nashr@shora-rc.ir

مشروح مذاکرات جلسه ۱۳۹۲/۵/۳۰

مشتمل بر موضوعات زیر:

- ۱) لایحه اصلاح قانون نظام صنفی کشور
- ۲) طرح سنجش و پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور
- ۳) اساسنامه شرکت بهینه‌سازی مصرف سوخت
- ۴) اصلاح اساسنامه شرکت مادر تخصصی سرمایه‌گذاری‌های خارجی ایران
- ۵) طرح دوفوریتی نحوه محاسبه و اعمال تسعیر دارایی‌ها و بدهی‌های ارزی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (اعاده شده از شورای نگهبان)

تلاوت آیاتی از کلام‌الله مجید

لایحه اصلاح قانون نظام صنفی کشور

آقای مدرس‌یزدی - [مباحثی باقی مانده از لایحه اصلاح قانون نظام صنفی کشور] بند (ی) ماده (۳۷)، جدید است [و به عنوان بند الحاقی به ماده (۵۵) قانون نظام صنفی کشور اضافه شده است]. این ماده می‌گوید:

«ماده ۳۷- بند (الف) ماده (۵۵) قانون حذف، بند (ب) اصلاح و

۱. لایحه اصلاح قانون نظام صنفی کشور بنا به پیشنهاد وزارت بازرگانی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۸۸/۱۲/۹ به تصویب هیئت وزیران رسید و طی نامه‌ی شماره ۳۷۸۷۶/۱۲۹۹۹ مورخ ۱۳۸۹/۱/۲۳ به مجلس شورای اسلامی تقدیم شد. این لایحه پس از طی مراحل بررسی در کمیسیون‌های تخصصی مجلس، سرانجام در جلسه‌ی علنی مورخ ۱۳۹۲/۵/۱ به تصویب نمایندگان مجلس شورای اسلامی رسید و مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۵۹/۲۸۵۵۷ مورخ ۱۳۹۲/۵/۹ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسات مورخ ۱۳۹۲/۵/۱۶، ۱۳۹۲/۵/۲۳ و ۱۳۹۲/۵/۳۰، نظر خود مبنی بر وجود ابهام در مصوبه و مغایرت برخی از مواد آن با قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره ۹۲/۳۰/۵۱۵۵۵ مورخ ۱۳۹۲/۵/۲۹ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد. نمایندگان برای تأمین نظر شورا، بار دیگر در جلسه‌ی علنی مورخ ۱۳۹۲/۶/۱۲ مصوبه‌ی مزبور را اصلاح و طی نامه‌ی شماره ۵۹/۳۵۶۶۶ مورخ ۱۳۹۲/۶/۱۳ برای اظهار نظر به شورای نگهبان ارسال کردند. شورای نگهبان در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۲/۶/۲۰، مصوبه‌ی اصلاحی را مورد بررسی قرار داد و طی نامه‌ی شماره ۹۲/۳۰/۵۱۷۲۹ مورخ ۱۳۹۲/۶/۲۰، عدم مغایرت این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی را به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد.

دو بند به‌عنوان بندهای (ط) و (ی) به شرح زیر الحاق می‌شود:

...

ی- تهیه و تصویب دستورالعمل‌های لازم در رابطه با نحوه نرخ‌گذاری کالاها و خدمات واحدهای صنفی»

در اینجا به نظر می‌آید اینکه تصویب دستورالعمل نرخ‌گذاری را بدون نظارت فقیه در اختیار یک مجموعه‌ای [تحت عنوان هیئت عالی نظارت] قرار داده است، اطلاقش خلاف شرع است؛ چون در شرع نرخ‌گذاری خیلی مورد اهتمام قرار گرفته و روایات متعددی در این زمینه داریم و فتاوی‌ای آقایان مراجع هم در خصوص کیفیت تسعیر و امثال اینها قابل توجه است. بنابراین اگر بخواهیم بدون کنترل شرعی، نحوه‌ی نرخ‌گذاری کالاها و خدمات را به یک مجموعه‌ای بدهیم، چون آنها نمی‌توانند موازین شرعی را در نرخ‌گذاری رعایت کنند و [طبعاً] طبق مصالحی که خودشان در نظر دارند و بدون توجه به مسائل فقهی نرخ‌گذاری می‌کنند، [اشکال شرعی بروز می‌کند]. پس بنابراین چون ما باید موازین شرعی را در نرخ‌گذاری رعایت کنیم، اطلاق این بند خلاف شرع می‌شود. این نظری است که من دارم. روایات صحیح [و معتبری] هم در باب تسعیر داریم؛ از امام سجاد علیه الصلاة والسلام نقل شده که عده‌ای از مردم خدمت حضرت [محمد (ص)] آمدند و گفتند که آقا نرخ‌ها بالا رفت، نرخ‌ها پایین آمد [و از ایشان خواستند که کالاها را قیمت‌گذاری کنند]. حضرت با تندی قریب به این مضمون به آنها فرمودند که «إِنَّمَا السَّعْرُ إِلَى اللَّهِ...»؛ سِعر دست خدا است.^۲ فرمودند من چه کار دارم که قیمت‌ها بالا رفته یا پایین آمده است. نه اینکه حضرت نتوانند تسعیر کنند؛ ولی این تسعیر باید از روی حساب باشد. [چون وقتی بخواهند نرخ را تعیین کنند، این سؤال‌ها پیش می‌آید که]

۲. «حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ زِيَادٍ بْنُ جَعْفَرِ الْهَمْدَانِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ (ع) قَالَ: مَرَّ رَسُولُ اللَّهِ (ص) بِالْمُخْتَكِرِينَ فَأَمَرَ بِحُكْرِهِمْ أَنْ يُخْرَجَ إِلَى بَطُونِ الْأَسْوَاقِ وَحَيْثُ تَنْظَرُ الْأَبْصَارُ إِلَيْهَا فَيَقِيلُ لِرَسُولِ اللَّهِ (ص) لَوْ قَوَّمتْ عَلَيْهِمْ فَفَضَّبَ (ع) حَتَّى عَرِفَ الْغَضَبَ فِي وَجْهِهِ وَقَالَ أَنَا أَقْوَمُ عَلَيْهِمْ إِنَّمَا السَّعْرُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ يَرْفَعُهُ إِذَا شَاءَ وَيَخْفِضُهُ إِذَا شَاءَ وَقِيلَ لِرَسُولِ اللَّهِ (ص) لَوْ أَسْعَرْتَ لَنَا سِعْرًا فَإِنَّ الْأَسْعَارَ تَزِيدُ وَتَنْقُصُ فَقَالَ (ع) مَا كُنْتُ لِأَلْقَى اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ بِيَدَعَةٍ لَمْ يُحَدِّثْ لِي فِيهَا شَيْئًا فَدَعُوا عِبَادَ اللَّهِ يَأْكُلُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ». ابن بابويه (شيخ صدوق)، محمد بن علی، التوحيد، محقق: هاشم حسینی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج اول، ۱۳۹۸ هـ.ق، ص ۳۸۸.

کالاها و خدمات عمومی و انحصاری و کالاهای اساسی یارانه‌ای و ضروری را که هیئت عالی نظارت قیمت‌گذاری آنها را لازم تشخیص می‌دهد، ...» هیئت عالی نظارت هم متشکل از وزیر صنعت، معدن و تجارت، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزیر کشور، وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، وزیر دادگستری و وزیر امور اقتصادی و دارایی است. این اعضا می‌آیند می‌گویند این کالاها و خدمات را شما بیایید نرخ‌گذاری کنید. اینها مثل کارشناس هستند و این قیمت‌گذاری وضعیت کارشناسی دارد و ضوابطی هم دارد. وزرا لزوم قیمت‌گذاری کالاها و خدمات را تصویب می‌کنند و بعد اختیار قیمت‌گذاری را به کمیسیون نظارت می‌دهند و به اینها می‌گویند شما این کارها را بکنید. از جهت شرعی من نمی‌دانم اشکال دارد یا نه، ولی از جهت قانونی [= قانون اساسی] اشکالی ندارد. حتی اگر بگویند کالاها و خدمات دولت را هم چنین هیئتی نرخ‌گذاری کند، هیچ اشکالی ندارد.

آقای مدرسی‌یزدی - به شرط آنکه موازین شرعی را رعایت کنند. ماده (۳۷) مصوبه نگفته موازین شرعی را رعایت کنند. [پس ممکن است] هر قیمتی را که مصلحت بدانند، تعیین کنند. **آقای شب‌زنده‌دار** - بسم الله الرحمن الرحیم. بند (ی) ماده (۳۷) مصوبه برای نرخ‌گذاری نیست. در این بند گفته‌اند: «تهیه و تصویب دستورالعمل‌های لازم در رابطه با نحوه نرخ‌گذاری کالاها و خدمات واحدهای صنفی». ممکن است در آن دستورالعمل همین مطلبی که ایشان [= آیت‌الله مدرسی‌یزدی] می‌فرماید، ذکر بشود. این کمیسیون مأموریت دارد که دستورالعمل لازم را تهیه و تصویب کند. در اینجا نرخ‌گذاری نمی‌کنند.

آقای مدرسی‌یزدی - آیا «باید» در آن [دستورالعمل]، موازین شرعی رعایت بشود یا نه؟ اینکه «ممکن است» در آن دستورالعمل ذکر بکنند، کافی نیست.

آقای شب‌زنده‌دار - بله، ممکن است در آن دستورالعمل بگویند «با رعایت موازین شرعی».

آقای مدرسی‌یزدی - «ممکن است» کافی نیست. آنها باید حتماً مقید به موازین شرعی باشند.

آقای شب‌زنده‌دار - شما وقتی به یک کسی می‌فرمایید که یک دستورالعملی را تهیه کند، یعنی به‌طور مطلق [منظورتان است و قید رعایت موازین شرعی مد نظرتان نیست؟]

آقای مدرسی‌یزدی - واقعاً به نظر می‌رسد هیچ قیدی در

حالا نرخ چقدر پایین بیاید، میزان عادلانه‌ی قیمت‌ها چیست و ... در نهج‌البلاغه هم آمده است که «وَلْيَكُنَّ الْبَيْعُ بَيْعًا سَمَحًا، بِمَوَازِينٍ عَدْلٍ وَ أَسْعَارٍ...»^۱؛ یعنی به قیمتی که عادلانه باشد. پس اینها هر کدام باید روی حساب و برنامه باشد. این نظر من است.

آقای شب‌زنده‌دار - ممکن است کسی اشکال کند که اطلاق این بند شامل چیزی که تهیه و تسعیرش خلاف شرع است هم می‌شود.

آقای مدرسی‌یزدی - خب تسعیر کند. تسعیر [چنین کالایی] چه فایده‌ای دارد؟! تسعیر یعنی نرخ‌گذاری‌ای که بتوان به آن عمل کرد.

آقای سوادکوهی - به نظرم آنچه که آیت‌الله مدرسی فرمودند، با توجه به ایرادی که بنده در جلسه‌ی قبل در مورد امور انحصاری که در صلاحیت دولت است گرفتم، قابل توجه است. در اصل (۴۴) قانون اساسی برخی از کالاها و خدمات هست که در اختیار دولت است و دولت آنها را نرخ‌گذاری می‌کند. مثلاً آب و برق و امثال آن. ولی در ماده (۵۱) مصوبه، نرخ‌گذاری روی کالاها و خدمات انحصاری را هم در اختیار اصناف گذاشته‌اند.

آقای علیزاده - نه، ماده (۵۱) کالاها و خدمات انحصاری دولت را شامل نمی‌شود.

آقای اسماعیلی - بله، این ماده مربوط به [کالاها و خدمات] اصناف است.

آقای علیزاده - بله، این ماده مربوط به اصناف است. آن هفته هم این موضوع را فرمودید و ما گفتیم انحصاری که در قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی آمده است، با این متفاوت است.

آقای سوادکوهی - نه، منظورم ماده (۵۱) است.

منشی جلسه - منظورتان ماده (۵۱) قانون نظام صنفی است یا این مصوبه؟

آقای سوادکوهی - مثل اینکه ماده (۵۱) قانون نظام صنفی است که در جلسه‌ی قبل هم مطرح شد.

آقای علیزاده - «ماده ۵۱- کمیسیون نظارت مکلف است نرخ

۱. «... وَلْيَكُنَّ الْبَيْعُ بَيْعًا سَمَحًا بِمَوَازِينٍ عَدْلٍ وَ أَسْعَارٍ لَا تُجْحَفُ بِالْفَرِيقَيْنِ مِنَ الْبَائِعِ وَ الْمُتَبَاعِ ...». شریف‌الرضی، محمد بن حسین، نهج‌البلاغه (للصیحی صالح)، مصحح: فیض‌الاسلام، قم، هجرت، چ اول، ۱۴۱۴ هـ.ق، نامه‌ی ۵۳، ص ۴۳۹.

آقای هاشمی‌شاهرودی - آن روایتی که می‌گوید: «... دعوا الناس یرزقُ الله بعضهم من بعض»^۲ این روایت اصلاً اصل تسعیر را قبول ندارد.

آقای ابراهیمیان - بسم الله الرحمن الرحيم. در مورد تسعیر همان‌طور که حاج آقا اشاره کردند، یک وقت بحث اصل تسعیر است؛ اگر اصل تسعیر را قبول کردیم، باید ببینیم که آیا برای تسعیر، قیود و شرایط حکمی‌ای وجود دارد یا نه. اگر مسئله، مسئله‌ی موضوعی صرف باشد، مثلاً بگوییم که ما تسعیر را به‌خاطر ادله‌ی مربوط به حکومت اسلامی و اختیارات حاکم پذیرفتیم - کما اینکه حاج‌آقای مؤمن مسئله‌ای را از حضرت امام (ره) نقل فرمودند - آن‌وقت نوبت به این می‌رسد که مبنای اختیار حاکم در تسعیر چیست. اگر جواب این سؤال هم ارجاع بشود به یک سری مسائل حکمی که مبتنی بر استظهار و استنباط از ادله است، واقعاً بجا است که آدم برود دنبال یک کسی که شبیه قاضی است و شرایط قضاوت را دارد. اما اگر نه، معیار، تشخیص مصالح باشد و این مصالح مثل همین «مصلحت نظام»ی باشد که الآن در مجمع تشخیص مصلحت نظام داریم، خب در این صورت جنس بسیاری از این مصالح از جنس استنباطات فقهی و حقوقی نیست و بنابراین واقعاً نظر کارشناسی می‌خواهد تا بررسی شود که آیا این امور از حیث مصالح مالی و اقتصادی به مصلحت کشور است یا نیست. حالا در مورد تسعیر هم همین‌طور است. اگر جنس تسعیر از آنهایی باشد که نیاز دارد مصالح عمومی، اقتصادی و مالی سنجیده شود، به نظر می‌رسد که قانون می‌تواند این نوع کنترل‌ها را به مراجع دولتی یا برخی از نهادهای غیردولتی که قانون‌گذار معلوم می‌کند محول کند. اما اگر بعد از پذیرش اصل تسعیر، مسائل پیچیده‌ی فقهی در مورد شروط و قیود او وجود داشته باشد، دوباره جای بحث است. ولی من فکر می‌کنم بعد از پذیرش اصل تسعیر، بیشترش از نوع آن مصالح و منافع باشد که عموماً قانونی برای [تشخیص آن] کافی و این کنترل قابل اعمال باشد؛ مثل کنترل از طریق دیوان عدالت اداری و از

خصوص اینکه آن دستورالعمل‌ها مطابق با شرع باشد، در این بند نیست. آنچه از این بند استفاده می‌شود این است که در تهیه دستورالعمل، نگفته است بروید موازین شرعی را هم رعایت کنید.

آقای علیزاده - اصل بر [رعایت موازین شرعی در این دستورالعمل است].

آقای اسماعیلی - طبق اصل (۴) قانون اساسی^۱ همه‌ی قوانین و مقررات کشور باید بر اساس موازین شرعی باشد.

آقای مدرسی‌یزدی - [مطابقت با] همه‌ی قوانین و مقررات را می‌گذاریم کنار و جنبه‌ی شرعی‌اش را می‌گوییم؛ همه‌ی قوانین باید طبق شرع باشد.

آقای اسماعیلی - همه‌ی قوانین و مقررات باید طبق موازین شرعی باشد. چگونگی کنترل شرعی بودن قوانین و مقررات را هم در ذیل اصل (۴) قانون اساسی مشخص کرده است. حالا اگر واقعاً دستورالعملی خلاف شرع بود، از فقهای شورای نگهبان درخواست می‌کنند که آن را ابطال کنند. [بنابراین] دیگر در هر آیین‌نامه‌ای که نمی‌نویسند باید طبق موازین شرعی باشد. همه‌ی قوانین و مقررات باید طبق موازین شرعی باشد.

آقای مدرسی‌یزدی - هیچ قانونی نباید اصلاً خلاف قانون اساسی هم باشد. ما اینجا اصلاً همین مسائل را بررسی می‌کنیم. این قانون هم برای بررسی به شورای نگهبان آمده است.

آقای هاشمی‌شاهرودی - نه، وقتی این ماده می‌گوید: «تهیه و تصویب دستورالعمل‌های لازم...»، آیا بعدش حتماً باید بگوید «طبق ضوابط شرعی»، و آلا اطلاق دارد؟! خب، این دستورالعمل هم به شورای نگهبان می‌آید.

آقای مدرسی‌یزدی - نه.

آقای هاشمی‌شاهرودی - این هم به دیوان عدالت اداری می‌رود؛ از این دستورالعمل می‌توانند در دیوان عدالت اداری شکایت کنند. اگر دستورالعمل خلاف شرع باشد، دیوان آن دستورالعمل را برای بررسی به شورای نگهبان می‌فرستد.

آقای مدرسی‌یزدی - حساسیت اسلام روی نرخ‌گذاری واقعاً زیاد است. شما روایات را دیده‌اید.

۲. قال رسول الله (ص): «لَا يَبِيعُ حَاضِرٌ لِبَادٍ دَعَا النَّاسَ يَرْزُقُ اللَّهُ بَعْضَهُمْ مِنْ بَعْضٍ» حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام لاحیاء التراث، ج اول، ۱۴۱۴ هـ.ق، ج ۱۷، ص ۴۴۵. ترجمه روایت: «در امر فروش، شخص شهری، وکیل باده‌نشین نشود. مردم را به خود وا گذارید. خداوند متعال بعضی را به واسطه‌ی بعضی دیگر روزی می‌دهد.»

۱. اصل چهارم قانون اساسی: «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزائی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است.»

آقای علیزاده - بعضی جاها ممکن است به خاطر مخفی کردن عیب کالا، به خریدار ضرری وارد شده باشد. در قانون دیگری که نمی‌دانم چه بود، آقایان یک ایراداتی در همین خصوص گرفته بودند. آن قانون، چون خیلی بین مجلس و شورای نگهبان رفت و برگشت، من این ایراد به یادمانده است. من به همین جهت در جلسه‌ی قبل هم این موضوع را عرض کردم که آقایان فرمودند در اینجا منظور، جاهایی است که قانوناً و شرعاً باید خسارت بدهند، نه در همه‌ی موارد.

آقای مدرسی یزدی - خسارت در ماده (۴۱) مصوبه کلاً اعم است. به نظر من، خسارت از لحاظ عرفی اعم است. حالا ماده (۳۹) را ممکن است یک‌طوری درستش کنیم، ولی ماده (۴۱) اعم از این است که این خسارت وارد شده به خریدار یا مصرف‌کننده ناشی از غش باشد یا ناشی از عیب باشد یا تبعض صَفَقه^۳ باشد. ماده (۴۱) مصوبه، همه‌ی این موارد را شامل می‌شود؛ در حالی که فقط در مورد تبعض صَفَقه است که خریدار می‌تواند خسارت وارد شده را دریافت کند. در غش در معامله، معامله درست است و خریدار نمی‌تواند خسارت دریافت کند. می‌تواند معامله را فسخ کند و می‌تواند قبول کند؛ اما دیگر نمی‌تواند خسارتی دریافت کند. ظاهر ماده این است که خریدار در این موارد هم خسارت دریافت می‌کند؛ یعنی مثلاً اگر قیمت کالا در بازار کمتر باشد، خریدار مابه‌التفاوتش را می‌گیرد، آن هم نه به‌عنوان جریمه؛ ظاهرش این است که [این خسارتی که دریافت می‌کند] نه به‌عنوان جریمه، بلکه به‌عنوان یک اصل است. ظاهرش این است و این خلاف شرع است.

آقای هاشمی‌شاهرودی - از ظاهر عبارت استفاده می‌شود که این‌طور فرض شده که یک چیزی است که خسارت تلقی می‌شود؛ یعنی قانوناً خسارت است. ولی حالا ایشان در

طریق محاکم، در جایی که به کسی اجحاف شده باشد. آیا اینکه در این ماده هیچ قیدی بر قیمت‌گذاری کمیسیون نظارت نیامده، معنایش این است که این کمیسیون از تمام قیودی که در قانون اساسی برای آزادی‌های اساسی و مالکیت کسب و کار مشروع^۱ به رسمیت شناخته، رها است یا نه؟ به نظر می‌رسد که بند (ی) ماده (۳۷) مصوبه نمی‌خواهد و نمی‌تواند اختیار بی‌قید و شرطی برای قیمت‌گذاری به این کمیسیون بدهد.

آقای علیزاده - حالا دیگر طرفین قضیه روشن است. آقایانی که بند (ی) ماده (۳۷) مصوبه را با این بیانی که حضرت آیت‌الله مدرسی فرمودند، خلاف شرع می‌دانند، بفرمایند. رأی ندارد.

آقای مدرسی یزدی - ماده‌ی بعدی، ماده (۴۱) است.

آقای علیزاده - ماده (۴۱) می‌گوید: «متخلف علاوه بر الزام به پرداخت خسارت وارد شده به خریدار یا مصرف‌کننده در مرتبه اول معادل دو برابر مابه‌التفاوت ارزش کالا یا خدمت ابرازی یا درخواستی و کالای عرضه‌شده یا فروخته‌شده یا خدمت ارائه داده شده و در مرتبه دوم به چهار برابر مابه‌التفاوت مذکور جریمه می‌شود.» منظورتان خسارت است؟

آقای مدرسی یزدی - بله.

آقای علیزاده - بنده این موضوع را در جلسه‌ی قبل هم عرض کردم، ولی آقایان قبول نفرمودند. حضرت آیت‌الله شاهرودی تشریف نداشتند، ولی من عرض کردم که آقایان فقها در بررسی یک قانون دیگری این ایراد را گرفته بودند که در بعضی از جاها نیاز به دادن خسارت نیست و خریدار فقط حق فسخ دارد، نه چیز دیگر.^۲

آقای مدرسی یزدی - یا فسخ است یا هیچ.

۳. «هر گاه خریدار در یک معامله دو چیز را بخرد و سپس معلوم شود که یکی از آن دو قابل تملک نیست یا از آن غیر فروشنده است و او اجازه فروش آن را ندهد، معامله نسبت به آن بخش باطل است و خریدار نسبت به بخش دیگر از کالای مورد معامله، خیار تبعض صَفَقه پیدا می‌کند و می‌تواند عقد را فسخ کند یا آن را در برابر بهای آن بخش از کالا امضا و اضافه بهای پرداختی را باز پس گیرد. حکم یادشده در موردی که فروشنده دو چیز را به عنوان بهای کالا دریافت کند و عقد نسبت به یکی باطل باشد نیز جاری است.» جمعی از پژوهشگران، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، زیر نظر سید محمود هاشمی شاهرودی، قم، مؤسسه دائرةالمعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، چاپ اول، ۱۴۲۶ هـ.ق، ج ۳، ص ۵۴۳.

۱. اصل چهل و ششم قانون اساسی: «هر کس مالک حاصل کسب و کار مشروع خویش است و هیچ‌کس نمی‌تواند به‌عنوان مالکیت نسبت به کسب و کار خود امکان کسب و کار را از دیگری سلب کند.»
 ۲. بخشی از نظر شماره ۸۵/۳۰/۱۶۲۳۴ مورخ ۱۳۸۵/۴/۲۵ شورای نگهبان در خصوص «لایحه حمایت از مصرف‌کنندگان» مصوب ۱۳۸۵/۳/۳۱ مجلس شورای اسلامی: «اتفاق حکم به تخییر مصرف‌کننده در این ماده بین استیفاء، رد و اخذ بدون مابه‌التفاوت و یا اخذ با مابه‌التفاوت در مواردی که کالا به‌صورت کلی فروخته شده باشد، نیز خلاف موازین شرع شناخته شد؛ زیرا در صورت مزبور خواه کالا معیوب باشد و خواه منطبق با مشخصات تعیین‌شده نباشد، حکم به تخییر نیست. ... شمول حکم تخییر مذکور در این ماده، در مواردی که کالا یا خدمات منطبق بر شرایط مندرج در قرارداد نبوده، خلاف موازین شرع شناخته شد.»

به من داده است. من آن جنس را به عنوان جنس سالم خریده‌ام و برده‌ام و در خانه‌ام کار گذاشته‌ام و [حالا چون کالا معیوب بوده است]، خانه‌ی من آتش گرفته است.

آقای هاشمی‌شاهرودی - بله، مقصود این است. مقصود خود معامله‌ی غش نیست. شما نظرتان به خود معامله غش است.

آقای مدرسی‌یزدی - نه، آن هم است.

آقای علیزاده - آقایان می‌فرمایند که اگر منظور از خسارت در این ماده، خسارت خود معامله‌ی غش باشد، حق خریدار، فسخ معامله یا قبول آن است؛ اما این ماده می‌گوید در این معامله غش شده و عرفاً و شرعاً، این خسارت منتسب به آن غش است. درست است؟

آقای هاشمی‌شاهرودی - اصلاً مقصود ماده، آن [قسم اول] نیست.

آقای مدرسی‌یزدی - این نیست. این یکی‌اش است. این ماده اطلاق دارد و اعم است.

آقای ره‌پیک - این که منافاتی با عمومات ندارد. اگر شما یک جایی حق فسخ پیش‌بینی کردید، این که نمی‌خواهد آن را از بین ببرد. آن عمومات سر جای خودش است.

آقای مدرسی‌یزدی - نه، من نمی‌گویم حق فسخ را از بین می‌برد؛ می‌گویم اصلاً نمی‌شود خسارت گرفت. آنجا جای پرداخت خسارت نیست.

آقای ره‌پیک - یک وقت شما می‌گویید آن فسخ یا آن مابه‌التفاوت، تمام خسارت است؛ یک وقت می‌گویید نه، آن عمومات گفته خریدار معامله را فسخ کند یا مابه‌التفاوت بگیرد. اما [یک وقت هم گفته می‌شود که] یک عنوانی [تحت عنوان عام «خسارت»] داریم که مربوط به جایی است که از عمل فروشنده، خسارتی به خریدار یا مصرف‌کننده وارد شده است؛ این غیر از آن است. این یک عنوان ثانوی است. این یک عنوان دیگر است. [بر اساس این عنوان] اگر خسارتی به خریدار وارد شده است، او می‌تواند آن را بگیرد؛ اگر خسارتی وارد نشده، تابع عمومات است. آیا در اینجا اگر مثلاً به خریدار خسارتی وارد نشده باشد، نمی‌تواند فسخ کند؟! اینکه سر جای خودش است.

آقای مدرسی‌یزدی - به نظر من عرفاً معنای خسارت، اعم است از مابه‌التفاوت و چیزهای دیگر.

آقای علیزاده - حالا دیگر این قضیه هم روشن است.

آقای مؤمن - این قسمت ماده که گفته «متخلف علاوه بر الزام

مصادقش اشکال می‌کند. اینکه چه چیزی خسارت است و چه چیزی خسارت نیست، این قانون دیگر نمی‌خواهد آن را معین کند.

آقای علیزاده - آقایان این طوری فرمودند که پرداخت خسارت باید در جایی باشد که شرعاً بتوان گفت [خسارت وارد شده است].

آقای هاشمی‌شاهرودی - بله.

آقای علیزاده - ماده (۵۹) قانون نظام صنفی: «تقلب عبارت است از عرضه یا فروش کالا یا ارائه خدمتی که از لحاظ کیفیت یا کمیت منطبق با مشخصات کالا یا خدمت ابرازی یا درخواستی نباشد.

جریمه تقلب، با عنایت به دفعات تکرار در طول هر سال به شرح زیر است:

الف- مرتبه اول- جبران خسارت وارد شده ...»

آقای مؤمن - و قهراً خسارت، خسارتی است که [فروشنده] باید ضامن آن بشود.

آقای مدرسی‌یزدی - خب این که کمک می‌کند به اینکه خلاف شرع بودن آن بیشتر شود. چون می‌گوید: «جریمه تقلب»؛ تقلب هم یعنی غش. در غش که مابه‌التفاوت می‌شود گرفت.

آقای علیزاده - ماده (۵۹) تقلب را این طور تعریف کرده است: «تقلب عبارت است از عرضه یا فروش کالا یا ارائه خدمتی که از لحاظ کیفیت یا کمیت منطبق با مشخصات کالا یا خدمت ابرازی یا درخواستی نباشد.»

آقای مدرسی‌یزدی - بله، این یعنی غش. در غش هم نمی‌شود مابه‌التفاوت گرفت. در غش یا قبول می‌کنی، یعنی معامله را تصحیح می‌کنی و یا اینکه فسخ می‌کنی.

آقای هاشمی‌شاهرودی - نه، این ماده می‌گوید بر اثر این غش، یک خسارتی به خریدار یا مصرف‌کننده وارد شده است.

آقای ره‌پیک - اینکه مابه‌التفاوت نیست؛ خسارت تبعی آن است.

آقای مدرسی‌یزدی - نه، می‌گوید ...

آقای هاشمی‌شاهرودی - فرض کنید شخصی مثلاً می‌خواسته دنداننش را به شکل خاصی درست کند، اما دندان‌پزشک، دندان او را طور دیگری درست کرده که خلاف مشخصات ابرازی بوده و یک خسارت دیگر هم به دندان دیگرش وارد کرده و دندان دیگرش را هم خراب کرده است. ما آن را می‌گوییم.

آقای مدرسی‌یزدی - نه، معنایش این نیست.

آقای علیزاده - فروشنده غش در معامله کرده و این جنس را

آقای مؤمن - پرداخت خسارت را که این مصوبه نیاورده است؛ این مصوبه اشاره دارد به قانون قبلی.

آقای مدرسی یزدی - خسارت در فهم عرفی ...

آقای مؤمن - پرداخت خسارت در این مصوبه اشاره به قانون قبلی است.

آقای مدرسی یزدی - به هر حال این مصوبه هم در ذیل ماده، دوباره همان را تکرار کرده است.

آقای مؤمن - نه، تکرار نکرده است.

آقای مدرسی یزدی - چرا دیگر، «متخلف» را اضافه کرده است؛ «متخلف علاوه بر الزام به پرداخت خسارت ...»

آقای مؤمن - جریمه هم باید بشود.

آقای مدرسی یزدی - می‌دانم، ولی الآن این مصوبه دارد قانون قبلی را تأیید می‌کند.

آقای مؤمن - نه، تأیید نمی‌کند.

آقای مدرسی یزدی - چرا دیگر، تصریح می‌کند. می‌گوید: «متخلف علاوه بر الزام به پرداخت خسارت ...»

آقای مؤمن - علاوه بر الزام به پرداخت خسارت که در قانون هست، جریمه هم می‌شود.

آقای مدرسی یزدی - از آن نظر مشکلی ندارد. ولی به هر حال الآن اصلاحیه‌ی همان قانون برای بررسی به شورای نگهبان آمده است و به نظر من وقتی که قانون قبلی اشکال فقهی دارد، الآن هم می‌شود به آن اشکال گرفت. واقعاً عرف از خسارت این را می‌فهمد که مثلاً اگر فروشنده‌ای شیر را با آب مخلوط کرد و به مردم فروخت و بعد هم اعتراف کرد که مثلاً یک ماه یا شش ماه به جای شیر خالص، شیر مخلوط با آب به مردم می‌داده است، مردم می‌گویند خسارت ما را در این مدت بده. یا مثلاً اگر فروشنده‌ای شیر کیلویی پانصد تومان را کیلویی دو هزار تومان به مردم فروخت، همه‌ی مردم می‌گویند ...

آقای اسماعیلی - می‌گویند کلاه سر ما گذاشته‌ای.

آقای مدرسی یزدی - نه، می‌گویند خسارت این مدت را به ما بده.

آقای هاشمی‌شاهرودی - اگر فروشنده مقصر باشد و مردم مریض شوند، باید خسارت بدهد.

آقای مدرسی یزدی - آن درست است. آن جدا است. ولی این هم هست. کلمه‌ی خسارت در این ماده اطلاق دارد. حداقلش

این است که ابهام دارد. شما ابهام بگیرید تا نمایندگان این خسارت را معنا کنند و بگویند مقصود از خسارت چیست و

به پرداخت خسارت وارد شده ...»، این عبارت الآن خسارت وارد شده را تعیین نمی‌کند.

آقای هاشمی‌شاهرودی - لذا [در این مصوبه] «مصرف‌کننده» را هم اضافه کرده‌اند. قرینه‌اش [= قرینه‌ی اینکه منظور از خسارت، خسارت خود معامله نیست]، کلمه‌ی «مصرف‌کننده» است. مصرف‌کننده که [لزوماً] طرف فروشنده نیست.

آقای مدرسی یزدی - من نگفتم [خسارت در ماده (۴۱) مصوبه] اطلاق ندارد. من می‌گویم اطلاق دارد و اعم از آن است که شما می‌گویید.

آقای مؤمن - البته این قانون قبلی است.

آقای مدرسی یزدی - باشد. فرقی نمی‌کند.

آقای مؤمن - در ماده (۵۹) قانون آمده بود که «جریمه تقلب، با عنایت به دفعات تکرار در طول هر سال به شرح زیر است:

الف- مرتبه اول: جبران خسارت وارد شده به خریدار و جریمه نقدی معادل چهار برابر مابه‌التفاوت ارزش کالا یا خدمت ابرازی ...

ب- مرتبه دوم: جبران خسارت وارد شده به خریدار ...

ج- مرتبه سوم: جبران خسارت وارد شده به خریدار ...»

حالا ماده (۴۱) مصوبه می‌گوید: علاوه بر آن چیزی که در قانون آمده ...؛ «علاوه بر الزام به پرداخت خسارت وارد شده به خریدار یا مصرف‌کننده ...»، در مرتبه‌ی اول متخلف را جریمه می‌کنند. یعنی طبق مصوبه‌ی فعلی، جریمه علاوه بر الزام به پرداخت خسارت است.

آقای مدرسی یزدی - نه، دو چیز است. یکی جبران خسارت است، یکی جریمه.

آقای مؤمن - جبران خسارت در قانون قبلی است.

آقای هاشمی‌شاهرودی - جبران خسارت در ماده (۵۹) قانون قبلی نظام صنفی بوده است. شما آن را هم اشکال می‌کنید!

آقای مؤمن - حالا به قانون قبلی اشکال وارد بکنید، یک حرفی است.

آقای مدرسی یزدی - فرقی نمی‌کند.

آقای مؤمن - ولی ببینید، در قانون قبلی، خسارت‌ها را در سه مرحله ذکر کرده است. حالا این مصوبه می‌خواهد بگوید متخلف علاوه بر پرداخت آن خسارت‌ها، جریمه هم باید بشود. این جریمه، جعل فعلی است.

آقای مدرسی یزدی - درباره‌ی جریمه حرفی ندارم. جریمه، جریمه است. من به پرداخت خسارت اشکال دارم.

آیا منظور جایی است که اتلافی رخ بدهد.

آقای شبزنده‌دار - اینجا آقایان اعضای مجمع مشورتی فقهی قم یک شبهه‌ای مطرح کرده بودند که اگر بنا است جریمه‌ای گرفته بشود، لابد این متخلف مرتکب امر خلاف شرعی شده که دارد جریمه می‌شود. یعنی تخلف از آن قیمتی که تعیین شده، خلاف شرع است دیگر ...

آقای مؤمن - موضوع ماده (۴۱) مصوبه، تقلب است.

آقای شبزنده‌دار - نه، گران‌فروشی است. مسئله، مسئله‌ی گران‌فروشی است که مصوبه می‌گوید متخلف جریمه می‌شود به چه و چه و چه. یعنی آن تسعیری که شده را مراعات نکرده است.

آقای هاشمی‌شاه‌رودی - ماده (۵۹) قانون نظام صنفی، در مورد حکم تقلب است.

آقای شبزنده‌دار - نه، ماده (۴۱) مصوبه در ظرف گران‌فروشی بیان شده است؛ چون می‌گوید: «در مرتبه اول به دو برابر مبلغ گران‌فروشی ...»

آقای هاشمی‌شاه‌رودی - ماده (۴۱) مصوبه در خصوص جریمه‌ی مقرر در ماده (۵۹) قانون نظام صنفی است و چیزی بیشتر از این ندارد.

آقای شبزنده‌دار - «در مرتبه اول به دو برابر مبلغ گران‌فروشی ... در مرتبه دوم به چهار برابر ...»

آقای علیزاده - نه، گران‌فروشی موضوع ماده (۵۹) قانون نظام صنفی نیست.

آقای ره‌پیک - گران‌فروشی در یک ماده دیگر است.

آقای علیزاده - ماده (۴۱) مصوبه مربوطه به ماده (۵۹) قانون نظام صنفی است.

آقای شبزنده‌دار - ماده (۳۹) مصوبه است که جریمه‌ی ماده (۵۷) قانون نظام صنفی را این‌طور اصلاح کرده است.

آقای علیزاده - کدام ماده را می‌فرماید؟

آقای مدرسی‌یزدی - ماده (۳۹) اصلاحی، مربوطه به ماده (۵۷) اصلی.

آقای ره‌پیک - بله، ماده (۳۹) مربوط به گران‌فروشی است.

آقای شبزنده‌دار - اشکال مجمع مشورتی فقهی قم این است که اگر این گران‌فروشی خلاف شرع است، بنابراین طبق فتوای حضرت امام خمینی (ره) بار سوم یا چهارم دیگر جریمه ندارد

و حکمش حکم شدیدی است.^۱ [البته] اگر خلاف شرع است.

آقای هاشمی‌شاه‌رودی - حکمش مثلاً اعدام است. نه، این گران‌فروشی، آن خلاف شرع اولی نیست.

آقای شبزنده‌دار - خب این چه خلاف شرعی است؟

آقای هاشمی‌شاه‌رودی - خلاف شرع ثانوی است که تعیین مجازات برای آن دست خود قضات است.

آقای علیزاده - بله، دست حاکم است.

آقای سوادکوهی - این موضوع را که اصلاً آقایان [= فقها] خلاف شرع نمی‌دانند.

آقای هاشمی‌شاه‌رودی - خود قانون‌گذار گران‌فروشی را تا این اندازه خلاف شرع قرار داده است. خلاف شرع طولی است؛ یعنی در طول آن مقررات و قوانین، خلاف شرع محسوب می‌شود.

آقای علیزاده - ظاهراً این هم رأی ندارد.

آقای هاشمی‌شاه‌رودی - بله.

آقای علیزاده - بله، اینکه بگوییم اگر فروشنده کالایی را چهار بار گران فروخت، اعدامش کنید که نمی‌شود.

آقای شبزنده‌دار - امام (ره) در جای دیگری فرموده‌اند که در مواردی که خلاف اجماع نباشد، تعزیر هم ندارد.

آقای علیزاده - ماده (۵۷)، ۶ رأی آورده است. ماده (۵۷) بند

(۴) مصوبه‌ی فعلی می‌گوید: «انتخابات اتحادیه‌ها شامل شرایط فردی و صنفی داوطلبان ...». ما گفتیم اطلاق شرایط فردی و صنفی یک امر تقنینی است. پنج رأی آورده بود، بعد شد شش رأی؛ اگر یک رأی دیگر بدهید، این بند خلاف اصل (۸۵) قانون اساسی می‌شود.

۱. «ماده ۳۹ (ماده ۵۷ اصلاحی): جریمه مقرر در ماده ...»

بررسی: نظر بعضی از اعضاء این بود که تخلف از تعیین نرخ یا از گناهان کبیره است که تخلف از آن بر اساس نظر امام خمینی (ره) (تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۴۷۷، القول فی وطی البهیمه و المیت، مسئله ۳) در مرحله چهارم، حکم آن اعدام است و حال آنکه در این ماده حکم دیگری مقرر شده است و لذا ماده مذکور خلاف نظر حضرت امام خمینی (ره) و خلاف شرع است. و اگر تخلف از تعیین نرخ از گناهان صغیره باشد - و بر اساس فرض، اجماع بر حرمت آن نیست - بر اساس نظر حضرت امام خمینی (ره) (استفتائات، ج ۴۵۴/۳، سؤال ۲) تعزیری ندارد و حال آنکه در این ماده تعزیر بر آن قرار داده شده است و لذا خلاف نظر حضرت امام خمینی (ره) و خلاف شرع می‌باشد. این بیان نسبت به ماده ۴۰ و ۴۱ نیز جاری است. نظر کارشناسی مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان، شماره ۶۳۱/ف/۹۲، مورخ ۱۳۹۲/۵/۱۶، قابل مشاهده در نشانی: <http://yon.ir/60IO>

آقای مدرسی یزدی - عیبی ندارد، [بند هم رأی می‌دهم].
آقای علیزاده - خیلی خوب، درست شد.^۱

۱. نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۱۵۵۵ مورخ ۹۲/۳۰/۵۱۵۵۵ مورخ ۱۳۹۲/۵/۲۹ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۵۹/۲۸۵۵۷ مورخ ۱۳۹۲/۵/۹ و پیرو نامه شماره ۹۲/۳۰/۵۱۴۹۰ مورخ ۱۳۹۲/۵/۱۶، لایحه اصلاح قانون نظام صنفی کشور مصوب جلسه مورخ یکم مردادماه یکهزار و سیصد و نود و دو مجلس شورای اسلامی در جلسات متعدد شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که نظر این شورا به شرح زیر اعلام می‌گردد:
- ۱- در ماده (۱۳) موضوع الحاق ماده (۲۲ مکرر)، لازم است در خصوص شرایط عضویت در هیئت مدیره اتحادیه‌ها، «وثاقت و امانت» نیز ذکر گردد و الا اشکال دارد.
- ۲- ماده (۳۶) موضوع اصلاح ماده (۵۳) در بند (ژ)، با توجه به اطلاق وظایفی که در این قانون برای هیئت عالی نظارت ذکر گردیده است، عضویت دو نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی با حق رأی در این هیئت، مغایر اصل (۶۰) قانون اساسی شناخته شد.
- ۳- ماده (۴۹) موضوع اصلاح ماده (۷۲)، با توجه به نسخ ماده (۷۲) قانون نظام صنفی مصوب سال ۱۳۸۲ به موجب مواد (۱۴)، (۱۵)، (۱۷) و (۲۲) قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان مصوب ۱۳۸۸/۷/۱۵، از این حیث که مشخص نیست این ماده به معنای تصویب مجدد مفاد مواد مذکور در مجلس است یا خیر، ابهام دارد و ماده (۵۹) مصوبه نیز رافع این ابهام نمی‌باشد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد. همچنین ماده (۵۶) موضوع الحاق ماده (۹۵ مکرر یک)، مبنیاً بر این ابهام، واجد ابهام است.
- ۴- در بند (۴) ماده (۵۷)، نظر به اینکه از آنجا که واگذاری تعیین شرایط فردی و صنفی داوطلبان امری تقنینی است و واگذاری آن به آیین‌نامه، مغایر اصل (۸۵) قانون اساسی شناخته شد.
- تذکرات:
- ۱- در ماده (۱۲) موضوع اصلاح ماده (۲۲)، واژه «پاراگراف» به واژه «فراز» تبدیل شود.
- ۲- بند (۸) ماده (۲۲ مکرر) الحاقی، با توجه به صدر ماده، نیازمند اصلاح عبارتی است.
- ۳- در ماده (۲۷) موضوع اصلاح ماده (۴۲)، مناسب است در خصوص استان‌هایی که تعداد واحد صنفی آنها کمتر از نصاب تعیین‌شده در این ماده است نیز ارائه طریق شود.
- ۴- در جزء (۱۱) بند (الف) و جزء (۱۲) بند (ب) ماده (۴۸) اصلاحی، واژه «اسلامی» پس از واژه «شورای» ذکر گردد.
- ۵- در تبصره ماده (۵۲) اصلاحی، منظور از «آیین‌نامه»، «آیین‌نامه اجرایی» است.
- ۶- در ماده (۳۷) موضوع اصلاح ماده (۵۵)، با توجه به حذف بند (الف)، عناوین سایر بندها نیازمند اصلاح می‌باشد.
- ۷- در تبصره ماده (۸۷) اصلاحی، منظور از «آیین‌نامه»، «آیین‌نامه اجرایی» است.»

طرح سنجش و پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور

منشی جلسه - بسم الله الرحمن الرحيم

«طرح سنجش و پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور»

ماده ۱- اصطلاحات به کار رفته در این قانون به شرح زیر تعریف می‌شوند:

الف- سابقه تحصیلی: نمرات دروس سه سال آخر دوره متوسطه است که امتحانات آن مطابق اصول سنجش و اندازه‌گیری توسط وزارت آموزش و پرورش به صورت سراسری، نهایی و استاندارد مطابق مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش برگزار شده باشد.

ب- آزمون عمومی: آزمون سراسری از میان دروس عمومی رشته‌های تحصیلی در سه سال آخر دوره آموزش متوسطه است که توسط سازمان سنجش آموزش کشور برگزار می‌شود.

پ- آزمون اختصاصی: آزمون سراسری از میان دروس تخصصی رشته‌های تحصیلی در سه سال آخر دوره متوسطه است که توسط سازمان سنجش آموزش کشور برگزار می‌شود.

ت- رشته محل: رشته‌های تحصیلی که داوطلب بر اساس محل تحصیل (دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی) انتخاب می‌کند و به ادامه تحصیل می‌پردازد.

ماده ۲- به منظور برنامه‌ریزی، تصویب مقررات، هماهنگی و نظارت بر نحوه سنجش علمی و پذیرش دانشجو برای کلیه دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور در مقاطع کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد پیوسته، دکتری حرفه‌ای و دکتری پیوسته «شورای سنجش و پذیرش دانشجو» که از این پس در این

۱. طرح یک‌فوریتی سنجش و پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور در تاریخ ۱۳۹۲/۵/۱۶ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. این مصوبه، مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۲۳۴/۳۱۱۳۰ مورخ ۱۳۹۲/۵/۲۲ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان این مصوبه را در مرحله‌ی اول رسیدگی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۲/۵/۳۰ بررسی کرد و نظر خود مبنی بر مغایرت برخی از مواد این مصوبه با قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره ۹۲/۳۰/۵۱۵۶۴ مورخ ۹۲/۵/۳۰ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد. در نهایت، با اصلاحات مورخ ۱۳۹۲/۶/۱۰ مجلس، این مصوبه در مرحله‌ی دوم رسیدگی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۲/۶/۲۰ شورای نگهبان بررسی شد و نظر شورا مبنی بر عدم مغایرت آن با موازین شرع و قانون اساسی طی نامه‌ی شماره ۹۲/۳۰/۵۱۷۲۸ مورخ ۹۲/۶/۲۰ به مجلس شورای اسلامی اعلام شد.

قانون «شورا» نامیده می‌شود با ترکیب زیر تشکیل می‌شود:

الف- وزیر علوم، تحقیقات و فناوری (رئیس شورا)؛

ب- وزیر آموزش و پرورش؛

پ- وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی؛

ت- معاون آموزشی وزیر علوم، تحقیقات و فناوری؛

ث- معاون آموزشی وزیر آموزش و پرورش؛

ج- معاون آموزشی وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی؛

چ- رئیس سازمان سنجش آموزش کشور (دبیر شورا)؛

ح- یک نفر از نمایندگان عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی به عنوان ناظر؛

خ- رئیس دانشگاه آزاد اسلامی و رؤسای دو دانشگاه دولتی از دانشگاه‌های زیرمجموعه وزارتخانه‌های «علوم، تحقیقات و فناوری» و «بهداشت، درمان و آموزش پزشکی» به انتخاب وزرای مذکور بدون حق رأی؛

د- رؤسای مرکز سنجش آموزش و پرورش و مرکز آزمون وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی بدون حق رأی.

تبصره- عضویت اعضا در «شورا» قابل تفویض به غیر نمی‌باشد و «شورا» با حضور حداقل پنج نفر از اعضای غیر ناظر رسمیت می‌یابد.

آقای عزیزاده - اگر فرمایشی ندارید، [رد شویم].

آقای اسماعیلی - تا اینجا نه، مطلبی نداریم.

آقای هاشمی‌شاهرودی - [وظایف و تصمیم‌های] این شورای سنجش و پذیرش دانشجو با مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی تصادم و تلاقی نداشته باشد؟ آنجایی که تداخل ندارد که اشکالی به وجود نمی‌آید و الا طبق مبنا، مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی مقدم بر تصمیم‌های این شورا است.

آقای مدرسی‌یزدی - [تا این ماده‌ای که خوانده شد که] هنوز وظیفه‌ای برای این شورا گفته نشده است!

آقای هاشمی‌شاهرودی - نه، خب شاید شورای عالی انقلاب فرهنگی هم در مصوباتشان، همین برنامه‌ها و وظایفی را که در اینجا برای شورای سنجش و پذیرش دانشجو پیش‌بینی شده، داشته باشند.

آقای مدرسی‌یزدی - حالا فعلاً در این ماده به تعاریف پرداخته است و دستور که ندارد. وظایف این شورا را که خواندند، [اگر اشکالی داشت، باید ایراد بگیریم].

آقای هاشمی‌شاهرودی - نه، اگر شورای عالی انقلاب فرهنگی، مثل همین شورایی که به موجب این ماده تشکیل شده است را تشکیل داد، تکلیف چیست؟

کنکور سراسری تصویب کرده است؛^۱ سابقه‌ی آن قانون را به من بدهید. ظاهراً نمایندگان با ارائه‌ی این طرح، آن مصوبه را دارند [جرح و تعدیل می‌کنند].

آقای ابراهیمیان - در این مصوبه به وظیفه‌ی شورای عالی انقلاب فرهنگی - که حضرت‌عالی [آیت‌الله شاهرودی] می‌فرمایید - یک اشاره‌ای کرده است.

آقای هاشمی‌شاهرودی - معمولاً این بحث و طرح‌های [مرتبط با سنجش و پذیرش دانشجو]، حتماً در شورای عالی انقلاب فرهنگی بحث و بررسی می‌شود.

آقای ابراهیمیان - اینجا [در بند (۲۵) وظایف شورای عالی انقلاب فرهنگی مقرر در مصوبه‌ی مورخ ۱۳۷۶/۸/۲۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی تحت عنوان «جایگاه، اهداف و وظایف شورای عالی انقلاب فرهنگی»]، یکی از وظایف این شورا را «تصویب ضوابط کلی گزینش مدیران، استادان، معلمان و دانشجویان دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی و فرهنگی و مدارس کشور و تعیین مرجع برای گزینش آنان» بیان کرده است. این وظیفه را شورای عالی انقلاب فرهنگی جزء وظایف خودش دانسته؛ حالا آقایان [نمایندگان مجلس]، یک شورا هم [با همین وظایف و کارکرد] در این مصوبه پیش‌بینی کرده‌اند. وظایف این دو نهاد، با یکدیگر تعارض پیدا می‌کند.

آقای هاشمی‌شاهرودی - بله، تداخل پیدا می‌کند.

آقای علیزاده - این ایراد را مرکز تحقیقات شورای نگهبان هم در گزارش کارشناسی خود گفته است؟

آقای ابراهیمیان - بله، مرکز تحقیقات شورا این نکته را در قالب تذکری کلی گفته است.^۲

آقای مدرسی‌یزدی - وظایف این شورا را می‌خوانیم؛ اگر در وظایفش [ایرادی بود، آن وقت بحث می‌کنیم].

آقای هاشمی‌شاهرودی - می‌گویم اگر همین تشکیل این شورا را که در این ماده گفته، ... اگر وظیفه‌ای غیر از این داشته باشد ...

آقای مدرسی‌یزدی - خب، صرف اجازه تشکیل این شورا، در صورتی که هیچ وظیفه‌ای به این شورا ندهند که اشکالی ندارد؛ وظایفی که برای این شورا تعریف شده است، مهم است. این ماده، هنوز وظیفه‌ای برای این شورا نگفته است.

آقای هاشمی‌شاهرودی - چرا دیگر.

آقای مدرسی‌یزدی - وظایف و اختیارات این شورا در ماده (۳) ذکر شده است.

آقای هاشمی‌شاهرودی - نه، ماده (۲) وظایف این شورا را گفته است.

آقای مدرسی‌یزدی - اشکالی ندارد.

آقای هاشمی‌شاهرودی - این شورا برای تصمیم‌گیری است. اگر آنجا [در شورای عالی انقلاب فرهنگی] یک شورای دیگری [برای تصمیم‌گیری‌های این‌چنینی] معین کرده باشند، [بین این قانون و مصوبه‌ی شورای عالی انقلاب فرهنگی، تصادم پیش می‌آید].

آقای مدرسی‌یزدی - بگذارید وظایف این شورا را بخوانند، آن وقت اشکال بگیرید.

منشی جلسه - حاج آقا، عضویت غیر وزیر [مثل معاون وزرای علوم، تحقیقات و فناوری، آموزش و پرورش، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، رئیس سازمان سنجش آموزش کشور در این شورا] اشکالی ندارد؟

آقای علیزاده - نه، اشکالی ندارد.

آقای هاشمی‌شاهرودی - از شورای عالی انقلاب فرهنگی یک استفساری بشود [تا مشخص شود] که آنها این [وظایف مقرر برای شورای سنجش و پذیرش دانشجو] را جور دیگر [و در زمره‌ی وظایف نهادی دیگر] تنظیم نکرده باشند. اصلاً چرا این طرح به مجلس ارائه شده است؟ قطعاً یک مشکل و مسئله‌ای بوده که نمایندگان مجلس این طرح را ارائه کرده‌اند.

آقای مدرسی‌یزدی - وظایف این شورا را بخوانید، این مباحث حل می‌شود.

آقای علیزاده - قبلاً مجلس، یک قانونی را در زمینه‌ی حذف

۱. قانون «پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور» (موسوم به طرح حذف کنکور)، با اصلاحاتی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۸۶/۸/۹ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و در تاریخ ۱۳۸۶/۸/۱۶ مورد تأیید شورای نگهبان قرار گرفت.

۲. تذکر کلی: با توجه به بند (۲۵) وظایف شورای عالی انقلاب فرهنگی مقرر در مصوبه مورخ ۱۳۷۶/۸/۲۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی تحت عنوان «جایگاه، اهداف و وظایف شورای عالی انقلاب فرهنگی» که یکی از وظایف این شورا را «تصویب ضوابط کلی گزینش مدیران، استادان، معلمان و دانشجویان دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی و فرهنگی و مدارس کشور و تعیین مرجع برای گزینش آنان» به حساب آورده است، بنابراین ورود مجلس شورای اسلامی در مقام ضابطه‌گذاری درخصوص چگونگی پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها به جهت تعارض با صلاحیت‌های شورای عالی انقلاب فرهنگی مغایر اصل (۵۷) قانون اساسی است. گزارش کارشناسی مجمع مشورتی حقوقی (مرکز تحقیقات شورای نگهبان)، شماره ۹۲۰۵۰۱۷، مورخ

۴- رئیس یا یکی از معاونین دانشگاه آزاد اسلامی به انتخاب رئیس دانشگاه؛

۵- رئیس سازمان سنجش و آموزش کشور.»

می‌بینید که در قانون سال ۱۳۸۶ هم چنین شورایی وجود دارد.

آقای مدرس‌یزدی - متنها اینجا در ماده (۳) این مصوبه، تصریح کرده‌اند که شورای سنجش و پذیرش دانشجو باید اسناد بالادستی را رعایت کند. اگر مقصودشان از اسناد بالادستی، مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی هم هست، مشکلی ندارد.

آقای علیزاده - حتماً هست.

آقای ابراهیمیان - مشکل ندارد.

آقای مدرس‌یزدی - ولی اگر مرادشان از اسناد بالادستی، مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی نیست، این مصوبه اشکال دارد.

آقای علیزاده - حالا وظایف این شورا را بخوانید تا ببینیم چیست. **منشی جلسه** - «ماده ۳- وظایف و اختیارات «شورا» به شرح زیر می‌باشد:

الف- برنامه‌ریزی و ایجاد هماهنگی در امر سنجش و پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها؛

ب- تصویب عناوین، محتوا و مقررات آزمون‌ها؛

تبصره- «شورا» موظف است در اجرای بند فوق اسناد بالادستی از جمله سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و نقشه جامع علمی کشور را رعایت نماید.»

آقای مدرس‌یزدی - [صرف اینکه بگویند که شورا اسناد بالادستی را رعایت کند، کافی نیست؛ بلکه باید تصریح کنند که این شورا باید مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی را هم رعایت کند. چون ممکن است مراد نمایندگان از اسناد بالادستی، فقط سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و نقشه جامع علمی کشور باشد. هرچند عبارت «از جمله» را ذکر کرده‌اند؛ ولی در عین حال بعید نیست که ما بگوییم ابهام دارد. حداقل یک ابهام بگیریم که آیا مرادشان از اسناد بالادستی، مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی هم هست یا نه؟ این موضوع، باید اعم هم باشد؛ یعنی حتی برنامه‌ریزی هم همین طوری است [و لزوم رعایت مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی، شامل بند (ب) و بند (الف) ماده (۳) مصوبه هم می‌شود.

منشی جلسه - برای کل ماده (۳) [رعایت مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی الزامی] می‌شود.

آقای مدرس‌یزدی - اصلاً کل این مصوبه، باید مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی را رعایت کند؛ نه خصوص بند فوق.

آقای هاشمی‌شاهرودی - درست گفته‌اند. به عقیده من باید مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی را دید. اگر برخی از تصمیمات این شورا [شورای سنجش و پذیرش دانشجو] با مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی منافات داشته باشد؛ چون شورای عالی انقلاب فرهنگی توسط رهبری تشکیل شده است و مصوباتش هم مافوق قانون [عادی] است [تأسیس شورای سنجش و پذیرش دانشجو، اشکال دارد].

آقای علیزاده - آنجا [بند (۲۵) مصوبه‌ی شورای عالی انقلاب فرهنگی] چه گفته است؟

آقای ابراهیمیان - بند (۲۵) می‌گوید: «تصویب ضوابط کلی گزینش مدیران، استادان، معلمان و دانشجویان دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی و فرهنگی و مدارس کشور و تعیین مرجع برای گزینش آنان» از جمله وظایف شورای عالی انقلاب فرهنگی است.

آقای علیزاده - در این مصوبه‌ی کنونی، مجلس در مورد گزینش چه گفته است؟

آقای ابراهیمیان - اینجا یک سری ضوابط است...

آقای مدرس‌یزدی - ماده (۳) مصوبه را بخوانید. این ماده وظایف شورای سنجش و پذیرش دانشجو را ذکر می‌کند. در آنجا اگر این وظایف با وظایف شورای عالی انقلاب فرهنگی تداخل پیدا می‌کند، آقایان به این موضوع اشکال کنند.

آقای علیزاده - بله، در آنجا بگوییم وظایفی که به موجب این مصوبه برعهده‌ی این شورا گذاشته‌اید، [چون با وظایف شورای عالی انقلاب فرهنگی تداخل پیدا می‌کند، اشکال دارد].

آقای مدرس‌یزدی - احسنت!

آقای ابراهیمیان - متنها یک چیزی که هست این است که...

آقای علیزاده - همین ماده (۴) قانون [پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور مصوب] سال ۱۳۸۶ می‌گوید: «ماده ۴- برای پذیرش دانشجو در هر رشته، سابقه تحصیلی دروس مرتبط با آن رشته ملحوظ می‌گردد. این دروس و میزان تأثیر هر یک با توجه به اهمیت آنها و همچنین پایه‌های تحصیلی که در سوابق تحصیلی مؤثر است توسط کارگروهی (کمیته‌ای) مرکب از افراد ذیل تعیین خواهد شد:

۱- وزیر یا یکی از معاونین وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به انتخاب وزیر (رئیس کارگروه (کمیته))؛

۲- وزیر یا یکی از معاونین وزارت آموزش و پرورش به انتخاب وزیر؛

۳- وزیر یا یکی از معاونین وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به انتخاب وزیر؛

شورای سنجش و پذیرش دانشجو لازم‌الرعایه است.

آقای علیزاده - بنییم ماده (۴) مصوبه چه گفته است؛ گفته: «ماده ۴- پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها به روش ظرفیت رشته- محل و تقاضای داوطلبان بر اساس «سابقه تحصیلی» یا «سابقه تحصیلی و آزمون (عمومی یا عمومی- اختصاصی)» صورت می‌گیرد.» در خصوص این که شورای عالی انقلاب فرهنگی، مصوبه و سند بالادستی ندارد.

منشی جلسه - ماده (۶) مصوبه هم گفته: «سهمیه‌های مصوب مجلس شورای اسلامی و شورای عالی انقلاب فرهنگی در خصوص پذیرش دانشجو کماکان به قوت خود باقی است.»

آقای علیزاده - آن ماده که مربوط به «سهمیه‌ها» است.

منشی جلسه - در ماده (۶)، به «شورای عالی انقلاب فرهنگی» تصریح شده، ولی در بقیه مواد تصریح نشده است.

آقای علیزاده - نه غیر از این می‌گوید... بقیه بندهایش آن چیزهایی نیست که [شورای عالی انقلاب فرهنگی در خصوص آنها مصوبه‌ای داشته باشد]... حالا باز آقایان توجه بفرمایند.

آقای مدرسی‌یزدی - چرا؟ حالا فرض بکنید [شورای عالی انقلاب فرهنگی] در آینده، [مواردی در این زمینه‌ها هم] تصویب کرد. باید به صورت کلی در این مصوبه تصریح شود که همه‌ی اقدامات این شورا، باید با رعایت مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی باشد.

آقای علیزاده - اگر یادتان باشد اینها [مجلس شورای اسلامی و شورای عالی انقلاب فرهنگی، در مورد حیطه‌ی صلاحیتشان] یک اختلافاتی با هم پیدا کرده بودند.

آقای هاشمی‌شاهروندی - اختلاف شدید.

آقای علیزاده - برای رفع این اختلافات، یک جلسه‌ای تشکیل شد. آن موقع حضرت آیت‌الله [صادق آملی] لاریجانی عضو شورای نگهبان بودند. ایشان با همکاری شورای عالی انقلاب فرهنگی و وزارت علوم، یک کارهایی انجام دادند و بعد خدمت مقام معظم رهبری رسیدند. حضرت آقا فرمودند: در مواردی که شورای عالی انقلاب فرهنگی در حیطه‌ی وظایفش، مصوباتی داشته است، مجلس باید در قانون‌گذاری‌های خود، رعایت این مصوبات را بکند و آن مواردی که تا به حال راجع به آن تعیین تکلیف نشده است، هر کدام از این دو نهاد که زودتر در آن زمینه مصوبه‌ای داشت، طبق همان، عمل بشود.

آقای اسماعیلی - و آن نهاد مقابل، دیگر دخالت نکند.

آقای علیزاده - بله، آن یکی، دیگر [در خصوص آن موضوع] دخالت نکند. این موضوع، یک وقتی در شورای نگهبان بحث

آقای مؤمن - این «اسناد بالادستی» یعنی چه؟

آقای شبزنده‌دار - در تبصره [صرفاً] گفته: «... در اجرای بند فوق، اسناد بالادستی ... را رعایت نماید.»

آقای مدرسی‌یزدی - اصلاً برای کل این مصوبه، باید مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی رعایت شود.

آقای هاشمی‌شاهروندی - یعنی [شورای سنجش و پذیرش دانشجو موظف است کلیه‌ی] سیاست‌های کلانی که شورای عالی انقلاب فرهنگی وضع می‌کند را رعایت کند. این دو سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و نقشه جامع علمی کشور را هم خود شورای عالی انقلاب فرهنگی تصویب کرده است.

آقای علیزاده - بله، این دو سند را خود شورای عالی انقلاب فرهنگی تصویب کرده است.^۱ [بنابراین]، ظاهراً این مصوبه، اشکالی ندارد.

آقای ابراهیمیان - بنابراین، شاید این عبارت [از جمله سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و نقشه جامع علمی...] تمثیلی است؛ از عبارت «از جمله» استفاده کرده است.

آقای علیزاده - با اینکه گفته رعایت بشود تا حالا...

آقای مدرسی‌یزدی - تبصره، فقط بند (ب) را گفته؛ می‌گوید: «در اجرای بند فوق». بنابراین، شورا فقط در اجرای این بند باید اسناد بالادستی را رعایت کند.

آقای هاشمی‌شاهروندی - [تبصره، مربوط به بند (ب) است] که می‌گوید: «تصویب عناوین، محتوا و مقررات آزمون‌ها».

آقای مدرسی‌یزدی - نه، [الزام به رعایت مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی] باید نسبت به کل این مصوبه باشد؛ نه خصوص بند (ب).

آقای هاشمی‌شاهروندی - تبصره مربوط به بند (ب) ماده (۳) است.

آقای علیزاده - مقررات روش پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها [مقرر در بند (پ) ماده (۳)] که اسناد بالادستی ندارد که.

آقای مدرسی‌یزدی - چرا؛ هر جایی که به هر حال شورای عالی انقلاب فرهنگی مصوبه‌ای داشته باشد، آن مصوبه قطعاً برای

۱. سند «تحول بنیادین آموزش و پرورش» مصوب جلسه (۷۰۴) مورخ ۱۳۹۰/۱۰/۶ و «سند نقشه جامع علمی کشور» مصوب جلسات (۶۶۲)، (۶۶۳)، (۶۶۴)، (۶۶۶)، (۶۶۷)، (۶۶۸)، (۶۷۰)، (۶۷۱)، (۶۷۲)، (۶۷۳)، (۶۷۴)، (۶۷۵)، (۶۷۶)، (۶۷۷)، (۶۷۸)، (۶۷۹) مورخ ۱۳۸۹/۲/۲۱، ۱۳۸۹/۳/۴، ۱۳۸۹/۴/۲۹، ۱۳۸۹/۴/۱۵، ۱۳۸۹/۳/۱۸، ۱۳۸۹/۳/۴، ۱۳۸۹/۸/۱۱، ۱۳۸۹/۸/۴، ۱۳۸۹/۷/۲۷، ۱۳۸۹/۷/۲۰، ۱۳۸۹/۷/۶، ۱۳۸۹/۸/۱۸، ۱۳۸۹/۹/۲، ۱۳۸۹/۹/۱۶، ۱۳۸۹/۹/۳۰، ۱۳۸۹/۱۰/۱۴ و شورای عالی انقلاب فرهنگی است.

شد و ما این جوری یادمان می‌آید. حالا هر جور می‌فرمایید، حرفی نداریم.

آقای ابراهیمیان - حاج آقا، ببخشید! در اصل شورای عالی انقلاب فرهنگی، وظیفه‌اش سیاست‌گذاری است. بنابراین در قوانین و مقررات، موضوعاتی جزئی که عنوان سیاست‌گذاری ندارد، خودبه‌خود تداخلی [بین مصوبات این دو نهاد] پیش نمی‌آید. اگر شورای عالی انقلاب فرهنگی وارد موضوعات جزئی شد، این شورای عالی انقلاب فرهنگی است که اشتباه کرده است؛ اینجا هم در بند (۲۵) مصوبه‌ی شورای عالی انقلاب فرهنگی، در باب وظایف شورای عالی انقلاب فرهنگی گفته «تصویب ضوابط کلی گزینش...». حقیر عقیده‌ام این است که ما در نظر خود به مجلس اعلام کنیم که با توجه به اینکه عبارت «برنامه‌ریزی و ایجاد هماهنگی در امر سنجش و پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها» [بند (الف) ماده (۳)]، مثل همان بند (ب) ماده (۳)، یعنی «تصویب عناوین، محتوا و مقررات آزمون‌ها» می‌تواند مشمول عبارت «ضوابط کلی گزینش» باشد، از این حیث، قید مذکور در تبصره‌ی بند (ب) را باید به تمام بندهای این مقررہ تعمیم دهید؛ یعنی اینکه در تمام بندهای این مصوبه، اسناد بالادستی - از جمله همین دو سندی که مصوبه‌ی شورای عالی انقلاب فرهنگی است و در این تبصره ذکر شده است - باید رعایت بشود. در این حد [اشکال این ماده را به مجلس منعکس کنیم].

آقای علیزاده - تا اینجا [بند (الف) و (ب) ماده (۳)] که گفته شورای سنجش و پذیرش دانشجو باید اسناد بالادستی را رعایت کند. ذیل عبارت «برنامه‌ریزی و ایجاد هماهنگی...» گفته که شورا موظف است...

آقای هاشمی شاهرودی - نه، ذیل بند (الف) چنین چیزی نگفته است؛ ذیل بند (ب) گفته است.

آقای مدرس‌یزدی - بله، ذیل بند (الف) نگفته است؛ ذیل بند (ب) گفته که «در اجرای بند فوق»؛ یعنی بند (ب).

آقای ابراهیمیان - ذیل بند (ب) گفته است. عبارت تبصره هم می‌گوید «بند فوق»، نگفته «بندهای فوق». اگر می‌گفت «بندهای فوق» [می‌توانستیم قید «رعایت اسناد بالادستی» را به بندهای (الف) و (ب) مصوبه تعمیم دهیم]؛ ولی در تبصره گفته: «بند فوق».

آقای مؤمن - برنامه‌ریزی و ایجاد هماهنگی...

آقای علیزاده - ایجاد هماهنگی نیازی به این قید ندارد ...

آقای ابراهیمیان - برنامه‌ریزی...

آقای مدرس‌یزدی - برنامه‌ریزی هم جزء وظایف این شورا

است؛ در حالی که از وظایف شورای عالی انقلاب فرهنگی، تصویب ضوابط کلی گزینش مدیران، استادان، معلمان و دانشجویان است. خب، «برنامه‌ریزی» شامل این موارد هم می‌شود.

منشی جلسه - قید [با رعایت اسناد بالادستی و مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی] را به همه‌ی مواد مصوبه برگردانیم.

آقای مدرس‌یزدی - [این مصوبه] حتماً باید مقید [به «رعایت اسناد بالادستی از جمله مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی»] بشود. باید بگوید «با رعایت مصوبات ...».

آقای مؤمن - [بند (ب) گفته است:] «تصویب عناوین، محتوا و مقررات آزمون‌ها ...» بند اول که خیلی مطلبی ندارد [که نیاز باشد به رعایت اسناد بالادستی مقید بشود]؛ در مورد بند (ب) هم که گفته است این شورا باید اسناد بالادستی را رعایت بکند.

آقای اسماعیلی - خب رأی بگیرید.

آقای علیزاده - آقایان می‌گویند که [این قید مقرر در تبصره‌ی بند (ب)، باید] در مطلق این قانون یا بندهای مربوط به وظایف شورای سنجش و پذیرش دانشجو بیاید. حضرات آقایانی که می‌گویند در مطلق این وظایف مقرر برای شورا، اگر رعایت اسناد بالادستی ذکر نشود، این ماده ایراد دارد، بفرمایند. البته همه‌ی موارد را ما نمی‌گوییم، فقط آنجاهایی که اسناد بالادستی وجود دارد و نیاز است که آن اسناد بالادستی رعایت بشود، منظور ما است. به هر حال، اطلاق این موضوع چون شامل مواردی هم می‌شود که اسناد بالادستی وجود دارد ولی رعایت آنها در این مصوبه، لازم دانسته نشده، ... با توجه به تصریحی که در تبصره‌ی بند (ب) نسبت به رعایت این اسناد در خصوص مفاد بند (ب) شده، این مفهوم را می‌رساند که گویا در بندهای دیگر نیازی به رعایت اسناد بالادستی - در صورت وجود - نیست.

آقای مؤمن - بله، می‌گوید در ایجاد هماهنگی...

آقای علیزاده - وقتی تبصره‌ی بند (ب) می‌گوید که در مورد این بند، اسناد بالادستی باید رعایت شود، معنایش این است که در بقیه موارد ضرورت ندارد؛ حال اینکه ممکن است در بقیه بندها هم، در بعضی جاها، اسناد بالادستی وجود داشته باشد. آقایان اگر این موضوع را ایراد دارند، بفرمایند.

آقای هاشمی شاهرودی - یعنی اول باید مفهوم را اثبات کنیم تا ایراد بگیریم؟

آقای اسماعیلی - بله.

آقای هاشمی شاهرودی - این نمی‌شود که.

ما لازم است اشاره بکنیم که این [اقدامات و مصوبات شورای سنجش و پذیرش دانشجو، همگی باید با رعایت اسناد بالادستی باشد].

آقای علیزاده - بند (ث) ماده (۳) را بخوانید. «ث- بررسی و تصمیم‌گیری در امور مرتبط با سنجش و پذیرش دانشجو و نیز در مورد داوطلبان فاقد سابقه تحصیلی و امور ارجاعی از طرف شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی امنیت ملی در چهارچوب این قانون.» یعنی می‌گوید که این شورا باید بر اساس این قانون [در مورد امور ارجاعی از طرف شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی امنیت ملی هم تصمیم‌گیری کند].

آقای هاشمی‌شاهرودی - این بند می‌گوید که شورای سنجش و پذیرش دانشجو [در امور مربوط به شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی امنیت ملی] می‌تواند تصمیم‌گیری کند. این که خلاف صریح است؛ این شورا نه می‌تواند مصوبات شورای عالی امنیت ملی را تغییر بدهد؛ چون این مصوبات به تأیید مقام رهبری می‌رسد^۱ و نه می‌تواند مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی را تغییر دهد.

۱. اصل یکصد و هفتاد و ششم (۱۷۶) قانون اساسی: «به منظور تأمین منافع ملی و پاسداری از انقلاب اسلامی و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی، شورای عالی امنیت ملی به ریاست رئیس‌جمهور، با وظایف زیر تشکیل می‌گردد.

۱- تعیین سیاست‌های دفاعی - امنیتی کشور در محدوده سیاست‌های کلی تعیین شده از طرف مقام رهبری؛

۲- هماهنگ نمودن فعالیت‌های سیاسی، اطلاعاتی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در ارتباط با تدابیر کلی دفاعی - امنیتی؛

۳- بهره‌گیری از امکانات مادی و معنوی کشور برای مقابله با تهدیدهای داخلی و خارجی.

اعضای شورا عبارتند از:

- رؤسای قوای سه‌گانه

- رئیس ستاد فرماندهی کل نیروهای مسلح

- مسئول امور برنامه و بودجه

- دو نماینده به انتخاب مقام رهبری

- وزیر امور خارجه، کشور، اطلاعات

- حسب مورد وزیر مربوط و عالی‌ترین مقام ارتش و سپاه.

شورای عالی امنیت ملی به تناسب وظایف خود شوراهای فرعی از قبیل شورای دفاع و شورای امنیت کشور تشکیل می‌دهد. ریاست هر یک از شوراهای

فرعی با رئیس‌جمهور یا یکی از اعضای شورای عالی است که از طرف رئیس‌جمهور تعیین می‌شود. حدود اختیارات و وظایف شوراهای فرعی را قانون معین می‌کند و تشکیلات آنها به تصویب شورای عالی می‌رسد. مصوبات شورای عالی امنیت ملی پس از تأیید مقام رهبری قابل اجراست.»

آقای مؤمن - بند (ب) ماده (۳) مصوبه خوب است [که مقید به رعایت اسناد بالادستی شده است]؛ تصویب عناوین، محتوا و مقررات آزمون‌ها.

آقای هاشمی‌شاهرودی - بگویم اصلاً این مصوبه بایستی با اسناد بالادستی که مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی است، تنافی نداشته باشد.

آقای رهپیک - به هر حال، [چه در عبارت این ماده، گفته بشود، چه گفته نشود] همیشه اسناد بالادستی [بر مقررات مادون] حاکم است؛ در هر حال، [اسناد بالادستی] در همه موارد، حاکم است.

آقای مدرسی‌یزدی - پس چرا در یک جا [بند (ب) ماده (۳)]، تخصیص داده‌اند و [لزوم رعایت اسناد بالادستی را] ذکر کرده‌اند و یک جای دیگر [سایر بندهای ماده (۳)] تخصیص نداده و ذکر نکرده‌اند!

آقای هاشمی‌شاهرودی - نه، مجلس، مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی را جزء اسناد بالادستی نمی‌داند.

آقای رهپیک - نه [من هم می‌گویم] باید بنویسند. به طور کلی [رعایت اسناد بالادستی و مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی]، در همه بندهای این مصوبه حاکم است.

آقای علیزاده - پس این جوری بگویم که...

آقای هاشمی‌شاهرودی - باید برویم مصوباتی از شورای عالی انقلاب فرهنگی را پیدا کنیم که خلاف وظایف مقرر شده برای شورای سنجش و پذیرش دانشجو و در تعارض با این مصوبه‌ی مجلس است و بر اساس آن مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی، بگویم این ماده خلاف است.

آقای علیزاده - آقایان چه نوشته‌اند؟

آقای رهپیک - حالا اینها کلی نوشته‌اند که جزء اهداف است.

آقای مدرسی‌یزدی - خوب نوشته‌اند.

آقای رهپیک - نه، گاهی وقت‌ها شورای عالی انقلاب فرهنگی، مثلاً در مورد سنجش دانشجو، مصوبه‌ای خاص دارد. [ماده (۲۵) مصوبه‌ی شورای عالی انقلاب فرهنگی] متضمن یک حکم کلی است که گفته در گزینش دانشجو، شورای عالی انقلاب فرهنگی باید نظر بدهد. غیر از این حکم کلی، [شورای عالی انقلاب فرهنگی] مصوبات فروان دیگری هم دارد.

آقای علیزاده - بند (۳) ماده (۳) را نگاه بکنید.

آقای ابراهیمیان - ... لازم نیست. همین که شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌تواند ضابطه کلی بگذارد، هر چند که ممکن است این ضابطه را الآن نگذاشته باشد و بعداً بگذارد، در هر صورت

عالی امنیت ملی»، بررسی خود آن امر ارجاعی را هم در بر می‌گیرد.

آقای علیزاده - بند (ث) نمی‌گوید اجرای مصوبات [شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی امنیت ملی].

آقای هاشمی‌شاهرودی - بله، اگر این جور می‌گفت، [ایرادی نداشت].

آقای علیزاده - می‌گوید بررسی و تصمیم‌گیری در مورد اموری که شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی امنیت ملی به این شورا ارجاع داده‌اند؛ یعنی این شورا می‌تواند آن موضوع را بررسی کند و راجع به آن تصمیم‌گیری کند.

آقای هاشمی‌شاهرودی - بله، یعنی شورا می‌تواند دوباره این موضوع ارجاعی را بررسی کند و نسبت به آن تصمیم‌گیری کند.

آقای مدرسی‌یزدی - آخر بند (ث) گفته بررسی و تصمیم‌گیری شورا باید «در چهارچوب این قانون» باشد.

آقای علیزاده - گفته: «در چهارچوب این قانون»، نه «در چهارچوب آنچه که شورای عالی امنیت ملی یا شورای عالی انقلاب فرهنگی گفته‌اند؛ [یعنی تصمیمات شورای سنجش و پذیرش دانشجو باید در چهارچوب همین مصوبه باشد].

آقای مدرسی‌یزدی - [منظور این است که] تصمیمات این شورا باید در چهارچوب این قانون باشد.

آقای علیزاده - بله، یعنی تصمیمات این شورا باید در چهارچوب این قانون باشد.

آقای مؤمن - این بند نمی‌گوید که شورا امور ارجاعی [از طرف شورای عالی انقلاب فرهنگی یا شورای عالی امنیت ملی] را بر هم بزند، بلکه گفته شورا در مورد امور ارجاعی از سوی این نهادها، بررسی و تصمیم‌گیری کند. شما این عبارت را به معنای بر هم زدن و تغییر موضوع مورد ارجاع تفسیر می‌کنید!

آقای علیزاده - [بررسی و تصمیم‌گیری در خصوص] امور ارجاعی به معنای الزام نیست.

آقای مؤمن - چرا؛ [به معنای الزام است].

آقای علیزاده - [یعنی می‌خواهید بگویید] مثلاً اگر رئیس قوه قضائیه پرونده‌ای را به قاضی ارجاع می‌کند، [آن قاضی ملزم به تبعیت از نظر رئیس قوه قضائیه است!]

آقای مؤمن - [شما می‌خواهید بگویید] عبارت بند (ث) به این معنی است که شورای سنجش و پذیرش دانشجو می‌تواند به آن موضوع ارجاعی بی‌اعتنایی بکند!

آقای علیزاده - نه، این عبارت به این معنا است که شورا، ارجاع

آقای علیزاده - این بند که ابهام دارد.

آقای اسماعیلی - نه، [مقصود این بند این است که] مثلاً اگر شورای عالی امنیت ملی مصوبه‌ای دارد که مثلاً به لحاظ وجود اقلیت‌ها در فلان استان، چیزهایی باید مراعات شود، این شورای سنجش و پذیرش دانشجو باید روش اجرایی آن موارد لازم‌الرعایه را تعیین کند.

آقای هاشمی‌شاهرودی - مگر اینکه مقصود این بند از «تصمیم‌گیری»، تصمیم‌گیری در اجرا باشد، نه در عموم مسائل مربوط به امور سنجش و پذیرش دانشجو.

آقای اسماعیلی - بله.

آقای هاشمی‌شاهرودی - اما بند (ث) گفته: «بررسی و تصمیم‌گیری»؛ [نگفته تعیین روش اجرایی]. این عبارت ظاهرش این است که این شورا می‌تواند خودش آن امر ارجاعی از طرف شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی امنیت ملی را هم بررسی کند.

آقای اسماعیلی - نه، این بدین معناست که شورا باید موارد ارجاعی از طرف شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی امنیت ملی را از نظر نحوه‌ی اجرا بررسی کند.

آقای هاشمی‌شاهرودی - این بند درست است یا درست نیست؟ **آقای علیزاده -** ابهام دارد.

آقای هاشمی‌شاهرودی - اقالاً باید بگوید [تصمیم‌گیری] در اجرا. قید «اجرا» را باید در بند (ث) بیاورند.

آقای مؤمن - بند (ث) گفته شورا امور ارجاعی [از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی امنیت ملی] را بررسی و تصمیم‌گیری کند.

آقای هاشمی‌شاهرودی - باید «اجرای» امور ارجاعی [در صلاحیت بررسی و تصمیم‌گیری شورا] باشد، نه خود امور ارجاعی.

آقای مؤمن - همین است دیگر؛ بررسی و تصمیم‌گیری در مورد آن امور ارجاعی.

آقای هاشمی‌شاهرودی - بند (ث) باید بگوید اجرای امور ارجاعی.

آقای مؤمن - یعنی می‌گویید منظور این بند این است که شورا می‌تواند امور ارجاعی [از سوی شورای عالی امنیت ملی یا شورای عالی انقلاب فرهنگی] را تغییر دهد و یک چیز دیگری به جای آن تصویب کند!

آقای هاشمی‌شاهرودی - معنای این عبارت بند (ث) همین است دیگر. وقتی این عبارت گفته: «بررسی و تصمیم‌گیری ... امور ارجاعی از طرف شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای

انجام شده را می‌پذیرد، ولی هر نظری که خودش داشت، اعمال می‌کند.

آقای مؤمن - نه.

آقای علیزاده - معنای «بررسی» این است.

آقای مؤمن - نه، معنایش این است که شورا باید امور ارجاعی را که شورای عالی امنیت ملی یا شورای عالی انقلاب فرهنگی ارسال کرده‌اند و گفته‌اند بر طبق آنها عمل کن را اجرایی کند. بر هم زدن مصوبه‌ی ارجاعی در این عبارت نیست.

آقای هاشمی‌شاهرودی - کلّ این مصوبه ایراد دارد. به موجب این مصوبه یک شورایی ایجاد کرده‌اند که اختیارات شورای عالی انقلاب فرهنگی را گرفته است.

آقای علیزاده - بله، اصلاً این مصوبه هدفش این است که این اختیارات را کلاً به این وزارتخانه و این شورا بدهند؛ در حالی که [حق این است که] در جایی که شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی امنیت ملی مصوبه دارند، این شورا باید زمینه اجرایی شدن آنها را فراهم کند.

آقای مدرسی‌یزدی - این ایراد، رأی لازم را دارد.

آقای علیزاده - اگر آقایان نظرشان بر این است ما الآن این عبارت را بگوییم که...

آقای هاشمی‌شاهرودی - کلیه‌ی وظایف این شورا باید [با رعایت اسناد بالادستی و مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی امنیت ملی باشد].

آقای مدرسی‌یزدی - باید در مصوبه، به اسم «شورای عالی انقلاب فرهنگی» هم تصریح بشود.

آقای هاشمی‌شاهرودی - بله.

آقای مدرسی‌یزدی - اگر به نام «شورای عالی انقلاب فرهنگی» تصریح نشود، فایده‌ای ندارد؛ چون می‌گویند که مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی، جزء اسناد بالادستی نیست!

آقای علیزاده - مجلس، همه [مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی] را اسناد بالادستی نمی‌داند. اگر همه‌ی مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی را جزء اسناد بالادستی می‌دانستند، در این مصوبه [عبارت را جور دیگری] می‌آوردند؛ در حالی که الآن در تبصره‌ی بند (ب) ماده (۳) فقط از سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و نقشه‌ی جامع علمی کشور نام برده‌اند؛ چون اینها فقط همین مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی مدّ نظرشان بوده است.

آقای مدرسی‌یزدی - شما این موضوع را ایراد بگیرید.

آقای علیزاده - باید حضرات آقایان رأی بدهند تا ایراد بگیریم!
آقای مدرسی‌یزدی - اطلاق این مصوبه نسبت به مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی...

آقای هاشمی‌شاهرودی - و مصوبات شورای عالی امنیت ملی...
آقای مدرسی‌یزدی - ... مغایرت دارد.

آقای علیزاده - بله، این بند (ث) را جداگانه ایراد بگیریم؛ بگوییم این ابهام دارد و روشن نیست که آیا منظور از وظیفه‌ی محول شده به شورا در این بند، بررسی و تصمیم‌گیری در جهت اجرای مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی امنیت ملی است یا نه؟ یا نسبت به این بند، به مجلس تذکر بدهیم.

آقای هاشمی‌شاهرودی - انتهای همین بند گفته که تصمیمات این شورا باید در چهارچوب این قانون باشد.

آقای علیزاده - باید مشخص شود بر اساس این بند، شورای سنجش و پذیرش دانشجو قرار است شرایط اجرایی [مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی امنیت ملی] را فراهم بکند یا اینکه می‌خواهد دوباره راجع به این مصوبات، مستقلاً تصمیم‌گیری کند که در صورت اخیر، ممکن است تصمیم شورای سنجش و پذیرش دانشجو با مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی امنیت ملی معارض باشد.

آقای هاشمی‌شاهرودی - خب وقتی انتهای بند (ث) گفته «در چهارچوب این قانون»، یعنی اگر [تصمیمات شورا] خلاف این قانون بود، طبق این قانون باید عوض و یا اصلاح شود؛ این که صریح است و ابهام ندارد.

آقای علیزاده - حالا حضرات آقایانی که می‌فرمایند وظایف و اختیارات این شورا باید با رعایت مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی باشد، بفرمایند. آقایان اگر این اشکال را قبول دارند و معتقدند که از این جهت، مغایر اصل (۵۷) قانون اساسی است، بفرمایند.

آقای هاشمی‌شاهرودی - ما که قبول داریم.

آقای اسماعیلی - راجع به این ماده؟

آقای علیزاده - بله.

آقای اسماعیلی - من هم قبول دارم که وظایف و اختیارات این شورا باید با رعایت مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی باشد؛ ولی می‌گویم این [عبارت تبصره‌ی بند (ب)]، این مطلب را نمی‌رساند؟

آقای علیزاده - نه، نمی‌رساند آقای دکتر [اسماعیلی]. شما این نکته که شورا باید مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی را

طوری بنویسیم: در مورد وظایفی که در این قانون آمده، رعایت مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی ضروری است. [این موضوع] باید قید بشود؛ اگر قید نشود، این مصوبه، خلاف اصل (۵۷) قانون اساسی است.^۱ بند (ث) ماده (۳)، در مورد شورای عالی امنیت ملی است. این بند می‌گوید که «بررسی و تصمیم‌گیری در امور مرتبط با سنجش و پذیرش دانشجو و نیز در مورد داوطلبان فاقد سابقه تحصیلی و امور ارجاعی از طرف شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی امنیت ملی در چهارچوب این قانون.» اصلاً شورای عالی امنیت ملی موردی را به این شورا ارجاع نمی‌کند؛ چون شورای عالی امنیت ملی تصمیم‌گیری امنیتی می‌گیرد.

آقای مدرس‌یزدی - «بررسی» ندارد.

آقای علیزاده - «بررسی» ندارد. این شورا باید زمینه‌ی اجرای مصوبات شورای عالی امنیت ملی را فراهم کند.

آقای مؤمن - خب، اصلاً معنای [بررسی و تصمیم‌گیری در این بند] همین است؛ یعنی بررسی و تصمیم‌گیری در امور ارجاعی. اموری را شورای عالی انقلاب فرهنگی یا شورای عالی امنیت ملی به این شورا ارجاع داده [و شورا این امور ارجاعی را بررسی و تصمیم‌گیری می‌کند].

آقای علیزاده - امور ارجاعی غیر از اجرا است.

آقای مؤمن - بند (ث) این‌طور گفته است دیگر.

آقای هاشمی‌شاهروندی - امور ارجاعی غیر از اجراست.

آقای مؤمن - خب، در امور ارجاعی به چه مرجعی باید ارجاع بدهد؟

آقای علیزاده - شورای عالی انقلاب فرهنگی که به شورای سنجش و پذیرش دانشجو نمی‌گوید من این را به شما ارجاع می‌کنم.

آقای مؤمن - پس «امور ارجاعی» یعنی چه؟

آقای علیزاده - شورای عالی انقلاب فرهنگی تصمیم می‌گیرد که مثلاً اقلیت‌های دینی در مدارس خودشان، تعلیمات دینی خودشان را تدریس بکنند. حالا این تصمیم شورای عالی انقلاب

رعایت کند، قبول دارید؟

آقای سلیمی - اگر نمایندگان این مصوبه را اصلاح کنند [و به لزوم رعایت مصوبات «شورای عالی انقلاب فرهنگی» توسط شورا تصریح کنند]، این مطلب کاملاً واضح می‌شود.

آقای علیزاده - منظورتان کدام قسمت از مصوبه است؟

آقای سلیمی - اسناد بالادستی...

آقای هاشمی‌شاهروندی - این تبصره، صرفاً مربوط به بند (ب) است.

آقای علیزاده - [رعایت اسناد بالادستی] فقط مربوط به بند (ب) است. ما کل وظایف ذکر شده برای این شورای سنجش و پذیرش دانشجو را می‌گوییم [که باید مقید به رعایت مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی شود].

آقای ابراهیمیان - ... بند (الف) و (ب) ...

آقای اسماعیلی - نه، کل مصوبه ...

آقای علیزاده - نه، این ایراد را به کل وظایف ذکر شده برای این شورا بگیریم. ما به بقیه مواد مصوبه [از این جهت] کاری نداریم.

آقای هاشمی‌شاهروندی - نه، این ایراد به کل مصوبه وارد است.

آقای علیزاده - نه، این ایراد به وظایف شورای سنجش و پذیرش دانشجو وارد است. حالا ممکن است مواد دیگر این مصوبه، جایی که مربوط به ذکر وظایف نباشد، موضوعات دیگری مطرح شده باشد [که چنین ایرادی به آنها وارد نباشد]. در مواد دیگر مصوبه، هر جا چنین ایرادی وارد بود، آن را هم می‌گوییم. الآن فقط ایراد همین ماده را بگوییم...

آقای هاشمی‌شاهروندی - آن تبصره‌ای که آقای سلیمی اشاره کردند مربوط به بند (ب) است، نه کل ماده (۳).

آقای علیزاده - بله، فقط مربوط به بند (ب) است.

آقای ره‌پیک - به هر حال سنجش دانشجو از جهات کلان [مهم و تأثیرگذار است] و نمی‌شود خارج از مصوبات شورای انقلاب فرهنگی باشد.

آقای هاشمی‌شاهروندی - قطعاً بایستی [تصمیمات شورا را] به مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی منوط شود.

آقای علیزاده - بله.

آقای هاشمی‌شاهروندی - [عدم رعایت مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی توسط این شورا]، خلاف اصل (۱۱۰) قانون اساسی هم هست.

منشی جلسه - حاج آقای سلیمی هم رأی دادند.

آقای علیزاده - خیلی خب، این ایراد رأی آورد. پس ایراد را این

۱. بند (۱) نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۱۵۶۴ مورخ ۱۳۹۲/۵/۳۰ شورای نگهبان در خصوص طرح سنجش و پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور مصوب ۱۳۹۲/۵/۱۶ مجلس شورای اسلامی: «۱- انجام کلیه وظایف و اختیارات مقرر در این قانون باید با رعایت سیاست‌های کلی نظام و مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی باشد و الا مغایر اصل (۵۷) قانون اساسی شناخته شد.»

فرهنگی را که به این شورا ارجاع شده، اینها بپردازند بررسی کنند و بگویند نه، اقلیت‌های دینی بروند تحریرالوسیله را حفظ کنند! ...

آقای مدرسی یزدی - یک معنای [ارجاع امور از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی به شورای سنجش و پذیرش دانشجو] این است که شورای عالی انقلاب فرهنگی به این شورا بگوید شما تمهیدات اجرایی این مصوبه را فراهم کن. ممکن است یک معنایش این باشد.

آقای علیزاده - بله، بنده هم همین را می‌گویم.

آقای مدرسی یزدی - نه، اعم است.

آقای مؤمن - شورای عالی انقلاب فرهنگی، کار اجرایی مصوبه را به شورا واگذار می‌کند تا انجام بدهد.

آقای علیزاده - من هم می‌گویم که منظور این است.

آقای مدرسی یزدی - ولی در این بند، ظاهر عبارت «بررسی و تصمیم‌گیری»، حداقل ابهام دارد؛ به خصوص با ضمیمه‌ای که به عبارت «در چهارچوب این قانون» شده است. آخر «چهارچوب» در اینجا معنا ندارد؛ این شورا طبق مصوباتی که شورای عالی انقلاب فرهنگی دارد، باید عمل کند.

آقای علیزاده - البته عبارت می‌گوید: «چهارچوب این قانون». حالا مجلس باید بگوید منظور از این عبارت یعنی اینکه مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی رعایت بشود، یا منظورش این است که چهارچوب این قانون رعایت بشود، هر چند ممکن است مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی رعایت نشود.

آقای مدرسی یزدی - خب، این یعنی چه؟ یعنی این شورا می‌تواند [مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی امنیت ملی را] جرح و تعدیل بکند. «در چهارچوب این قانون»؛ یعنی مصوبات این نهادها را بریزد در قالب این قانون و جرح و تعدیلش بکند؟ معنی‌اش این است؟

آقای علیزاده - اگر در چهارچوب این قانون نبود، اصلاً تصمیم نگیرد.

آقای مدرسی یزدی - بله.

آقای اسماعیلی - یعنی معنای «در چهارچوب این قانون» این است که شورای عالی امنیت ملی یک مصوبه‌ای را که برای اجرا ابلاغ می‌کند، آن وقت این شورا راجع به اجراشدن یا نشدن این مصوبه تصمیم‌گیری کنند؟!

آقای هاشمی‌شاهرودی - یعنی شورا می‌تواند این مصوبات را

تغییر دهد.

آقای مدرسی یزدی - بله دیگر.

آقای مؤمن - نه، ما که چنین برداشتی نداریم.

آقای مدرسی یزدی - مفهوم این بند، همین است.

آقای اسماعیلی - شورا باید در چهارچوب این قانون، مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی را اجرا کند.

آقای مدرسی یزدی - حالا اگر در بند (ث)، عبارت «در

چهارچوب این قانون» ذکر نمی‌شد، [چه اشکالی داشت؟]

آقای علیزاده - آنجایی که قانوناً چنین اختیاراتی وجود ندارد، برخی برای خود اختیارات قائلند؛ حالا اگر این قانون، این اختیارات را هم به این شورا بدهد، آن وقت می‌گویند قانون این را به ما گفته است!

آقای مدرسی یزدی - این بند اشکال دارد. حداقل این است که ابهام بگیریم که آیا مقصود از بند (ث)، اجرای بدون دخل و تصرف امور ارجاعی از طرف شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی امنیت ملی است، یا اینکه شورا ضمن اجرا می‌تواند در این مصوبات ارجاعی دخل و تصرف هم بکند؟

آقای علیزاده - بله، باید بگویم که آیا مقصودتان از این بند وظایف شورا، فراهم نمودن زمینه‌ی اجرا است یا اینکه نه [شورا می‌تواند در مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی امنیت ملی دخل و تصرف هم بکند؟] می‌گوییم این بند ابهام دارد از این جهت که معلوم نیست که آیا شورا تمهیدات اجرایی را برای موارد ارجاعی فراهم می‌کند یا مستقلاً می‌تواند تصمیمات دیگری بگیرد؟

آقای هاشمی‌شاهرودی - می‌گوییم عبارت «امور ارجاعی» مبهم است.

آقای مؤمن - عبارت «بررسی و تصمیم‌گیری» هم مبهم است.

آقای مدرسی یزدی - عبارت «در چهارچوب این قانون» هم مبهم است.

آقای هاشمی‌شاهرودی - عبارت «بررسی و تصمیم‌گیری در امور ارجاعی از طرف شورای عالی امنیت ملی» مبهم است.

آقای علیزاده - بله، مبهم است. حضرات آقایانی که با نظر حضرت آیت‌الله شاهرودی و حضرت آیت‌الله مدرس موافقت کرده فرمودند: عبارت «بررسی و تصمیم‌گیری در امور ارجاعی» روشن نیست و ابهام دارد، بفرمایند.

آقای مؤمن - خوب است. ما حرفی نداریم.

صورت می‌گیرد.»

آقای مؤمن - خب پذیرش دانشجو [قبلاً] هم همین‌طور بوده است. این ماده، خلاف مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی هم نیست.

آقای هاشمی‌شاهرودی - شاید خلاف مصوبه‌ی شورای عالی انقلاب فرهنگی باشد؛ محتمل است.

آقای مؤمن - ماده (۴) می‌گوید که پذیرش دانشجو باید به این روش باشد؛ شورای عالی انقلاب فرهنگی که روش دیگری برای پذیرش دانشجو نگفته است.

آقای هاشمی‌شاهرودی - ممکن است شورای عالی انقلاب فرهنگی برای پذیرش دانشجو ضوابطی [غیر از اینها هم] گذاشته باشند.

آقای علیزاده - این موارد «ظرفیت» و «رشته - محل» و «تقاضای داوطلبان» و امثال اینها که معلوم است.

آقای مؤمن - چرا؟ مگر بر اساس ...

آقای علیزاده - در مورد وظایف شورا که اشکال گرفتیم [و گفتیم باید با رعایت مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی باشد]. با آن اشکال، این موارد هم مقید به همان [رعایت مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی] می‌شود دیگر.

آقای مؤمن - نمی‌گوییم که مقید نشود.

آقای هاشمی‌شاهرودی - نه، [پذیرش دانشجو، مسئله‌ای] غیر از وظایف شورا است. این یک بند دیگر است.

آقای علیزاده - این ماده دارد روش قانونی پذیرش دانشجو را تعیین می‌کند. اینکه اشکال ندارد.

آقای مؤمن - [اشکال این است که این ماده می‌گوید] خود شورا، روش قانونی پذیرش دانشجو را تعیین می‌کند.

آقای علیزاده - این ماده می‌گوید: «پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها به روش ظرفیت رشته - محل» صورت می‌گیرد؛ مثلاً می‌گویند ما در ایران این تعداد دانشجوی پزشکی نیاز داریم.

منشی جلسه - این چیزی که حاج آقا می‌گویند، فکر کنم منظور، گزینش دانشجو است. پذیرش که ...

آقای هاشمی‌شاهرودی - پذیرش هم هست. اگر شورای عالی انقلاب فرهنگی یک شرطی در پذیرش دانشجو گذاشته باشد، [آن وقت تکلیف چیست؟]

آقای ره‌بیک - نه، نمی‌دانیم.

آقای هاشمی‌شاهرودی - نمی‌دانیم. شاید شورای عالی انقلاب فرهنگی شرطی گذاشته باشد.

آقای علیزاده - رأی آورد. ^۱ فعلاً فقط دو تا ایراد به مصوبه گرفتیم.

آقای مدرسی‌یزدی - عبارت «در چهارچوب این قانون» را هم روشن کنید که منظور چیست.

منشی جلسه - ایراد ابهام فقط در خصوص امور ارجاعی از طرف شورای عالی امنیت ملی است؟

آقای مؤمن - نه، هر دو. [هم در خصوص امور ارجاعی از طرف شورای عالی امنیت ملی و هم امور ارجاعی از طرف شورای عالی انقلاب فرهنگی].

آقای هاشمی‌شاهرودی - بله، در خصوص هر دو است.

آقای علیزاده - پس دو ایراد ما تا به اینجا عبارت است از یک ایراد کلی نسبت به مصوبه و یک ابهام در خصوص بند (ث) ماده (۳).

بند (ج) ماده (۳) را می‌خوانم. «ج- بررسی، ارزشیابی و تأیید گزارش سازمان سنجش آموزش کشور در مورد کیفیت و رعایت مقررات قانونی آزمون سراسری حداکثر چهار ماه پس از اعلام نتایج نهایی و ارسال گزارش آن به شورای عالی انقلاب فرهنگی و کمیسیون آموزش، تحقیقات و فناوری مجلس». این موضوع را الحمدلله در این بند گفته‌اند [که این شورا گزارش بررسی‌هایش را به شورای عالی انقلاب فرهنگی ارسال کند].

آقای مدرسی‌یزدی - این بند اشکالی ندارد.

منشی جلسه - اگر این شورا، گزارش سازمان سنجش آموزش کشور را تأیید نکرد، چه کار باید کرد؟

آقای مؤمن - باید تأیید نکنند. اگر تأیید نکنند، خلاف قانون است.

آقای علیزاده - «تبصره - «شورا» می‌تواند برای انجام وظایف محوله کارگروه‌های تخصصی تشکیل دهد.»

آقای هاشمی‌شاهرودی - ما کل این ماده را ایراد گرفتیم، پس شامل این تبصره هم می‌شود.

آقای علیزاده - بله، شامل این تبصره هم می‌شود.

منشی جلسه - «ماده ۴- پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها به روش ظرفیت رشته - محل و تقاضای داوطلبان بر اساس «سابقه تحصیلی» یا «سابقه تحصیلی و آزمون (عمومی یا عمومی - اختصاصی)»

۱. بند (۲) نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۱۵۶۴ مورخ ۱۳۹۲/۵/۳۰ شورای نگهبان در خصوص طرح سنجش و پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور مصوب ۱۳۹۲/۵/۱۶ مجلس شورای اسلامی: «۲- در بند (ث) ماده (۳)، منظور از «بررسی و تصمیم‌گیری در امور ارجاعی» از طرف شوراهای مذکور در این بند ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.»

آقای اسماعیلی - پیشنهاد من این بود که [به‌جای اینکه به‌صورت جزئی و در هر بند و ماده‌ای این ایراد را تکرار کنیم،] به‌صورت کلی بگوییم یک ماده به این مصوبه اضافه کنند و در این ماده ذکر کنند که اجرای این قانون باید با رعایت مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی باشد.

آقای هاشمی‌شاهرودی - خوب است.

آقای علیزاده - پس همان ایراد اول را [کلی] بگوییم. بگوییم اطلاق این قانون باید...

آقای اسماعیلی - بگوییم یک ماده [با این مضمون] اضافه کنید که اجرای کل این قانون باید با رعایت مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی باشد.

منشی جلسه - [در متن ایراد،] به جای عبارت وظایف و اختیارات این شورا بگوییم، اجرای این قانون.

آقای ابراهیمیان - این ماده هم برای شورای عالی امنیت ملی و هم شورای عالی انقلاب فرهنگی یک شأن سیاست‌گذاری قائل شده است. این شأن سیاست‌گذاری بعد به صورت یک سری نُرْم‌ها و قواعد، خودش را جلوه می‌دهد. این نهادها [نهادهایی مثل شورای پذیرش و سنجش دانشجو] هم مصوبات و تصمیماتی دارند. اگر بنای ما این باشد که در تطبیق مقررات، بخواهیم غیر از قانون اساسی، مصوبات شورای عالی امنیت ملی و شورای عالی انقلاب فرهنگی را هم به صورت کامل بیاوریم و در بررسی هر قانونی، آنها را هم مطابقت بدهیم، یک مقدار کار خودمان را هم سخت و دشوار کرده‌ایم. وظایف شورای عالی امنیت ملی در قانون اساسی آمده است.^۱ در این مصوبه هم وظایف شورای سنجش و پذیرش دانشجو به رعایت قانون مقید شده است؛ لذا اگر شورای عالی امنیت ملی تصمیماتی بگیرد، این تصمیمات اصولاً در چارچوب هماهنگی و ایجاد امنیت، برای این شورا نیز لازم‌الاتباع است. اگر این‌طوری باشد هر مصوبه‌ای که به شورای نگهبان می‌آید، باید ...

آقای هاشمی‌شاهرودی - الآن بحث شورای عالی انقلاب فرهنگی است، نه شورای شورای عالی امنیت ملی. از بحث شورای عالی امنیت ملی گذشتیم.

آقای ابراهیمیان - نه، همان شورای عالی انقلاب فرهنگی هم همین‌طور است؛ [فرقی ندارد].

آقای هاشمی‌شاهرودی - اما شورای عالی انقلاب فرهنگی و

حدود وظایف و اختیارات آن که در قانون اساسی نیامده است.
آقای ابراهیمیان - نه، عرضم این است که اگر این‌طوری باشد...
آقای هاشمی‌شاهرودی - تشکیل شورای عالی انقلاب به دستور شخص امام بوده و رهبری [هم آن را تأیید کرده‌اند]. در قانون اساسی، [اصلی مختص به آن] نیست.

آقای مدرسی‌یزدی - چرا، [شورای عالی انقلاب فرهنگی، برآمده از] اصل (۵۷) قانون اساسی است.

آقای ابراهیمیان - بله، از اصل (۵۷) است، اما عرض من این است که اگر این‌طور باشد...

آقای هاشمی‌شاهرودی - بله، اما شورای عالی انقلاب فرهنگی که به صورت یک اصل مستقل، در قانون اساسی نیامده است.

آقای ابراهیمیان - عرضم این است که از این به بعد ما باید [برای بررسی مصوبات مجلس]، لیست مصوبات این نهادها را هم کنار دستان بگذاریم... بگوییم که آیا این مصوبه با فلان مصوبه و سیاست [شورای عالی انقلاب فرهنگی یا شورای عالی امنیت ملی، مغایرت دارد یا ندارد!]

آقای مدرسی‌یزدی - عیبی ندارد؛ مشکلی ندارد.

آقای هاشمی‌شاهرودی - ما باید در این موارد، در ایرادمان یک چیز کلی بگوییم، مثل همین که آقای اسماعیلی گفتند؛ یک ماده کلی اضافه کنند که کلیه مواد این مصوبه، بایستی با مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی مطابقت داشته باشد.

آقای مدرسی‌یزدی - نه، مخالفت نداشته باشد.

آقای هاشمی‌شاهرودی - بله، مخالفت نداشته باشد.

آقای اسماعیلی - اگر موافقت این جمله را این‌طور اصلاح کنیم که یک ماده به آخر این قانون اضافه کنند و بگویند که اجرای همه‌ی مواد این قانون باید با رعایت سیاست‌های کلی نظام و اسناد بالادستی از جمله مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی امنیت ملی صورت پذیرد.

آقای هاشمی‌شاهرودی - خوب است.

آقای علیزاده - ما که به این نحو این مطلب را به نمایندگان نمی‌گوییم. ما باید ایراد را این‌طور بگوییم که انجام وظایف و اختیارات مقرر در این قانون، باید با رعایت اسناد بالادستی و مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی باشد.

آقای اسماعیلی - نه، سیاست‌های کلی نظام هم هست که باید رعایت شود.

آقای علیزاده - بله، می‌گوییم با رعایت سیاست‌های کلی نظام و مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی.

۱. اصل یکصد و هفتاد و ششم (۱۷۶) قانون اساسی

تبصره ۵- در سال اول اجرای این قانون، تأثیر سابقه تحصیلی در پذیرش داوطلبانی که دارای سابقه تحصیلی می‌باشند حداقل بیست و پنج درصد (۲۵٪) می‌باشد.

ماده ۵- دانشگاه‌ها می‌توانند حد نصاب نمره لازم جهت پذیرش در رشته- محل‌های خود را به «شورا» پیشنهاد دهند و در صورت تصویب نسبت به پذیرش دانشجو اقدام شود. وظیفه هماهنگی در امر پذیرش بر عهده سازمان سنجش آموزش کشور است.

ماده ۶- سهمیه‌های مصوب مجلس شورای اسلامی و شورای عالی انقلاب فرهنگی در خصوص پذیرش دانشجو کماکان به قوت خود باقی است.

ماده ۷- داوطلبانی که بر اساس این قانون در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی پذیرفته می‌شوند بر اساس مقررات پیشنهادی ستاد کل نیروهای مسلح که به تصویب فرماندهی کل قوا می‌رسد از معافیت تحصیلی خدمت نظام وظیفه برخوردار می‌شوند.

ماده ۸- حذف شد.

ماده ۹- آیین‌نامه اجرایی این قانون توسط «شورا» تهیه می‌شود و حداکثر ظرف سه ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

ماده ۱۰- این قانون از سال تحصیلی (۱۳۹۴-۱۳۹۳) در صورت اجرایی شدن تبصره (۵) ماده (۴) لازم‌الاجراء می‌باشد.

ماده ۱۱- از زمان لازم‌الاجراء شدن این قانون، قانون پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور مصوب ۱۳۸۶/۸/۹ به جز احکام مرتبط مذکور در ماده (۲۰) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه کشور در مدت اجرای برنامه لغو می‌گردد.»

آقای علیزاده - این [مصوبه] هم تمام شد.

آقای مدرس‌یزدی - نه، قسمت انتهایی مصوبه را بخوانید، اشتباه دارد.

منشی جلسه - «طرح فوق مشتمل بر ده ماده و هشت تبصره در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ شانزدهم مردادماه یکهزار و سیصد و نود و دو مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید.»

آقای مؤمن - یک ماده [از قانون] حذف شده است.

منشی جلسه - ماده (۸) [مصوبه] را حذف کرده‌اند.

آقای مدرس‌یزدی - الان که این مصوبه، ماده (۸) را دارد! این ماده که حذف کرده‌اند، الان در مصوبه هست.

آقای علیزاده - نه، ماده (۸) را حذف نکردند؛ ماده (۸) این طرح، اصلاً در مجلس رأی نیاورد، نه اینکه ماده (۸) قانون [مصوب] را حذف کرده باشند]. اگر [ماده مصوبی] حذف می‌شد، [اشکال آیت‌الله مدرس‌یزدی] درست است؛ چون این یک ماده بود، اما

آقای ابراهیمیان - هر قانونی باید این طوری باشد.

آقای علیزاده - در مورد رعایت مصوبات شورای عالی امنیت ملی ایراد جداگانه داریم. این موضوع، تمام شد.

آقای اسماعیلی - یکی از مواردی که الان معمولاً در مجامع جهانی به جمهوری اسلامی ایراد می‌گیرند این است که گزینش دانشجو و سهمیه‌بندی‌ها امنیتی است. ما الان داریم در این مصوبه به این امر تصریح می‌کنیم.

آقای علیزاده - ما نمی‌گوییم. ما در آن ایراد کلی‌مان بحث امنیتی را نمی‌آوریم. ما فقط همین یک مورد را می‌گوییم این طوری است.

آقای اسماعیلی - همین دیگر. [ما فقط] بگوییم باید سیاست‌های کلی نظام و اسناد بالادستی از جمله مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی رعایت شود.

آقای علیزاده - من هم همین را می‌گویم. اگر قرار شد در کمیسیون مجلس این مصوبه اصلاح بشود، می‌گوییم [برای رفع ایراد]، کل این را همان طوری [به صورت کلی] بیاورند. مجلس الان خودش در مصوبه‌اش [نام شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی امنیت ملی] آورده است.

آقای هاشمی‌شاهرودی - خودشان آورده‌اند.

منشی جلسه - [تبصره‌های ماده (۴)]: «تبصره ۱- وزارت آموزش و پرورش مسئولیت ارائه سابقه تحصیلی برای دانش‌آموزان و متقاضیان ورود به دانشگاه را بر عهده دارد. وزارت آموزش و پرورش موظف است در اجرای این تبصره، تغییرات لازم را در تشکیلات اداری خود به تصویب مراجع ذی‌ربط برساند.

تبصره ۲- سازمان سنجش آموزش کشور مسئولیت سنجش داوطلبان را بر عهده دارد.»

آقای مؤمن - [در تبصره (۱)، وزارت آموزش و پرورش باید] تغییرات در تشکیلات اداری را در صورتی که احتیاج است، ایجاد بکند؛ چون شاید در قسمت‌هایی تغییر لازم نباشد.

آقای علیزاده - در اجرای این تبصره، گفته است.

منشی جلسه - «تبصره ۳- تعیین روش پذیرش دانشجو در دانشگاه بر اساس ظرفیت رشته- محل‌ها و تقاضای داوطلبان به صورت سالانه تعیین و از طریق سازمان سنجش آموزش کشور قبل از ثبت‌نام اعلام می‌گردد.

تبصره ۴- در پذیرش دانشجو تأثیر سابقه تحصیلی سالانه به صورت تدریجی و صعودی است و پس از پنج سال حداقل هشتاد و پنج درصد (۸۵٪) ظرفیت پذیرش دانشجو در کل کشور بر مبنای سابقه تحصیلی خواهد بود.

این [اصلاً به تصویب نرسیده است].

آقای مدرسی‌یزدی - پس در این صورت، اصلاً این نوشتن نمی‌خواست [و نباید اصلاً ماده (۸) را به این صورت در مصوبه می‌آوردند].

آقای علیزاده - خب بله، اینها [مجلس] خودشان نوشته‌اند. باید مصوبه را از (۱۱) ماده به (۱۰) ماده تغییر دهند.^۱

۱. نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۱۵۶۴ مورخ ۱۳۹۲/۵/۳۰ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۲۳۴/۳۱۱۳۰ مورخ ۱۳۹۲/۵/۲۲، طرح سنجش و پذیرش دانشجوی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور، مصوب جلسه مورخ شانزدهم مردادماه یکهزار و سیصد و نود و دو مجلس شورای اسلامی، در جلسه مورخ ۱۳۹۲/۵/۳۰ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نظر این شورا به شرح زیر اعلام می‌گردد:

۱- انجام کلیه وظایف و اختیارات مقرر در این قانون باید با رعایت سیاست‌های کلی نظام و مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی باشد و آلا مغایر اصل (۵۷) قانون اساسی شناخته شد.

۲- در بند (ث) ماده (۳)، منظور از «بررسی و تصمیم‌گیری در امور ارجاعی» از طرف شوراهای مذکور در این بند ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.»

اساسنامه شرکت بهینه‌سازی مصرف سوخت

آقای علیزاده - این اساسنامه، اساسنامه‌ی شرکت بهینه‌سازی مصرف سوخت است^۱ که به استناد ماده (۹) قانون اصلاح الگوی مصرف انرژی، هیئت وزیران آن را تصویب کرده است. «ماده (۹) - وزارت نفت مکلف است به منظور مدیریت تقاضا و اجرای سیاست‌های مرتبط با بهینه‌سازی مصرف سوخت در بخش‌های مختلف مصرف، کمک به توسعه کاربرد انواع فناوری‌های نوین تبدیل انرژی در بخش‌های مختلف مصرف، کاهش هزینه‌های درازمدت ناشی از تقاضای انرژی، تدوین معیارها، ضوابط و دستورالعمل‌های مرتبط با بهینه‌سازی مصرف انرژی، جایگزینی اقتصادی حامل‌های انرژی همراه با توسعه به‌کارگیری ظرفیت‌های محلی انرژی و انرژی‌های تجدیدپذیر، پیشنهاد اصلاح اساسنامه و وظایف شرکت بهینه‌سازی مصرف سوخت را تهیه و برای تصویب به هیئت وزیران ارائه دهد.»

مصوبه‌ای که هیئت وزیران برای شورای نگهبان فرستاده است، این است؛ گفته‌اند: «بسم الله الرحمن و الرحیم؛ ماده ۱- ... ؛ ماده ۲- ... ؛ ماده ۳- ...» این طوری که اینها تصویب کرده‌اند، این شبهه ایجاد شده که هیئت دولت، یک اساسنامه‌ی جدیدی نوشته است. الان آقایان [کارشناسان اداره قوانین شورای نگهبان] یک جدول مقایسه‌ای آورده‌اند که در آن، موادی را که تغییر کرده، مشخص کرده‌اند.

آقای مؤمن - این اساسنامه چیست؟

آقای ره‌پیک - مصوب کدام نهاد است؟ مربوط به کجاست؟ اصل اساسنامه، مصوب کجا است؟

آقای علیزاده - اصل اساسنامه، مصوب ۱۳۷۷/۵/۲۰ است با اصلاحات بعدی که در سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۸ صورت گرفته است. حالا [در آن جدول تطبیقی] آمده‌اند آنچه‌هایی را که تغییر کرده، با رنگ سبز مشخص کرده‌اند. اینها [=طراحان اصلاح اساسنامه] این متن اصلاحی را در متن اصلی اساسنامه آورده‌اند و برای تصویب به هیئت دولت برده‌اند.

۱. اساسنامه شرکت بهینه‌سازی مصرف سوخت در تاریخ ۱۳۹۲/۳/۲۹ به تصویب هیئت وزیران رسید. این مصوبه، مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۸۵) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۴۷۳۱۳/۸۲۳۳۹ مورخ ۱۳۹۲/۴/۹ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۲/۵/۳۰، نظر خود مبنی بر عدم مغایرت این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره ۹۲/۳۰/۵۱۵۶۵ مورخ ۱۳۹۲/۵/۳۰ به هیئت وزیران اعلام کرد.

آقای هاشمی‌شاهرودی - خب اگر این طور باشد، چه اشکالی دارد؟

آقای ره‌پیک - اساسنامه‌ی اولیه، مصوب مجلس است؟
آقای علیزاده - نه، مجلس، اختیار تصویب اساسنامه را به هیئت وزیران داده است. [مجلس اختیار داده که] وزارت نفت با سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور اساسنامه را پیشنهاد بدهند و برای تصویب، به هیئت دولت ببرند.

آقای ره‌پیک - اساسنامه‌ی اولیه، مصوب مجلس نیست؟
آقای علیزاده - نه، اساسنامه‌ی اولیه هم مصوب هیئت وزیران است. مجلس به دولت اجازه‌ی تصویب آن را داده است. حتی اگر اساسنامه‌ی اولیه مصوب مجلس هم باشد، مجلس اجازه‌ی تغییر آن را به دولت داده است. حالا اگر آقایان اعضای شورای نگهبان به مواد این مصوبه، ایرادی دارند بفرمایند.

آقای ره‌پیک - اگر تغییراتش زیاد نیست، مواد آن را بخوانید.
آقای مؤمن - چون ما در شورای نگهبان، به [اساسنامه‌ی] شرکت ملی نفت ایراد گرفتیم، بنابراین آن را به عنوان شرکت تابعه‌ی وزارت نفت اصلاح کرده‌اند. حالا بالاخره مجلس هم به آن صحنه گذاشته است. مجلس گفته که اساسنامه‌ی شرکت بهینه‌سازی مصرف سوخت را هیئت وزیران اصلاح کند.

آقای هاشمی‌شاهرودی - هیئت وزیران هم اصلاح کرده است.
آقای مؤمن - این اساسنامه، در قم [جلسه‌ی مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان] هم بحث شد.

آقای علیزاده - اعضای مجمع مشورتی فقهی هم همین ایرادی که فرمودید را به اساسنامه دارند.^۲ پس متن مصوبه را از اول بخوانید.

۲. «آنچه از ماده (۹) قانون اصلاح الگوی مصرف - مصوب ۱۳۸۹/۱۲/۴ - استفاده می‌شود آن است که وزارت نفت مکلف است ... پیشنهاد اصلاح اساسنامه و وظایف شرکت بهینه‌سازی مصرف سوخت را تهیه و برای تصویب به هیئت وزیران ارائه دهد و این مطلب فقط اجازه پیشنهاد اصلاح اساسنامه است، نه اجازه تهیه و پیشنهاد تصویب اصل اساسنامه و آنچه در ماده (۱) اساسنامه ارسالی آمده است که شرکت بهینه سوخت طبق ماده (۵) قانون اساسنامه شرکت ملی نفت ایران تشکیل شده است، مشکل را برطرف نمی‌کند؛ زیرا ماده (۵) فقط اختیار اصل تشکیل شرکت ملی نفت ایران و شرکت‌های فرعی از جمله شرکت بهینه‌سازی سوخت را صادر می‌نماید، نه اجازه تصویب اساسنامه شرکت بهینه‌سازی سوخت را و بر این اساس هیئت وزیران مجوزی برای تصویب اساسنامه شرکت بهینه‌سازی سوخت را ندارد. و اگر شرکت بهینه‌سازی سوخت اساسنامه دارد لازم است آن اساسنامه ارسال شود تا با توجه به آن، اصلاح آن دیده شود و اکنون اساسنامه اصلاحی بیشتر مطابق با یک اساسنامه کامل است نه اصلاح اساسنامه.» نظر کارشناسی مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان، شماره ۹۲/۳۰/۵۱۵۶۵ مورخ ۱۳۹۲/۵/۲۹، قابل مشاهده در نشانی: <http://yon.ir/XTst>

اصل (۴۴) قانون اساسی^۲ - مصوب ۱۳۸۷ - شرکت‌های فرعی و وابسته، شعب یا دفاتر و نمایندگی‌هایی در داخل و خارج کشور تأسیس نماید.»

هیئت وزیران تنها چیزی که در ماده (۲) این اساسنامه تغییر داده

۲. ماده (۱۳) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی مصوب ۱۳۸۷: «ماده ۱۳- به منظور ساماندهی و استفاده مطلوب از شرکت‌های دولتی و افزایش بازدهی و بهره‌وری و اداره مطلوب شرکت‌هایی که با رعایت ماده (۳) این قانون در بخش دولتی باقی می‌مانند دولت مکلف است:

الف- کلیه امور مربوط به سیاست‌گذاری و اعمال وظایف حاکمیتی را که به پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی و تصویب دولت تعیین می‌شود طی دو سال از تاریخ تصویب این قانون از شرکت‌های دولتی منفک و به وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی تخصصی ذی‌ربط محول کند.

تبصره- تبدیل وضعیت کارکنان شرکت‌های موضوع این بند با رعایت حقوق مکسبه در قالب آیین‌نامه‌ای خواهد بود که به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

ب- شرکت‌هایی که دولتی باقی می‌مانند و یا براساس این قانون دولتی تشکیل می‌شوند، به استثنای بانک‌ها و بیمه‌ها، صرفاً در دو قالب فعالیت خواهند کرد:

۱) شرکت مادر تخصصی یا اصلی که سهامدار آن مستقیماً دولت و یا رئیس مجمع عمومی آن رئیس جمهور است.

۲) شرکت‌های عملیاتی یا فرعی که سهامداران آنها شرکت‌های مادر تخصصی یا اصلی هستند. تأسیس شرکت جدید یا تملک شرکت‌های دیگر توسط این شرکت‌ها به شرطی مجاز است که اولاً در محدوده‌ای که قانون برای آنها تعیین کرده باشد و ثانیاً صد درصد (۱۰۰٪) سهام شرکت‌های تأسیس یا تملک شده دولتی بوده یا به تملک دولت درآید.

تبصره ۱- مشارکت و سرمایه‌گذاری هر شرکت دولتی در سایر شرکت‌های دولتی فقط در صورتی مجاز است که موضوع فعالیت شرکت سرمایه‌پذیر با فعالیت شرکت سرمایه‌گذار مرتبط باشد و دولت جواز آن را صادر کند. این حکم شامل بانک‌ها، مؤسسات اعتباری، بیمه‌ها و شرکت‌های سرمایه‌گذاری آنها نمی‌شود.

تبصره ۲- میزان و چگونگی مالکیت سهام سایر بنگاه‌های اقتصادی توسط بانک‌های تجاری و تخصصی دولتی به پیشنهاد شورای پول و اعتبار به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید، ولی در هر صورت سرمایه‌گذاری بانک‌ها در بنگاه‌های دیگر نباید به گونه‌ای باشد که در اختصاص منابع بانکی به متقاضیان تسهیلات، خللی ایجاد نماید.

تبصره ۳- افتتاح و تداوم فعالیت دفاتر و شعب خارج از کشور شرکت‌های دولتی تنها با پیشنهاد مشترک وزارت امور اقتصادی و دارایی و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و تصویب هیئت وزیران مجاز است. بانک‌ها و بیمه‌های دولتی از شمول این حکم مستثنی هستند.

تبصره ۴- دولت مکلف است ترتیباتی اتخاذ نماید که تغییر و تصویب اساسنامه بنگاه‌های دولتی و وابسته به دولت که بر اساس مفاد این قانون در جریان واگذاری قرار می‌گیرند به تصویب مراجع ذی‌صلاح برسد.

تبصره ۵- دولت موظف است آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های مغایر با موضوع این ماده و تبصره‌های آن را ملغی‌الاثراً اعلام نماید.»

منشی جلسه - «هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۹۲/۳/۲۹ بنا به پیشنهاد وزارت نفت و به استناد ماده (۹) قانون اصلاح الگوی مصرف انرژی - مصوب ۱۳۸۹ - اساسنامه شرکت بهینه‌سازی مصرف سوخت را به شرح زیر اصلاح و تصویب نمود:

اساسنامه شرکت بهینه‌سازی مصرف سوخت

فصل اول - کلیات و سرمایه»

آقای هاشمی‌شاهرودی - فقط موارد اصلاحی را بخوانیم. چه نیازی است که سایر مواد را هم بخوانیم.

آقای مؤمن - ماده‌ی اول اساسنامه تغییر کرده است.

منشی جلسه - «ماده ۱- شرکت بهینه‌سازی مصرف سوخت (سهامی خاص) که طبق ماده (۵) قانون اساسنامه شرکت ملی نفت ایران تشکیل شده است، به موجب ماده (۹) قانون اصلاح الگوی مصرف انرژی - مصوب ۱۳۸۹- به عنوان شرکت تابعه وزارت نفت، بر اساس این اساسنامه و سایر قوانین و مقررات مربوط اداره می‌گردد و از این پس در اساسنامه به طور اختصار «شرکت» نامید می‌شود.»

آقای مؤمن - این شرکت مگر بر اساس مصوبه ۱۳۷۷/۵/۲۰ تشکیل نشده است؟

آقای علیزاده - بله، بر اساس آن تشکیل شده است. الآن هیئت وزیران این موارد را در این اساسنامه اصلاح و اضافه کرده است. این قسمت از ماده (۱) که می‌گوید «به موجب ماده (۹) قانون اصلاح الگوی مصرف انرژی مصوب ۱۳۸۹» و بعدش این عبارت «بر اساس این اساسنامه و سایر قوانین و مقررات مربوط اداره می‌گردد» را الآن [به ماده (۱)] اضافه کرده‌اند. یعنی هم‌همی ماده را تغییر نداده‌اند. پس این قسمت اشکالی ندارد؛ چون قانون است و اصلاح اساسنامه را به قانون متکی کرده‌اند. اتفاقاً بهتر هم شده است.^۱

«ماده ۲- مرکز اصلی شرکت در تهران است و می‌تواند با تأیید مجمع عمومی برای انجام عملیات و وظایف خود با رعایت قوانین و مقررات مربوط از جمله ماده (۱۳) قانون اجرای سیاست‌های کلی

۱. ماده (۱) اساسنامه‌ی سابق شرکت بهینه‌سازی مصرف سوخت مصوب ۱۳۷۷/۵/۲۰ با اصلاحات بعدی، به شرح زیر بوده است: «ماده ۱- نام شرکت

نام شرکت، «شرکت بهینه‌سازی مصرف سوخت» (سهامی خاص) است که طبق بند (الف) ماده (۵) قانون اساسنامه شرکت ملی نفت ایران و به عنوان شرکت فرعی شرکت ملی نفت ایران تشکیل می‌شود و از این پس در اساسنامه به طور اختصار «شرکت» نامید می‌شود.»

«ماده ۳- مدت شرکت نامحدود است» که این ماده را هیچ تغییری نداده‌اند.

«ماده ۴- سرمایه شرکت دو میلیارد (۲,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال منقسم به دویست هزار (۲۰۰,۰۰۰) سهم ده هزار (۱۰,۰۰۰) ریالی با نام است و تماماً پرداخت گردیده است. سهام شرکت کلاً متعلق به دولت جمهوری اسلامی ایران و غیرقابل انتقال است.» قبلاً در اساسنامه‌ی سابق، این‌طور بوده است: «ماده ۴- سرمایه شرکت دو میلیارد (۲,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال منقسم به دویست هزار (۲۰۰,۰۰۰) سهم ده هزار (۱۰,۰۰۰) ریالی با نام است و تماماً پرداخت گردیده است. سهام شرکت کلاً متعلق به شرکت ملی نفت ایران و غیرقابل انتقال است.»

آقای مؤمن - حالا گفته است «سهام شرکت کلاً متعلق به دولت جمهوری اسلامی ایران ... است».

آقای علیزاده - عوض کرده‌اند. در آن اساسنامه‌ی قبلی سهام، متعلق به شرکت ملی نفت ایران بود؛ چون ما «شرکت ملی نفت» را ایراد گرفتیم،^۱ لذا هر جا در این اساسنامه، عبارت «شرکت ملی نفت» بود به دولت جمهوری اسلامی ایران تغییر داده‌اند.

آقای هاشمی‌شاهروندی - این‌طور درست‌تر است؛ بهتر است.

آقای علیزاده - بله، این موضوع را درست کرده‌اند و آن را تغییر داده‌اند. البته قسمت اول ماده را تغییر نداده‌اند، فقط قسمت آخر آن را اصلاح کرده‌اند.

ماده (۵) قبلاً این‌طور بود: «ماده ۵- موضوع شرکت عبارت است از اجرا و نظارت بر سیاست‌های وزارت نفت در زمینه بهینه‌سازی مصرف انرژی و کلیه فعالیت‌های مربوط به آن و تصدی و انجام هرگونه فعالیت علمی، فنی، بازرگانی و خدماتی دیگر که برای توسعه عملیات شرکت لازم شناخته شود.»

آقای اسماعیلی - متن جدید را بخوانید.

منشی جلسه - «ماده ۵- موضوع شرکت عبارت است از اعمال مدیریت تقاضا و اجرای سیاست‌های مرتبط با بهینه‌سازی مصرف سوخت در بخش‌های مختلف مصرف، کمک به توسعه کاربرد

است، این است که می‌گوید: «مرکز اصلی شرکت در تهران است» البته این قسمت ماده، قبلاً بوده است. عبارت «با رعایت قوانین و مقررات مربوط» را اضافه کرده‌اند.

آقای مؤمن - اینها [در این جدول تطبیقی] چیز دیگری گفته‌اند.

آقای هاشمی‌شاهروندی - اینجا [در جدول تطبیقی] گفته‌اند عبارت «با تأیید مجمع عمومی برای انجام عملیات و وظایف خود با رعایت» اضافه شده است.

آقای علیزاده - نه، این عبارت را اضافه کرده‌اند: «با رعایت قوانین و مقررات مربوط».

آقای هاشمی‌شاهروندی - این عبارت که بوده است؛ ادامه‌اش اضافه شده است: «و می‌تواند با تأیید مجمع عمومی برای انجام عملیات». این عبارت را اضافه کرده‌اند.

آقای علیزاده - نه، این‌طور نبوده است. اساسنامه‌ی اولیه این بود: «مرکز اصلی شرکت در تهران و یا هر محلی است که هیئت مدیره شرکت تعیین می‌نماید.» الآن این را تغییر داده‌اند و گفته‌اند: «مرکز اصلی شرکت در تهران است.» تا کلمه‌ی «تهران»، از قبل بوده است. عبارت «و می‌تواند ... با رعایت قوانین و مقررات مربوط ...» را اضافه کرده‌اند.

آقای مؤمن - چون متن را عوض کرده‌اند، یک چیز دیگری شده است.

آقای علیزاده - عبارت «با تأیید مجمع عمومی»، قبلاً «با تصویب مجمع عمومی» بود.

آقای هاشمی‌شاهروندی - اینجا [= در این اساسنامه‌ی اصلاحی] «با تأیید مجمع عمومی» شده است. قبلاً «با تصویب مجمع عمومی» بوده، الآن «با تأیید مجمع عمومی» شده است.

آقای علیزاده - قبلاً «با تصویب مجمع عمومی» بود، الآن به عبارت «با تأیید مجمع عمومی» تبدیل کرده‌اند. یک کمی عبارت را تغییر داده‌اند؛ ماده (۲) قبلاً این‌طور بوده است: «مرکز اصلی شرکت در تهران و یا هر محلی است که هیئت مدیره شرکت تعیین می‌نماید. شرکت با تصویب مجمع عمومی خود می‌تواند برای انجام عملیات و وظایف مقرر در ماده (۵) این اساسنامه، شرکت‌های فرعی و وابسته، شعب یا دفاتر و نمایندگی‌هایی در داخل و خارج کشور تأسیس نماید.»

آقای هاشمی‌شاهروندی - پس حذف کرده‌اند؛ اینکه مرکز اصلی شرکت، غیر از تهران هم می‌تواند باشد را حذف کرده‌اند.

آقای علیزاده - بله، «و یا هر محلی است که هیئت مدیره شرکت تعیین می‌نماید» را حذف کرده‌اند؛ گفته‌اند مرکز اصلی شرکت، تهران باید باشد.

۱. از جمله مصوباتی که در آن عبارت «شرکت ملی نفت» به دلیل ابهام در اساسنامه‌ی این شرکت، با ایراد شورای نگهبان مواجه شده است می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: «قانون اصلاح قانون نفت مصوب ۱۳۹۰»، «لایحه برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹»، «قانون بودجه سال ۱۳۹۰ کل کشور» و «قانون بودجه سال ۱۳۹۱» و «قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجراء سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی مصوب ۱۳۸۷».

امکانات و اختیارات مقرر.

۸- مدیریت، نظارت و بازرسی و اقدام لازم در زمینه ممیزی انرژی، بهینه‌سازی مصرف انرژی و اجرای راهکارهای بهینه‌سازی مصرف انرژی توسط مصرف‌کنندگان انرژی، طبق مقررات و آیین‌نامه‌های مربوط.

۹- تهیه و تدوین آیین‌نامه‌ها، دستورالعمل‌ها و راهکارهای مناسب و اقدامات اجرایی، نظارتی و حمایتی در حوزه تولید و توسعه همزمان برق، انرژی و برودت، احداث و به‌کارگیری واحدهای بازیافت انرژی و طرح‌های مرتبط با افزایش بازده انرژی توسط تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان و ارائه آیین‌نامه‌ها، دستورالعمل‌ها و راهکارهای مزبور به مراجع ذی‌ربط برای تصویب.

۱۰- فعالیت لازم در زمینه حمایت از ترویج کاربرد اقتصادی منابع تجدیدشونده انرژی.

۱۱- طراحی و ساخت طرح‌های الگو و آزمایشی به منظور کسب و ارتقای دانش و تجربیات در حوزه اهداف و مسئولیت‌های شرکت.

۱۲- اقدام در زمینه آموزش و آگاه‌سازی عمومی و ارتقای فرهنگ جامعه در بخش بهینه‌سازی و اصلاح الگوی مصرف انرژی.

۱۳- نمایندگی، عضویت و حضور در مجامع بین‌المللی مربوط برای حفظ منافع ملی و ارتقای دانش فنی طبق سیاست‌های کلی نظام و قوانین و مقررات مربوط.

۱۴- انعقاد انواع عقود و معاملات، از جمله قراردادهای خدمت و پیمانکاری و مهندسی مشاور و مشاوره و استخدامی با اشخاص واجد صلاحیت با رعایت قوانین و مقررات مربوط.

آقای علیزاده - در این بند، عبارت «انعقاد انواع عقود و معاملات» را اضافه کرده‌اند. بقیه‌ی بندها همگی تغییرات دارد؛ اما در این بند همین عبارت را اضافه کرده‌اند.

۱۵- خرید، فروش، اجاره، استیجاره، رهن، تحصیل و تملک اموال منقول و غیرمنقول و همچنین ایجاد، تکمیل، توسعه، نظارت و اداره اموال، تأسیسات، کارگاه‌ها، دستگاه‌ها، تعمیرگاه‌ها و دیگر تأسیسات و ابزار و ادوات و وسایل لازم برای انجام مقاصد و عملیات موضوع شرکت با رعایت قوانین و مقررات مربوط. بند (۱۵) اصلاً تغییر نکرده است.

۱۶- گرفتن اعتبار یا وام و پرداخت تسهیلات به اشخاص حقیقی و حقوقی به منظور تأمین احتیاجات و اجرای مقاصد شرکت با تصویب مجمع عمومی با رعایت قوانین و مقررات مربوط. این بند هم هیچ تغییری نکرده است.

۱۷- تحصیل و تملک و واگذاری حق استفاده و ثبت پروانه‌های اختراع و هر گونه اطلاعات درباره علائم تجاری، اختراعات،

انواع فناوری‌های نوین تبدیل انرژی در بخش‌های مختلف مصرف، کاهش هزینه‌های درازمدت ناشی از تقاضای انرژی، تدوین معیارها، ضوابط و دستورالعمل‌های مرتبط با بهینه‌سازی مصرف انرژی، جایگزینی اقتصادی حامل‌های انرژی همراه با توسعه به‌کارگیری ظرفیت‌های محلی انرژی و انرژی تجدیدپذیر به نیابت از وزارت نفت و اجرای کلیه فعالیت‌های مربوط به امور مزبور و تصدی و انجام هرگونه فعالیت علمی، پژوهشی، فنی، بازرگانی و سایر خدماتی که برای توسعه عملیات شرکت لازم شناخته شود.»
آقای علیزاده - ماده (۵) سابق، همان بود که من خدمت شما خواندم.

منشی جلسه - «ماده ۶- وظایف و اختیارات شرکت شامل وظایف و اختیارات موضوع قانون اصلاح الگوی مصرف انرژی و سایر قوانین و مقررات مربوط، از جمله موارد زیر می‌باشد که به تبعیت از وزارت نفت، حسب مورد رأساً یا با همکاری سایر دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط انجام می‌دهد:

۱- تهیه بسته‌های سیاستی و خط مشی‌های اساسی مرتبط با عرضه و مصرف انرژی و حامل‌های آن در بخش‌های مختلف اعم از صنعت، حمل و نقل، کشاورزی و مسکن و ارائه به مراجع ذی‌ربط برای تصویب.

۲- تهیه راهکارهای اجرایی مناسب به منظور حمایت و تشویق برای ارتقای نظام تحقیق و توسعه فناوری‌های جدید در زمینه بهینه‌سازی انرژی و ارائه به مراجع ذی‌ربط برای تصویب.

۳- تهیه آیین‌نامه‌های صرفه‌جویی و الگوهای لازم برای مصرف انرژی و حامل‌های آن در بخش‌های مختلف اعم از صنعت، حمل و نقل، کشاورزی و مسکن و ارائه مراجع ذی‌ربط برای تصویب.

۴- شناسایی و تدوین راهکارهای توسعه فناوری‌های مورد نیاز در حوزه صنعت نفت برای عرضه و مصرف انرژی در حیطه تخصصی نفت و فراهم ساختن امکان طراحی و بهبود آنها برای به‌کارگیری توسط سازندگان و تولیدکنندگان داخلی.

۵- تهیه معیارها و مشخصات فنی و استانداردهای اجباری انرژی و ارائه به مراجع ذی‌ربط برای تصویب و همکاری لازم برای اجرای آنها.

۶- اقدامات لازم به منظور ترغیب مصرف‌کنندگان انرژی به استفاده از تجهیزات، وسایل، مجموعه‌ها و فرایندهای با مصرف انرژی کمتر.

۷- تهیه مقررات و آیین‌نامه‌های لازم برای شرکت‌های خدمات انرژی و حمایت از فعالیت و توسعه آنها با مشارکت سایر دستگاه‌های اجرایی مربوط و ارائه به مراجع ذی‌ربط برای تصویب و اقدامات اجرایی و نظارتی مقتضی در این زمینه، در حدود

آقای علیزاده - ارکان شرکت [= فصل سوم اساسنامه] هم هیچ تغییری نکرده است.

منشی جلسه - «فصل سوم - ارکان شرکت

ماده ۷ - شرکت دارای ارکان زیر می‌باشد:

الف - مجمع عمومی؛

ب - هیئت مدیره و مدیرعامل؛

پ - حسابرس (بازرس قانونی).»

آقای علیزاده - فقط تنها تغییری که کرده، قبلاً «بازرس (حسابرس)» بوده است؛ یعنی بند (پ) آن تغییر کرده است؛ الآن آن را «حسابرس (بازرس قانونی)» کرده‌اند.^۲

منشی جلسه - «ماده ۸ - نمایندگان صاحب سهام شرکت در مجمع عمومی عبارتند از:

الف - وزیر نفت (رئیس مجمع عمومی)؛

ب - وزیر امور اقتصادی و دارایی؛

پ - معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور.^۳

ماده ۹ - جلسات مجمع عمومی در تهران تشکیل می‌شود و ریاست جلسات در غیاب وزیر نفت، با یکی دیگر از اعضای مجمع عمومی شرکت می‌باشد که توسط ایشان تعیین و معرفی خواهد شد.»

آقای علیزاده - در اساسنامه‌ی سابق [در بند (ب) ماده (۸)] گفته بود: «ریاست جلسات مجمع عمومی بر عهده رئیس هیئت مدیره شرکت ملی نفت یا یکی دیگر از اعضای هیئت مدیره شرکت

طرح‌ها و روش‌های مورد نیاز برای انجام عملیات و وظایف موضوع شرکت.» این بند را هم هیچ تغییری نداده‌اند.

«۱۸ - مشارکت و همکاری با سایر دستگاه‌های اجرایی و مؤسسات و شرکت‌های ایرانی و یا خارجی واجد صلاحیت فنی و مالی با رعایت قوانین و مقررات مربوط.» در این بند، عبارت «و همکاری با سایر دستگاه‌های اجرایی» را اضافه کرده‌اند. بقیه‌ی عبارت این بند تغییری نکرده است.

بند بعدی: «خریداری و تملک سهام شرکت‌های دیگر با حق فروش و انتقال سهام مزبور» که این هم هیچ تغییری نکرده است.

آقای هاشمی‌شاهرودی - اشتباه خواندید. آن بند حذف شده است. بند بعدی، بند (۱۹) است: «۱۹ - برنامه‌ریزی جهت جذب نیرو برای تأمین...»

آقای علیزاده - «۱۹ - برنامه‌ریزی جهت جذب نیرو برای تأمین احتیاجات شرکت و تنظیم و اجرای برنامه‌های آموزشی و کارآموزی کارکنان به منظور ارتقای سطح اطلاعات علمی، تخصصی، فنی و اجرای آنها با رعایت قوانین و مقررات مربوط.» این بند هم هیچ تغییری نکرده است.

«۲۰ - سایر وظایف و اختیاراتی که به موجب سایر قوانین و مقررات مربوط و یا توسط وزارت نفت به شرکت محول می‌شود.» این بند را هم اضافه کرده‌اند.^۱

۱. ماده (۶) اساسنامه‌ی سابق شرکت بهینه‌سازی مصرف سوخت مصوب ۱۳۷۷/۵/۲۰ با اصلاحات بعدی، در خصوص بیان «حقوق و اختیارات شرکت بهینه‌سازی مصرف سوخت» به شرح زیر بوده است: «ماده ۶ - حقوق و اختیارات:

به‌منظور تحقق مقاصد و انجام عملیات و فعالیت‌های مذکور در ماده (۵)، شرکت با رعایت مقررات مربوطه دارای حقوق و اختیارات لازم از جمله در موارد مشروحه زیر می‌باشد:

الف - انعقاد قراردادهای خدمت و پیمانکاری و مهندسی مشاور و مشاوره و استخدامی با اشخاص واجد صلاحیت علمی، فنی و مالی و توان اجرایی در مواردی که انجام عملیات و خدمات مذکور در ماده (۵) فوق ایجاب نماید.

ب - خرید، فروش، اجاره، استجاره، رهن و تحصیل و تملک اموال منقول و غیرمنقول و همچنین تأسیس، تکمیل، توسعه، نظارت و اداره اموال، تأسیسات، کارگاه‌ها، دستگاه‌ها، تعمیرگاه‌ها و دیگر تأسیسات و ابزار و ادوات و وسایل لازم برای انجام مقاصد و عملیات موضوع شرکت.

ج - گرفتن اعتبار یا وام و پرداخت وام به اشخاص حقیقی و حقوقی به منظور تأمین احتیاجات و اجرای مقاصد شرکت با تصویب مجمع عمومی.

د - تحصیل و تملک و واگذاری حق استفاده و ثبت پروانه‌های اختراع و هر گونه اطلاعات درباره علائم تجاری، اختراعات، طرح‌ها و روش‌های مورد نیاز برای انجام عملیات و وظایف موضوع شرکت.

و - مشارکت با مؤسسات و شرکت‌های ایرانی و یا خارجی واجد صلاحیت فنی و مالی.

→

ز - خریداری و تملک سهام شرکت‌های دیگر با حق فروش و انتقال سهام مزبور.

ح - برنامه‌ریزی جهت جذب نیرو برای تأمین احتیاجات شرکت و تنظیم و اجرای برنامه‌های آموزشی و کارآموزی کارکنان به منظور ارتقاء سطح اطلاعات علمی، تخصصی، فنی و اجرایی آنها.

ط - اعزام کارکنان به مأموریت‌های اداری و آموزشی.»

۲. ماده (۷) اساسنامه‌ی سابق شرکت بهینه‌سازی مصرف سوخت مصوب ۱۳۷۷/۵/۲۰ با اصلاحات بعدی، به شرح زیر بوده است: «ماده ۷ - ارکان شرکت:

شرکت دارای ارکان زیر می‌باشد:

۱ - مجمع عمومی؛

۲ - هیئت مدیره و مدیرعامل؛

۳ - بازرس (حسابرس).»

۳. بند (الف) ماده (۸) اساسنامه‌ی سابق شرکت بهینه‌سازی مصرف سوخت مصوب ۱۳۷۷/۵/۲۰ با اصلاحات بعدی، به شرح زیر بوده است: «ماده ۸ - مجمع عمومی

الف - نمایندگی صاحب سهام شرکت در مجموع عمومی با هیئت مدیره شرکت ملی نفت ایران می‌باشد.

ب - ...»

←

می‌توان در هر موقع از سال بنا به تصمیم رئیس مجمع عمومی و یا حسابرس (بازرس قانونی) شرکت به طور فوق‌العاده دعوت نمود.» متن این ماده تغییری نکرده است، تبصره این ماده را بخوانید [که جدید است].

منشی جلسه - «تبصره - دستور جلسه مجمع عمومی در دعوتنامه قید خواهد شد.

ماده ۱۲- جلسات مجمع عمومی عادی (یا عادی به طور فوق‌العاده) با اکثریت اعضای مجمع عمومی رسمیت می‌یابد، لیکن تصمیمات متخذه با رأی نصف به علاوه یک اعضا قابل اجرا خواهد داشت. همچنین جلسات مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت با حضور تمامی اعضا رسمیت می‌یابد و اخذ دو سوم آرا جهت اتخاذ تصمیمات، ضروری خواهد بود.»

آقای علیزاده - [ماده (۱۲) هم در اساسنامه‌ی سابق نبوده است و جدید است.] ماده‌ی بعدی را بخوانید.

منشی جلسه - «ماده ۱۳- رئیس مجمع عمومی یک نفر را به عنوان دبیر مجمع عمومی انتخاب خواهد نمود.»

آقای هاشمی‌شاهرودی - این ماده هم قبلاً بوده است.

آقای علیزاده - نه، این ماده قبلاً نبوده است. ماده بعدی را بخوانید. منشی جلسه - «ماده ۱۴- اعضای هیئت مدیره و حسابرس (بازرس قانونی) شرکت می‌توانند با دعوت رئیس مجمع، بدون داشتن حق رأی، در جلسات مجمع عمومی شرکت نمایند.»

آقای علیزاده - در این ماده فقط عبارت «حسابرس (بازرس قانونی)» اضافه شده است، بقیه‌ی ماده [نسبت به بند (ه) ماده (۸) در اساسنامه‌ی سابق^۴] تغییری نکرده است.

منشی جلسه - «ماده ۱۵- صورت‌جلسات مجمع عمومی پس از تصویب باید به امضای رئیس مجمع عمومی برسد و در پرونده مخصوص نگاهداری شود.»

آقای هاشمی‌شاهرودی - این ماده قبلاً نبوده است؟

آقای علیزاده - نه.

منشی جلسه - «ماده ۱۶- وظایف و اختیارات مجمع عمومی



د- مجمع عمومی عادی را می‌توان در هر موقع از سال بنا به تصمیم رئیس

مجمع عمومی و یا بازرس شرکت به طور فوق‌العاده دعوت نمود.»

۴. بند (ه) ماده (۸) اساسنامه‌ی سابق شرکت بهینه‌سازی مصرف سوخت

مصوب ۱۳۷۷/۵/۲۰ با اصلاحات بعدی، به شرح زیر بوده است: «ماده ۸-

مجمع عمومی

الف- ...

ه- اعضاء هیئت مدیره و بازرس شرکت می‌توانند با دعوت رئیس مجمع،

بدون داشتن حق رأی، در جلسات مجمع عمومی شرکت نمایند.»

مذکور است که توسط ایشان معین و معرفی خواهد شد». حالا هیئت دولت، در این اساسنامه وزیر نفت را رئیس جلسات کرده است و در غیاب او، یکی از اعضای مجمع عمومی شرکت.

آقای هاشمی‌شاهرودی - این بهتر است.

منشی جلسه - «ماده ۱۰- مجمع عمومی عادی در تیرماه هر سال برای رسیدگی به گزارش حسابرس (بازرس قانونی) و تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان و سایر صورت‌های مالی سال مالی گذشته شرکت و استماع گزارش عملکرد مدیران و در مهرماه همان سال برای رسیدگی و تصویب بودجه سال آینده شرکت تشکیل می‌گردد و تا وقتی که نسبت به موضوعات مندرج در دستور جلسه تصمیمی اتخاذ نشده باشد، جلسات همچنان ادامه می‌یابد.»

این ماده هم هیچ تغییری نکرده است؛ فقط عبارت «به گزارش حسابرس (بازرس قانونی)» اضافه شده است. بقیه‌ی ماده [نسبت به بند (ج) ماده (۸) اساسنامه‌ی سابق]، تغییری نکرده است.^۱ تبصره‌ی ماده (۱۰) هم تغییر نکرده و همان متن قبلی [= تبصره ماده (۸) اساسنامه‌ی سابق^۲] است. «تبصره - علاوه بر موارد مذکور در این ماده، ممکن است موضوعات دیگری نیز بنا به پیشنهاد رئیس هیئت مدیره و یا مدیرعامل شرکت و یا طبق نظر رئیس مجمع عمومی در دستور مذاکرات مجمع عمومی قرار گیرد.»

آقای هاشمی‌شاهرودی - ماده (۱۱) هم بدون تغییر است؟

آقای علیزاده - بله، این ماده هم همانند ماده‌ی قبلی [= بند (د) ماده (۸) اساسنامه‌ی سابق^۳] است. «ماده ۱۱- مجمع عمومی را

۱. بند (ج) ماده (۸) اساسنامه‌ی سابق شرکت بهینه‌سازی مصرف سوخت مصوب ۱۳۷۷/۵/۲۰ با اصلاحات بعدی، به شرح زیر بوده است: «ماده ۸- مجمع عمومی
الف- ...

ج- مجمع عمومی عادی در تیرماه هر سال برای رسیدگی و تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان و سایر صورت‌های مالی سال گذشته شرکت و گزارش مدیران و بازرس و در مهرماه همان سال برای رسیدگی و تصویب بودجه سال آینده شرکت تشکیل می‌گردد و تا موقعی که نسبت به موضوعات مندرج در دستور جلسه تصمیمی اتخاذ نشده، جلسات همچنان ادامه می‌یابد.»

۲. تبصره ماده (۸) اساسنامه‌ی سابق شرکت بهینه‌سازی مصرف سوخت مصوب ۱۳۷۷/۵/۲۰ با اصلاحات بعدی، به شرح زیر بوده است: «تبصره - علاوه بر موارد مذکور در بالا، ممکن است موضوعات دیگری نیز بنا به پیشنهاد رئیس هیئت مدیره و یا مدیرعامل شرکت و یا طبق نظر رئیس مجمع عمومی در دستور مذاکرات مجمع قرار گیرد.»

۳. بند (د) ماده (۸) اساسنامه‌ی سابق شرکت بهینه‌سازی مصرف سوخت مصوب ۱۳۷۷/۵/۲۰ با اصلاحات بعدی، به شرح زیر بوده است: «ماده ۸- مجمع عمومی
الف- ...



منشی جلسه - «۴- انتخاب اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل.»
آقای علیزاده - بند (۴) را تغییر داده‌اند. قبلاً «انتخاب مدیر عامل و سایر اعضای هیئت مدیره» بود؛ الآن عبارت بند را به این صورت جابه‌جا کرده‌اند.
منشی جلسه - «۵- انتخاب حسابرس (بازرس قانونی) با رعایت قوانین مربوط.»
آقای علیزاده - در بند (۵) بعد از «بازرس»، لفظ «قانونی» را اضافه کرده‌اند.
منشی جلسه - «۶- تعیین حقوق و مزایای اعضای هیئت مدیره و حق‌الزحمه حسابرس (بازرس قانونی) با رعایت قوانین و مقررات مربوط.»
آقای علیزاده - در بند (۶) هم حسابرس اضافه شده است؛ قبلاً بود «... حق‌الزحمه بازرس».
آقای مؤمن - «۶- تعیین حقوق و مزایای اعضای هیئت مدیره» در مصوبه‌ی قبلی نبوده است.
آقای هاشمی‌شاهرودی - آن عبارت را آنجا هم دارد.
آقای علیزاده - چرا، در آن اساسنامه‌ی سابق هم بوده است؛ فقط عبارت «حسابرس (بازرس قانونی) با رعایت قوانین مربوط» را اضافه کرده‌اند.
آقای مؤمن - بله.
منشی جلسه - «۷- تعیین خط مشی عمومی شرکت و تصویب برنامه‌های بلندمدت، میان‌مدت و کوتاه‌مدت شرکت.»
۸- اتخاذ تصمیم در مورد تأسیس شرکت‌های فرعی و وابسته و شعب و نمایندگی‌ها و یا برچیدن آنها در داخل و خارج کشور با رعایت قوانین و مقررات مربوط.
۹- تصویب آیین‌نامه‌های اداری، مالی، معاملاتی، رفاهی، استخدامی و سایر آیین‌نامه‌ها و مقررات مورد نیاز و ساختار تشکیلاتی شرکت، با رعایت قوانین و مقررات مربوط.»
آقای علیزاده - بند (۹) «تصویب آیین‌نامه‌های اداری...»، قبلاً نبوده است.
آقای هاشمی‌شاهرودی - خوب است.
منشی جلسه - «۱۰- اتخاذ تصمیم در خصوص احتساب اندوخته‌های قانونی و احتیاطی و ذخیره استهلاک دارایی‌های ثابت شرکت با رعایت قوانین و مقررات مربوط.»
آقای علیزاده - در بند (۱۰)، قبلاً کلمه‌ی «تصمیم» بوده است، اما الآن گفته‌اند «اتخاذ تصمیم». در عبارت «در خصوص احتساب»، کلمه‌ی «احتساب» را اضافه کرده‌اند. در عبارت «اندوخته‌های قانونی و احتیاطی»، کلمه‌ی «قانونی» اضافه شده است. عبارت

عادی به شرح زیر تعیین می‌شود:»
آقای علیزاده - قبلاً «وظایف مجمع عمومی» بود؛ الآن عبارت «و اختیارات» را هم به آن اضافه کرده‌اند.^۱ در بند (۱) ماده (۱۶) هم تغییری ایجاد نشده است.
منشی جلسه - «۱- رسیدگی و اتخاذ تصمیم نسبت به ترازنامه و حساب سود و زیان و سایر صورت‌های مالی شرکت با توجه به گزارش سالیانه هیئت مدیره و گزارش حسابرس (بازرس قانونی).»
آقای علیزاده - این بند را هیچ تغییری نداده‌اند.
منشی جلسه - «۲- بررسی و تصویب برنامه عملیات و فصول و ارقام بودجه‌های جاری و سرمایه‌ای شرکت.»
آقای علیزاده - بند (۲) هم تغییر نکرده است.
منشی جلسه - «۳- اتخاذ تصمیم نسبت به دریافت وام و اعتبار و پرداخت تسهیلات به اشخاص حقیقی و حقوقی به منظور تأمین احتیاجات و مقاصد شرکت با رعایت قوانین و مقررات مربوط.»
آقای علیزاده - بند (۳) هم تغییر نکرده است.

۱. بند (۱) ماده (۹) اساسنامه‌ی سابق شرکت بهینه‌سازی مصرف سوخت مصوب ۱۳۷۷/۵/۲۰ با اصلاحات بعدی، در خصوص بیان «وظایف مجمع عمومی عادی شرکت» به شرح زیر بوده است: «ماده ۹- وظایف مجمع عمومی:
 ۱- وظایف مجمع عمومی عادی به قرار زیر است:
 الف- رسیدگی و اتخاذ تصمیم نسبت به ترازنامه و حساب سود و زیان و سایر صورت‌های مالی شرکت با توجه به گزارش سالیانه هیئت مدیره و گزارش بازرس
 ب- بررسی و تصویب برنامه عملیات و فصول و ارقام بودجه‌های جاری و سرمایه‌ای شرکت
 ج- اتخاذ تصمیم نسبت به دریافت وام و اعتبار و پرداخت وام و اعتبار به اشخاص حقیقی و حقوقی به منظور تأمین احتیاجات و مقاصد شرکت با رعایت قوانین و مقررات مربوط
 د- انتخاب مدیرعامل و سایر اعضای هیئت مدیره
 ه- انتخاب بازرس با رعایت قوانین جاری کشور
 و- تعیین حقوق و مزایای اعضای هیئت مدیره و حق‌الزحمه بازرس
 ز- تعیین خط مشی عمومی شرکت و تصویب برنامه‌های بلندمدت، میان‌مدت و کوتاه‌مدت شرکت
 ح- اجازه تأسیس شرکت‌های فرعی و وابسته و شعب و نمایندگی‌ها و یا برچیدن آنها در داخل و خارج کشور
 ط- اتخاذ تصمیم در خصوص ایجاد اندوخته‌های احتیاطی مورد نیاز شرکت و اجازه استفاده از ذخایر عمومی شرکت
 ی- اخذ تصمیم در خصوص پیشنهادات هیئت مدیره، مربوط به انعقاد هرگونه قراردادهای مشارکت و خرید و فروش سهام شرکت‌های دیگر با رعایت قوانین و مقررات مربوط
 ک- اتخاذ تصمیم درباره هر موضوع دیگری که با رعایت مفاد این اساسنامه در دستور جلسه مجمع عمومی قرار گیرد.»

آقای مؤمن - بندهای (۱) و (۲) ماده (۱۷) همان متن سابق است؟

آقای علیزاده - بند (۱) «تغییر یا اصلاح مواد اساسنامه و افزایش یا کاهش سرمایه شرکت» بوده که آن را به عبارت «پیشنهاد تغییر یا اصلاح مواد اساسنامه و افزایش یا کاهش سرمایه شرکت» تغییر داده‌اند و عبارت «و ارائه به هیئت وزیران جهت تصویب» را هم به آخر آن اضافه کرده‌اند.

آقای هاشمی‌شاهرودی - خوب است.

آقای علیزاده - ماده‌ی بعدی را بخوانید.

منشی جلسه - بند (۲) که تغییری نداشته؟

آقای علیزاده - چرا، بند (۲) را تغییر داده‌اند. این بند قبلاً این طور نبوده است. قبلاً بند (۲)، عبارت «انحلال» بوده، الان گفته‌اند: «اتخاذ تصمیم در خصوص انحلال یا ادغام شرکت برای ارائه به هیئت وزیران با رعایت قوانین و مقررات مربوط». «ادغام» را اضافه کرده‌اند. عبارت «برای ارائه به هیئت وزیران با رعایت قوانین و مقررات مربوط» را هم اضافه کردند.

آقای مؤمن - خوب است.

منشی جلسه - «ماده ۱۸- هیئت مدیره شرکت از پنج نفر عضو اصلی شامل رئیس هیئت مدیره، مدیرعامل (نایب‌رئیس) و سه نفر دیگر تشکیل می‌گردد. دو نفر دیگر نیز به عنوان اعضای علی‌البدل انتخاب می‌شوند که در غیاب هر یک از اعضای اصلی، به دعوت رئیس هیئت مدیره، شرکت آنان در جلسات و تصمیمات هیئت مدیره الزامی و معتبر خواهد بود.»

آقای علیزاده - اینجاها را تغییر چندانی نداده‌اند.^۲

منشی جلسه - «ماده ۱۹- رئیس هیئت مدیره، مدیرعامل و سایر اعضای هیئت مدیره با پیشنهاد رئیس مجمع عمومی و تصویب مجمع عمومی و با صدور حکم از سوی وزیر نفت برای مدت دو سال به این سمت انتخاب می‌شوند و در پایان مدت عضویت هیئت

→

۱۳۷۷/۵/۲۰ با اصلاحات بعدی، در خصوص بیان «وظایف مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت» به شرح زیر بوده است: «ماده ۹- وظایف مجمع عمومی:

۱- ...

۲- وظایف مجمع عمومی فوق‌العاده به شرح زیر است:

الف- تغییر یا اصلاح مواد اساسنامه و افزایش یا کاهش سرمایه شرکت.

ب- انحلال.»

۲- بند (الف) ماده (۱۰) اساسنامه‌ی سابق شرکت بهینه‌سازی مصرف سوخت

مصوب ۱۳۷۷/۵/۲۰ با اصلاحات بعدی، به شرح زیر بوده است: «ماده ۱۰-

هیئت مدیره

الف- هیئت مدیره شرکت، حداقل از (۳) نفر عضو اصلی تشکیل می‌گردد.»

«ذخیره استهلاک دارایی‌های ثابت شرکت با رعایت قوانین و مقررات مربوط» هم اضافه شده است. تغییرات این بند، آن طوری نیست که تأثیرگذار باشد.

منشی جلسه - «۱۱- اتخاذ تصمیم در خصوص پیشنهادهای هیئت مدیره، مربوط به انعقاد هرگونه قراردادهای مشارکت و خرید و فروش سهام شرکت‌های دیگر که مرتبط با فعالیت شرکت باشد با رعایت قوانین و مقررات مربوط.»

آقای مؤمن - بند (۱۱) تغییر کرده است؟

آقای علیزاده - بله، بند (۱۱) هم تغییر کرده است. فقط کلمه‌ی «اتخاذ» در اول بند، اضافه شده است.

آقای مؤمن - این بند قبلاً چه بوده است؟

آقای علیزاده - این بوده است: «ی- اخذ تصمیم در خصوص پیشنهادات هیئت مدیره مربوط به انعقاد هر گونه قراردادهای مشارکت و خرید و فروش سهام شرکت‌های دیگر با رعایت قوانین و مقررات مربوط.» در این اساسنامه، گفته‌اند «اتخاذ تصمیم». عبارت «که مرتبط با فعالیت شرکت باشند» را هم اضافه کرده‌اند. هیئت وزیران همه جای بندها را درست اصلاح کرده است.

آقای هاشمی‌شاهرودی - [این بند را با عبارات اضافه شده،] مقید کرده‌اند؛ اصلاحش کرده‌اند. واقعاً اصلاح شده است.

آقای علیزاده - بله.

آقای مدرسی‌یزدی - بند دوازدهم را هم بنخوانید.

آقای علیزاده - «۱۲- اتخاذ تصمیم درباره هر موضوع دیگری که با رعایت مفاد این اساسنامه در دستور جلسه مجمع عمومی قرار گیرد.» قبلاً این طور بوده است: «ک- اتخاذ تصمیم درباره هر موضوع دیگری که با رعایت مفاد این اساسنامه در دستور جلسه مجمع عمومی قرار گیرد.»

آقای علیزاده - «وظایف و اختیارات مجمع عمومی فوق‌العاده» [= ماده (۱۷)] را بیاورید ببینیم چیست؟

منشی جلسه - «ماده ۱۷- وظایف و اختیارات مجمع عمومی فوق‌العاده به شرح زیر تعیین می‌شود:

۱- پیشنهاد تغییر یا اصلاح مواد اساسنامه و افزایش یا کاهش سرمایه شرکت و ارائه به هیئت وزیران جهت تصویب.

۲- اتخاذ تصمیم در خصوص انحلال یا ادغام شرکت برای ارائه به هیئت وزیران با رعایت قوانین و مقررات مربوط.»

در عنوان ماده، «و اختیارات» را اضافه کرده‌اند. عبارت «به شرح زیر تعیین می‌شود» هم، قبلاً «به شرح زیر است» بوده است.^۱

۱. بند (۲) ماده (۹) اساسنامه‌ی سابق شرکت بهینه‌سازی مصرف سوخت مصوب

←

تبصره - جلسات هیئت مدیره با حضور پنج عضو رسمیت می‌یابد. تصمیمات هیئت مدیره با اکثریت آرای اعضای حاضر در جلسه معتبر است.»

آقای مؤمن - این ماده نسبت به ماده‌ی سابق [بند‌های (الف) و (ب) ماده (۱۱) اساسنامه‌ی سابق^۳] تغییری نکرده است؟

آقای علیزاده - ماده (۲۱) هیچ تغییری نکرده است.

آقای هاشمی‌شاهرودی - عبارت «جلسات هیئت مدیره با حضور پنج عضو رسمیت می‌یابد» قبلاً به این صورت بوده است: «جلسات هیئت مدیره با حضور حداقل ۳ عضو اصلی رسمیت می‌یابد. تصمیمات هیئت مدیره با آرای حداقل سه عضو اصلی حاضر در جلسه معتبر است.»

آقای ره‌پیک - حالا اگر این عبارت را تغییر هم داده باشند مشکلی ایجاد نمی‌کند.

آقای هاشمی‌شاهرودی - بله، مشکلی ندارد.

منشی جلسه - «ماده ۲۲ - هیئت مدیره در حدود مقررات این اساسنامه دارای اختیارات لازم برای اداره امور شرکت و انجام وظایف مربوط به موضوع شرکت می‌باشد. اختیارات و وظایف هیئت مدیره از جمله موارد زیر می‌باشد:

۱- اجرای تصمیمات مجمع عمومی؛

۲- ارائه پیشنهاد در مورد طرح تشکیلات و نمودار کلی سازمان شرکت به مجمع عمومی برای تصویب؛

۳- تنظیم ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت و تهیه گزارش هیئت مدیره برای تقدیم به مجمع عمومی؛

۴- تنظیم بودجه سالانه شرکت و ارائه آن به مجمع عمومی برای تصویب؛

۵- اجرای بودجه سالانه شرکت و اعمال اصلاحات لازم در بودجه به پیشنهاد مدیرعامل، در حدود اختیاراتی که از طرف مجمع عمومی به هیئت مدیره تفویض شده باشد؛

۶- تنظیم برنامه عملیات و تعیین خط مشی و سیاست کلی شرکت جهت تقدیم به مجمع عمومی برای تصویب؛

۳. ماده (۱۱) اساسنامه‌ی سابق شرکت بهینه‌سازی مصرف سوخت مصوب ۱۳۷۷/۵/۲۰ با اصلاحات بعدی، به شرح زیر بوده است: «ماده ۱۱ - جلسات و تصمیمات هیئت مدیره:

الف - جلسات هیئت مدیره با پیشنهاد هر یک از اعضاء و به دعوت و حضور رئیس هیئت مدیره و در غیاب ایشان توسط نایب‌رئیس هیئت مدیره تشکیل می‌شود.

ب - جلسات هیئت مدیره با حضور حداقل (۳) عضو اصلی رسمیت می‌یابد. تصمیمات هیئت مدیره با آرای حداقل سه عضو اصلی حاضر در جلسه معتبر است.»

مدیره، انتخاب مجدد آنان بلامانع است. پس از انقضای دوره تصدی و تا وقتی که هیئت مدیره جدید انتخاب نشده است، هیئت مدیره شرکت با اختیارات فعلی خود به خدمت ادامه خواهند داد.»

آقای علیزاده - در این ماده فقط عبارت «با پیشنهاد رئیس مجمع عمومی و تصویب مجمع عمومی و با صدور حکم از سوی وزیر نفت» را اضافه کرده‌اند. عبارات «برای مدت دو سال ...»، «انتخاب مجدد آنان بلامانع است» همه قبلاً بوده است. ۱ بند (ج) ماده (۱۰) سابق [ماده (۲۰) فعلی] هم تغییر نکرده است.

منشی جلسه - «ماده ۲۰ - تغییر هر یک از اعضای هیئت مدیره، قبل از پایان خدمت مدت عضویت آنان با پیشنهاد رئیس مجمع عمومی و تصویب مجمع عمومی امکان‌پذیر می‌باشد.»

آقای علیزاده - ماده (۲۰) همان بند (ج) ماده (۱۰) اساسنامه‌ی سابق است.^۲

آقای هاشمی‌شاهرودی - بند (ج) سابق به ماده (۲۰) تبدیل شده است.

آقای علیزاده - فقط شماره‌ی ماده را عوض کرده‌اند.

منشی جلسه - «ماده ۲۱ - دعوت، تعیین وقت و اداره جلسات هیئت مدیره و ابلاغ مصوبات به عهده رئیس و در غیاب رئیس به عهده نایب‌رئیس هیئت مدیره و اجرای مصوبات و تصمیمات هیئت مدیره از وظایف مدیرعامل می‌باشد. جلسات هیئت مدیره در محل شرکت و حداقل هر ماه یکبار تشکیل خواهد شد. جلسات هیئت مدیره با پیشنهاد هر یک از اعضا و به دعوت و حضور رئیس هیئت مدیره و در غیاب ایشان توسط نایب‌رئیس هیئت مدیره نیز تشکیل می‌شود.»

۱. بند (ب) ماده (۱۰) اساسنامه‌ی سابق شرکت بهینه‌سازی مصرف سوخت مصوب ۱۳۷۷/۵/۲۰ با اصلاحات بعدی، به شرح زیر بوده است: «ماده ۱۰ - هیئت مدیره
الف - ...

ب - رئیس هیئت مدیره، مدیرعامل و سایر اعضای هیئت مدیره برای مدت دو سال به این سمت انتخاب می‌شوند و در پایان مدت عضویت هیئت مدیره، تجدید انتخاب آنان بلامانع است. پس از انقضای دوره تصدی و تا وقتی که هیئت مدیره جدید انتخاب نشده است، هیئت مدیره شرکت با اختیارات فعلی خود به خدمت ادامه خواهند داد.»

۲. بند (ج) ماده (۱۰) اساسنامه‌ی سابق شرکت بهینه‌سازی مصرف سوخت مصوب ۱۳۷۷/۵/۲۰ با اصلاحات بعدی، به شرح زیر بوده است: «ماده ۱۰ - هیئت مدیره
الف - ...

ج - تغییر هر یک از اعضای هیئت مدیره، قبل از پایان خدمت مدت عضویت آنان با پیشنهاد رئیس هیئت مدیره و تصویب مجمع عمومی امکان‌پذیر می‌باشد.»

بند (۳) ماده (۲۲) است] هم هیچ تغییری نکرده است. بند (د) هم در مصوبه‌ی فعلی گفته است: به مجمع عمومی برود برای تصویب. بند (۵) ماده (۲۲) اساسنامه‌ی اصلاحی در اساسنامه‌ی قبلی نبوده است؛ آن را اضافه کرده‌اند. بند (۶) [که همان بند (ه) سابق است] هم تغییر نکرده است. بند (۷) [که همان بند (و) سابق است] هم تغییر نکرده است، فقط بعد از عبارت «طبق مقررات»، عبارت «و آیین‌نامه» اضافه شده است.

آقای هاشمی‌شاهرودی - در بند بعدی [بند (۸)] هم لابد عبارت «جهت تقدیم به مجمع عمومی برای تصویب» اضافه شده است. **آقای علیزاده** - نه، این عبارت، در [بند (ز) ماده (۱۲)] اساسنامه‌ی سابق هم بوده است.

آقای هاشمی‌شاهرودی - یعنی از اول، هم بوده است؟

آقای علیزاده - بله. بند (ز) در اساسنامه‌ی سابق که در این اساسنامه‌ی اصلاحی بند (۸) می‌شود تغییری نکرده است. بند (۹) اساسنامه‌ی اصلاحی [بند (ط) سابق] هم تغییر نکرده است. بند (ی) اساسنامه‌ی سابق که بند (۱۰) این اساسنامه است هم تغییر نکرده است. بند (۱۱) اساسنامه‌ی اصلاحی تغییر پیدا کرده [و به عنوان یک بند جدید، به این ماده اضافه شده] است.

مثنی جلسه - «ماده ۲۳ - مدیرعامل مسئول اداره امور شرکت و اجرای مصوبات هیئت مدیره و مجمع عمومی و حسن جریان کلیه امور و حفظ حقوق و منافع و اموال شرکت می‌باشد و برای ایفای وظایف مذکور دارای اختیارات لازم است و نمایندگی شرکت را در مقابل کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی با حق توکیل به غیر دارد. تبصره - مدیرعامل می‌تواند تمام یا قسمتی از اختیارات اجرایی خود را به تشخیص و مسئولیت خود به هر یک از اعضای هیئت مدیره و کارمندان شرکت تفویض کند. اختیارات و وظایف مدیرعامل شامل موارد زیر نیز می‌باشد:

۱- استخدام، انتصاب، ارتقاء، انفصال، اعطای پاداش، اضافه حقوق و مزایا و برقراری فوق‌العاده‌های کارکنان و به طور کلی اتخاذ تصمیم درباره کلیه امور استخدامی و آموزش کارکنان شرکت طبق قوانین و مقررات مربوط؛

۲- افتتاح حساب و پرداخت و دریافت وجوه نزد بانک‌ها و مؤسسات مالی کشور طبق قوانین و مقررات مربوط؛

۳- تعیین وظایف و حدود اختیارات و مسئولیت‌های واحدهای مختلف شرکت در حدود تشکیلات و ساختار کلی شرکت؛

۴- اعمال نظارت‌های مالی و محاسباتی و حسابرسی نسبت به عملیات و معاملات و مخارج شرکت و شرکت‌های فرعی و وابسته و بازرسی در کلیه امور شرکت و شعب و نمایندگی‌ها و مؤسسات

۷- اخذ تصمیم نسبت به معاملات و قراردادهای طبق مقررات و آیین‌نامه معاملات شرکت؛

۸- بررسی و تنظیم پیشنهاد دریافت و پرداخت اعتبار و وام جهت تقدیم به مجمع عمومی برای تصویب؛

۹- اخذ تصمیم درباره کلیه پیشنهادها و مدیرعامل که برای حفظ حقوق و منافع شرکت لازم و در صلاحیت هیئت مدیره باشد؛

۱۰- اتخاذ تصمیم برای ارجاع دعاوی و اختلافات به داوری و تعیین داور با حق صلح و سازش با رعایت قوانین و مقررات مربوط؛

۱۱- اتخاذ تصمیم در مورد هرگونه اقدامی که برای انجام عملیات موضوع شرکت لازم و مقتضی باشد.»

آقای علیزاده - این ماده هم [نسبت به ماده (۱۲) اساسنامه‌ی سابق^۱] تغییر زیادی نکرده است. فقط در بند (ب) سابق که [همان بند (۲) ماده (۲۲) اساسنامه‌ی اصلاحی] است عبارت «به مجمع عمومی برای تصویب»، به آخر آن اضافه شده است.

آقای هاشمی‌شاهرودی - بهتر شده است.

آقای علیزاده - بند (ج) ماده (۱۲) اساسنامه‌ی سابق [که همان

۱. ماده (۱۲) اساسنامه‌ی سابق شرکت بهینه‌سازی مصرف سوخت مصوب ۱۳۷۷/۵/۲۰ با اصلاحات بعدی، به شرح زیر بوده است:
«ماده ۱۲- وظایف و اختیارات هیئت مدیره:

هیئت مدیره در حدود مقررات این اساسنامه دارای همه‌گونه اختیار برای اداره امور شرکت و انجام وظایف مربوط به موضوع شرکت می‌باشد. اختیارات و وظایف هیئت مدیره از جمله شامل موارد مشروحه زیر است:
الف- اجرای تصمیمات مجمع عمومی؛

ب- ارائه پیشنهاد در مورد طرح تشکیلات و نمودار کلی سازمان شرکت؛
ج- رسیدگی و تنظیم ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت و تهیه گزارش هیئت مدیره برای تقدیم به مجمع عمومی؛

د- رسیدگی به بودجه تفصیلی شرکت و تصویب و اصلاح بودجه و اعتبارات به پیشنهاد مدیرعامل در حدود اختیاراتی که از طرف مجمع عمومی به هیئت مدیره تفویض شده باشد؛

ه- تنظیم برنامه عملیات و تعیین خط مشی و سیاست کلی شرکت جهت تقدیم به مجمع عمومی برای تصویب؛

و- اخذ تصمیم نسبت به معاملات و قراردادهای طبق مقررات مربوط به معاملات شرکت؛

ز- بررسی و تنظیم پیشنهاد دریافت و پرداخت اعتبار و وام جهت تقدیم به مجمع عمومی برای تصویب؛

ح- اخذ تصمیم نسبت به کلیه طرح‌ها و برنامه‌ها و هرگونه اقدام دیگری که برای انجام عملیات موضوع شرکت لازم و مقتضی باشد؛

ط- اخذ تصمیم درباره کلیه پیشنهادها و مدیرعامل که برای حفظ حقوق و منافع شرکت لازم و در صلاحیت هیئت مدیره باشد؛

ی- اخذ تصمیم برای ارجاع دعاوی و اختلافات به داوری و تعیین داور با حق صلح و سازش با رعایت قوانین و مقررات کشور.»

تابعه شرکت.»

آقای علیزاده - این ماده هم [نسبت به ماده (۱۳) اساسنامه‌ی سابق^۱] هیچ تغییری نکرده است.

منشی جلسه - تبصره‌اش چه؟

آقای علیزاده - هیچ کدام از مفاد این ماده تغییر نکرده است. متن تبصره در مورد تفویض اختیار مدیر عامل، بند (۱) در خصوص استخدام و انتصاب و ...، بند (۲) در خصوص افتتاح حساب و پرداخت و دریافت وجوه، بند (۳) در خصوص تعیین وظایف و حدود اختیارات و مسئولیت‌های واحدهای مختلف شرکت هم تغییر نکرده است. فقط ...

آقای مؤمن - در بند (۲)، عبارت «باز کردن حساب» را به «افتتاح حساب» تغییر داده‌اند.

آقای علیزاده - بند (۴) هم که در مورد نظارت‌های مالی و

۱. ماده (۱۳) اساسنامه‌ی سابق شرکت بهینه‌سازی مصرف سوخت مصوب ۱۳۷۷/۵/۲۰ با اصلاحات بعدی، در خصوص بیان «وظایف و اختیارات مدیرعامل شرکت» به شرح زیر بوده است: «ماده ۱۳- وظایف و اختیارات مدیرعامل:

مدیرعامل مسئول حسن جریان کلیه امور و حفظ حقوق و منافع و اموال شرکت می‌باشد و برای اداره امور شرکت و اجرای مصوبات هیئت مدیره و مجمع عمومی دارای همه‌گونه حقوق و اختیارات تام و تمام است و نمایندگی شرکت را در مقابل کلیه مقامات قضایی و کشوری و لشگری و مؤسسات و اشخاص با حق توکیل غیر دارد. مدیرعامل می‌تواند تمام یا قسمتی از اختیارات اجرایی خود را به تشخیص و مسئولیت خود به هر یک از اعضای هیئت مدیره و کارمندان شرکت تفویض کند. اختیارات و وظایف مدیرعامل شامل موارد زیر نیز می‌باشد:

الف- استخدام و انتصاب و ارتقاء و انفصال و اعطای پاداش و اضافه حقوق و مزایا و برقراری فوق‌العاده‌های کارکنان و به طور کلی اخذ تصمیم درباره کلیه امور استخدامی و آموزش کارکنان شرکت طبق قوانین و آیین‌نامه‌ها؛

ب- باز کردن حساب و پرداخت و دریافت وجوه نزد بانک‌ها و مؤسسات مالی کشور طبق قوانین و مقررات جاری کشور. در این مورد با امضای مدیرعامل و امضای یکی از اعضای هیئت مدیره، ترجیحاً مسئول مالی عمل خواهد شد. مدیرعامل و عضو منتخب هیئت مدیره می‌توانند حق امضای خود را به هر یک از کارمندان شرکت به تشخیص و مسئولیت خود واگذار نمایند.

ج- تعیین امضاهای مجاز و پیشنهاد امضاهای تعهدآور شرکت به هیئت مدیره؛

د- تعیین وظایف و حدود اختیارات و مسئولیت‌های واحدهای مختلف شرکت در حدود تشکیلات و سازمان کلی شرکت؛

ه- اعمال نظارت‌های مالی و محاسباتی و حسابرسی نسبت به عملیات و معاملات و مخارج شرکت و شرکت‌های فرعی و وابسته و بازرسی در کلیه امور شرکت و شعب و نمایندگی‌ها و مؤسسات تابعه شرکت.»

محاسباتی و ... است، تغییری نکرده است.

منشی جلسه - موضوع «تعیین حق امضاهای مجاز» [که در بند (ج) اساسنامه‌ی سابق وجود داشت]، در این اساسنامه‌ی اصلاحی حذف شده است.

آقای علیزاده - «چک‌ها، اوراق و اسناد بهادار و همچنین ...» را بخوانید. این ماده چند است؟

منشی جلسه - ماده (۲۴) است: «ماده ۲۴- چک‌ها، اوراق و اسناد بهادار و همچنین قراردادهای و اسناد مالی که مستلزم قبول تعهد و یا واگذاری حقی از طرف شرکت باشد با امضای مدیرعامل و یکی از اعضای هیئت مدیره که برحسب مورد از طرف هیئت مدیره تعیین خواهد شد، معتبر می‌باشد. مدیرعامل و عضو صاحب امضاء، هر یک می‌تواند حق امضای خود را به کارمندان شرکت به تشخیص و مسئولیت خود پس از تصویب هیئت مدیره واگذار نمایند.»

آقای علیزاده - این ماده هم [نسبت به بند (الف) ماده (۱۴) اساسنامه‌ی سابق^۲] تغییر نکرده است.

منشی جلسه - تبصره‌ی آن هم که همان متن قبلی است.

آقای علیزاده - تبصره‌ی آن چیست؟

منشی جلسه - «تبصره - استفاده از حساب‌های بانکی به امضای یکی از افراد موضوع این ماده و ذی‌حساب خواهد رسید.»

آقای علیزاده - این تبصره قبلاً نبوده است.

منشی جلسه - «ماده ۲۵- مکاتبات و سایر اوراق مربوط به امور اداری و مالی و پرسنلی و جاری شرکت با امضای مدیرعامل و یا کسانی که از طرف او حق امضا دارند صادر می‌شود. مدیرعامل می‌تواند حق امضا خود را به تشخیص و مسئولیت خود به کارکنان شرکت واگذار نماید.»

آقای علیزاده - این ماده هم قبلاً در [بند (ب) ماده (۱۴)] اساسنامه‌ی سابق، عیناً بوده است.

منشی جلسه - «ماده ۲۶- حسابرس (بازرس قانونی) شرکت، طبق قوانین و مقررات مربوط، توسط مجمع عمومی انتخاب خواهد شد.»

آقای علیزاده - در این ماده، فقط عبارت «حسابرس (بازرس

۲. بند (الف) ماده (۱۴) اساسنامه‌ی سابق شرکت بهینه‌سازی مصرف سوخت مصوب ۱۳۷۷/۵/۲۰ با اصلاحات بعدی، به شرح زیر بوده است: «ماده ۱۴- حق امضاء:

الف- کلیه قراردادهای و اسناد مالی که مستلزم قبول تعهد و یا واگذاری حقی از طرف شرکت باشد با امضای مدیرعامل و یکی از اعضای هیئت مدیره که برحسب مورد از طرف هیئت مدیره تعیین خواهد شد، معتبر می‌باشد. مدیرعامل و عضو صاحب امضاء، هر یک می‌تواند حق امضای خود را به کارمندان شرکت به تشخیص و مسئولیت خود پس از تصویب هیئت مدیره واگذار نمایند.»

منشی جلسه - «ماده ۲۸- حسابرس (بازرس قانونی) حق مراجعه به کلیه دفاتر و اسناد و مدارک و قراردادهای شرکت را دارد.»

آقای علیزاده - این ماده قبلاً [در بند (الف) ماده (۱۷) بوده] که فقط کلمه‌ی «بازرس» در آنجا به عبارت «حسابرس (بازرس قانونی)» در اینجا تبدیل شده است.^۳

آقای هاشمی‌شاهرودی - ماده (۲۹) هم همین جور است.^۴

آقای علیزاده - بله، این ماده هم همان بند (ب) ماده (۱۷) اساسنامه‌ی سابق^۵ است که فقط همین تغییر را دارد و بقیه چیزها تغییر نکرده است. ماده‌ی بعدی را بخوانید.

آقای هاشمی‌شاهرودی - فصل چهارم.

منشی جلسه - «فصل چهارم- ترازنامه و حساب سود و زیان آقای علیزاده - [عنوان این فصل] تغییر نکرده است.»

منشی جلسه - «ماده ۳۱- سال مالی شرکت از اول فروردین ماه هر سال شروع و در آخر اسفندماه همان سال خاتمه می‌یابد و کلیه دفاتر شرکت به تاریخ روز آخر سال مالی بسته می‌شود. ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت و گزارش هیئت مدیره باید ظرف چهل و پنج روز قبل از تاریخ تشکیل مجمع عمومی تهیه و به حسابرس (بازرس قانونی) تسلیم شود.»

آقای علیزاده - این ماده، تغییر نکرده است، فقط عبارت «به حسابرس (بازرس قانونی) تسلیم شود» تغییر کرده است [که عبارت متناظر آن در ماده (۱۸) اساسنامه‌ی سابق، «به بازرسان تسلیم شود» بوده است].^۶

۳. بند (الف) ماده (۱۷) اساسنامه‌ی سابق شرکت بهینه‌سازی مصرف سوخت مصوب ۱۳۷۷/۵/۲۰ با اصلاحات بعدی، به شرح زیر بوده است: «ماده ۱۷- الف- بازرس حق مراجعه به کلیه دفاتر و اسناد و مدارک و قراردادهای شرکت را دارد.

ب- ...»

۴. «ماده ۲۹- حسابرس (بازرس قانونی) می‌تواند نظرات خود را به رئیس هیئت مدیره و یا مدیرعامل اطلاع دهد و از مدیرعامل بخواهد اطلاعات و مدارک لازم را در اختیار وی بگذارند.»

۵. بند (ب) ماده (۱۷) اساسنامه‌ی سابق شرکت بهینه‌سازی مصرف سوخت مصوب ۱۳۷۷/۵/۲۰ با اصلاحات بعدی، به شرح زیر بوده است: «ماده ۱۷- الف- ...

ب- بازرس می‌تواند نظریات خود را به رئیس هیئت مدیره و یا مدیرعامل اطلاع دهد و از مدیرعامل بخواهد اطلاعات و مدارک لازم را در اختیار وی بگذارند.»

۶. ماده (۱۸) اساسنامه‌ی سابق شرکت بهینه‌سازی مصرف سوخت مصوب ۱۳۷۷/۵/۲۰ با اصلاحات بعدی، به شرح زیر بوده است: «ماده ۱۸- سال مالی:

قانونی)» تغییر کرده است؛ قبلاً بوده «بازرس قانونی».^۱

منشی جلسه - «ماده ۲۷- وظایف حسابرس (بازرس قانونی) به شرح زیر تعیین می‌شود:

۱- تطبیق عملیات شرکت با برنامه و بودجه مصوب؛

۲- رسیدگی به ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت و تصدیق مطابقت آنها با کارت‌ها و دفاتر شرکت و ارائه گزارش لازم به مجمع عمومی، ظرف یک ماه پس از اخذ صورت‌های مالی مربوط؛ تبصره- یک نسخه از گزارش مزبور باید بیست روز قبل از جلسه مجمع عمومی که در تیرماه هر سال تشکیل می‌گردد، به رئیس هیئت مدیره و یک نسخه به مدیرعامل تسلیم شود که به ضمیمه گزارش هیئت مدیره با ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت به مجمع عمومی تقدیم گردد.

۳- ارائه گزارش در خصوص پیشنهاد افزایش یا کاهش سرمایه شرکت به مجمع عمومی فوق‌العاده؛

۴- مطالعه گزارش سالیانه هیئت مدیره و اظهار نظر نسبت به مندرجات آن؛

۵- گزارش کتبی موارد لازم به هیئت مدیره و مجمع عمومی.»

آقای علیزاده - این ماده را کمی تغییر داده‌اند. بند (۲) قبلاً [در ماده (۱۶) اساسنامه‌ی سابق] به همین صورت بوده است. تبصره آن هم هیچ تغییری نکرده است. اما بند (۳) [نسبت به اساسنامه‌ی سابق] تغییر کرده است. بندهای (۴) و (۵) هم تغییر نکرده است.^۲

۱. ماده (۱۵) اساسنامه‌ی سابق شرکت بهینه‌سازی مصرف سوخت مصوب ۱۳۷۷/۵/۲۰ با اصلاحات بعدی، به شرح زیر بوده است: «ماده ۱۵- بازرس (حسابرس)- بازرس قانونی شرکت طبق قوانین و مقررات جاری کشور انتخاب خواهد شد.»

۲. ماده (۱۶) اساسنامه‌ی سابق شرکت بهینه‌سازی مصرف سوخت مصوب ۱۳۷۷/۵/۲۰ با اصلاحات بعدی، به شرح زیر بوده است: «ماده ۱۶- وظایف بازرس:

وظایف بازرس به قرار زیر می‌باشد:

الف- تطبیق عملیات شرکت با برنامه و بودجه مصوب؛

ب- رسیدگی به ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت و تصدیق مطابقت آنها با کارت‌ها و دفاتر شرکت و تهیه گزارش عملیات شرکت برای تقدیم به مجمع عمومی. گزارش مزبور باید لااقل بیست (۲۰) روز قبل از جلسه مجمع عمومی که در تیرماه هر سال تشکیل می‌شود، نسخه‌ای به رئیس هیئت مدیره و نسخه دیگری به مدیرعامل تسلیم شود که به ضمیمه گزارش هیئت مدیره با ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت به مجمع عمومی تقدیم گردد.

ج- مطالعه گزارش سالیانه هیئت مدیره و اظهار نظر نسبت به مندرجات آن؛

د- بازرس موظف است در هر مورد که لازم باشد مراتب را به هیئت مدیره و مجمع عمومی کتباً گزارش دهد.»

مزایای رفاهی و معافیت‌های مقرر برای شرکت‌های تابعه وزارت نفت برخوردار خواهد شد.

ماده ۳۵- معاملات شرکت به موجب آیین‌نامه معاملات شرکت و سایر قوانین و مقررات مربوط انجام می‌شود.

ماده ۳۶- شرکت در تهیه مسکن و تأمین رفاه و بهداشت و فرهنگ و آموزش و تفریحات سالم کارکنان خود و کمک‌های اجتماعی به آنان و حفاظت آنان در مقابل حوادث با رعایت قوانین و مقررات مربوط، اهتمام به عمل می‌آورد.

آقای علیزاده - این مواد، قبلاً [در ماده (۲۱) اساسنامه‌ی سابق] بوده است.^۱

در اساسنامه‌ی سابق، یک ماده‌ی دیگری هم با شماره (۲۲) بود: «ماده ۲۲- موارد پیش‌بینی نشده: مواردی که در این اساسنامه پیش‌بینی نگردیده طبق قانون تجارت و اصلاحیه‌های آن عمل خواهد شد.»

آقای سلیمی - آن را در اساسنامه‌ی جدید، حذف کرده‌اند.

منشی جلسه - بله، متن اساسنامه‌ی جدید که در دست ما است، تا همین جا [= انتهای ماده (۳۶)] «شرکت در تهیه مسکن ...» است.

آقای علیزاده - بله، چون در ماده (۲۲) به قانون تجارت استناد شده بوده و ما معمولاً چنین مواردی را [به جهت وجود موارد خلاف شرع در آن قانون] ایراد می‌گرفته‌ایم،^۲ بنابراین این ماده

۱. ماده (۲۱) اساسنامه‌ی سابق شرکت بهینه‌سازی مصرف سوخت مصوب ۱۳۷۷/۵/۲۰ با اصلاحات بعدی، به شرح زیر بوده است: «ماده ۲۱- مقررات و آیین‌نامه‌های شرکت و تأمین رفاه کارکنان آن:

الف- شرکت طبق قانون اساسنامه شرکت ملی نفت ایران از کلیه مزایا و معافیت‌هایی که در قانون اساسنامه شرکت ملی نفت ایران مقرر شده است، برخوردار می‌باشد.

ب- معاملات شرکت به موجب آیین‌نامه معاملات شرکت ملی نفت ایران انجام می‌شود.

ج- آیین‌نامه‌ها و مقررات اداری، استخدامی، بازنشستگی و پس‌انداز، مالی، فنی، مهندسی، حسابداری و حسابرسی و معاملات و سایر آیین‌نامه‌ها و مقررات شرکت ملی نفت ایران در شرکت لازم‌الاجراء است. در مواردی که برای حسن انجام امور شرکت، آیین‌نامه‌ها و مقررات خاصی مورد نیاز باشد و یا آیین‌نامه‌ها و مقررات شرکت ملی نفت ایران قابل انطباق با احتیاجات شرکت نباشد، هیئت مدیره می‌تواند موضوع را بررسی و پیشنهادات لازم را جهت اخذ تصمیم به مجمع عمومی تقدیم نماید.

د- شرکت در تهیه مسکن و تأمین رفاه و بهداشت و فرهنگ و آموزش و تفریحات سالم کارکنان خود و کمک‌های اجتماعی به آنان و حفاظت آنان در مقابل حوادث اهتمام به عمل آورد.»

۲. از جمله اساسنامه‌هایی که شورای نگهبان بدان‌ها به جهت استناد به قانون تجارت، ایراد گرفته است می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

منشی جلسه - «ماده ۳۲- شرکت برای انجام و توسعه عملیات خود، علاوه بر آنکه در بخش هزینه‌های جاری کماکان از محل بودجه جاری شرکت ملی نفت ایران استفاده می‌کند، بودجه و اعتبار لازم را از محل منابع مالی زیر تأمین خواهد نمود:

۱- منابع داخلی و درآمدهای حاصل از ارائه خدمات آموزشی، پژوهشی، مشاوره و غیر آن؛

۲- منابع بودجه عمومی کشور؛

۳- اعتبارات پژوهشی شرکت‌های اصلی تابعه وزارت نفت؛

۴- کمک‌های دریافتی از شرکت‌های اصلی و فرعی وزارت نفت؛

۵- منابع یارانه‌ای و صرفه‌جویی انرژی اختصاصی دولت، موضوع ماده (۷۳) قانون اصلاح الگوی مصرف انرژی - مصوب ۱۳۸۹- و اصلاحات بعدی آن و منابع ناشی از اجرای قانون هدفمندکردن یارانه‌ها مصوب ۱۳۸۸؛

۶- سایر درآمدهای موضوع فعالیت شرکت.

تبصره- در صورت نیاز، شرکت می‌تواند با تصویب مجمع عمومی و با رعایت قوانین و مقررات مربوط، کسری بودجه را تأمین نماید.

ماده ۳۳- در ترازنامه ارقام دارایی شرکت به بهای خرید یا تمام‌شده پس از استهلاك منظور می‌شود. مطالبات مشکوک به ارزش احتمالی روز تنظیم ترازنامه احتساب می‌گردد. ارقام سوخت‌شده نباید جزو دارایی شرکت منظور شود.»

آقای هاشمی‌شاهرودی - هیچ کدام از بندهای ماده (۳۲)، در اساسنامه‌ی قبلی نبوده است؟

آقای علیزاده - نه، نبوده است.

آقای هاشمی‌شاهرودی - یعنی همه این موارد اضافه شده است؟ **آقای علیزاده** - بله.

آقای هاشمی‌شاهرودی - این ماده، اختیارات خیلی زیادی به شرکت [بهینه‌سازی مصرف سوخت در زمینه‌ی تأمین بودجه] داده است.

آقای علیزاده - برای انجام وظایف است؛ می‌توانند [از منابع مالی مزبور استفاده کنند].

منشی جلسه - «فصل پنجم - سایر مقررات

ماده ۳۴- شرکت با تصویب مجمع عمومی یا هیئت مدیره از کلیه

→

سال مالی شرکت از اول فروردین‌ماه هر سال شروع می‌شود و در آخر اسفندماه هر سال خاتمه می‌یابد و کلیه دفاتر شرکت به تاریخ روز آخر سال مالی بسته می‌شود. ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت و گزارش هیئت مدیره باید لااقل سی (۳۰) روز قبل از تاریخ تشکیل مجمع عمومی تهیه و به بازرسان تسلیم شود.»

←

(۲۲) سابق را حذف کرده‌اند.^۱

→

۱- اساسنامه شرکت مادرتخصصی مدیریت تولید، انتقال و توزیع نیروی برق ایران (توانیر) مصوب ۱۳۸۱/۶/۲۷ هیئت وزیران (نظر شماره ۸۱/۳۰/۱۹۴۹ مورخ ۱۳۸۱/۹/۷)؛

۲- اساسنامه سازمان بیمه سلامت ایران مصوب ۱۳۹۰/۱۱/۹ هیئت وزیران (نظر شماره ۹۱/۳۰/۴۶۴۵۹ مورخ ۱۳۹۱/۲/۵)؛

۳- اساسنامه سازمان منطقه آزاد تجاری - صنعتی ماکو مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۵ هیئت وزیران (نظر شماره ۸۹/۳۰/۴۱۴۶۷ مورخ ۱۳۸۹/۱۱/۲۰)؛

۴- اساسنامه شرکت عمران شهرهای جدید (مادر تخصصی) مصوب ۱۳۸۸/۴/۱۴ هیئت وزیران (نظر شماره ۸۸/۳۰/۳۵۴۰۱ مورخ ۱۳۸۸/۵/۲۹)

و...

۱. نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۱۵۶۵ مورخ ۱۳۹۲/۵/۳۰: «عطف به نامه شماره ۴۷۳۱۳/۸۲۳۳۹ مورخ ۱۳۹۲/۴/۹، اساسنامه شرکت بهینه‌سازی مصرف سوخت مصوب جلسه مورخ بیست و نهم خردادماه یکهزار و سیصد و نود و دو هیئت وزیران، در جلسه مورخ ۱۳۹۲/۵/۳۰ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.»

اصلاح اساسنامه شرکت مادر تخصصی

سرمایه‌گذاری‌های خارجی ایران

منشی جلسه - «اصلاح اساسنامه شرکت مادر تخصصی سرمایه‌گذاری‌های خارجی ایران»^۱

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۹۲/۴/۲۳ بنا به پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی و به استناد ماده واحده قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت - مصوب ۱۳۷۷-^۲ تصویب نمود:

اساسنامه شرکت مادر تخصصی سرمایه‌گذاری‌های خارجی ایران، موضوع تصویب‌نامه شماره ۵۴۲۳۴/ت/۲۹۳۰۱-هـ مورخ ۱۳۸۲/۱۰/۱۵ به شرح زیر اصلاح می‌شود:

۱- در بند (ز) ماده (۱۴)،^۳ واژه «تصویب» جایگزین واژه «پیشنهاد»

۱. اصلاح اساسنامه شرکت مادر تخصصی سرمایه‌گذاری‌های خارجی ایران در تاریخ ۱۳۹۲/۴/۲۳ به تصویب هیئت وزیران رسید. این مصوبه، مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۸۵) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۲۹۳۰۱/۱۰۰۹۹۵ مورخ ۱۳۹۲/۵/۲ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۲/۵/۳۰، نظر خود مبنی بر مغایرت آن با اصل (۸۵) قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره ۹۲۳۰/۵۱۵۶۶ مورخ ۱۳۹۲/۵/۳۰ به هیئت وزیران اعلام کرد. قانون استفساریه در خصوص اختیار اصلاح اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت مصوب ۱۳۷۷/۱/۳۰:

«موضوع استفساریه:

آیا در مواردی که مجلس شورای اسلامی اجازه تصویب اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت از جمله مؤسساتی را که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است به دولت داده است، اصلاح اساسنامه در هر مورد نیازمند کسب مجوز مجدد از مجلس شورای اسلامی است، یا اصلاح اساسنامه، که در واقع اصلاح تصمیم دولت است، بر عهده هیئت وزیران می‌باشد؟

نظر مجلس:

ماده واحده- هرگونه تغییر یا اصلاح اساسنامه‌هایی که به موجب تصویب مجلس شورای اسلامی به هیئت دولت واگذار شده است، چون تغییر نظر دولت محسوب می‌شود با هیئت وزیران است.»

۳. ماده (۱۴) اساسنامه شرکت مادر تخصصی سرمایه‌گذاری‌های خارجی ایران مصوب ۱۳۸۲: «ماده ۱۴- وظایف و اختیارات مجمع عمومی به شرح زیر می‌باشد:

الف- رسیدگی و اتخاذ تصمیم در مورد گزارش فعالیت‌های سالانه شرکت، گزارش بازرس (حسابرس)، صورت‌های مالی و صورت‌های مالی تلفیقی شرکت؛

ب- تعیین حق حضور، حقوق و مزایا و پاداش هیئت مدیره و مدیرعامل با توجه به قوانین و مقررات مربوط؛

ج- انتخاب بازرس (حسابرس) و تعیین حق‌الزحمه مربوط؛

د- تعیین خط مشی و تصویب برنامه و بودجه سالانه شرکت؛

می‌شود.

۲- در ماده (۱۶)،^۴ واژه «حداقل» قبل از عبارت «سه نفر» اضافه می‌شود.»

با لحاظ این اصلاح، بند (ز) این طور می‌شود: «پیشنهاد تصویب آیین‌نامه‌های سرمایه‌گذاری، استخدامی، مالی، معاملاتی و سایر آیین‌نامه‌های مورد نیاز شرکت با رعایت قوانین و مقررات مربوط.»

آقای اسماعیلی - نخیر، عبارت اصلاح شده «پیشنهاد تصویب ...» نیست، بلکه این طور می‌شود: «تصویب آیین‌نامه‌های ...».

منشی جلسه - بله، ببخشید. بند (۱) مصوبه اصلاحی گفته است «جایگزین».

آقای اسماعیلی - می‌شود: «تصویب آیین‌نامه‌های ...».

منشی جلسه - این تصویب آیین‌نامه‌ها، جزء وظایف و اختیارات مجمع عمومی شرکت می‌شود.

آقای هاشمی‌شاهرودی - اصل ماده‌ی (۱۴) اساسنامه را بخوانید ببینیم چیست. آیا خود شرکت می‌تواند آیین‌نامه را تصویب کند؟

آقای عزیزاده - [ماهیت] آیین‌نامه چیست؟

آقای اسماعیلی - آیین‌نامه‌های مالی شرکت است. این آیین‌نامه‌ها را باید هیئت وزیران تصویب کند. آیین‌نامه‌ی امور مالی است.

آقای هاشمی‌شاهرودی - مالی نیست. «ز- پیشنهاد (تصویب) آیین‌نامه‌های سرمایه‌گذاری، استخدامی، مالی، معاملاتی و سایر آیین‌نامه‌های مورد نیاز شرکت با رعایت قوانین و مقررات مربوط.»

آقای اسماعیلی - بله، الان همه شرکت‌ها خودشان اینها را تصویب می‌کنند.

→

ه- تعیین روزنامه کنترالاتشار که آگهی‌های مربوط به شرکت در آن منتشر می‌شود؛

و- نصب و عزل مدیرعامل و اعضای هیئت مدیره به ترتیب مقرر در این اساسنامه؛

ز- پیشنهاد آیین‌نامه‌های سرمایه‌گذاری، استخدامی، مالی، معاملاتی و سایر آیین‌نامه‌های مورد نیاز شرکت با رعایت قوانین و مقررات مربوط؛

ح- اتخاذ تصمیم درباره ارجاع دعاوی به داوری و تعیین داور و صلح دعاوی با رعایت اصل یکصد و سی و نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؛

ط- اتخاذ تصمیم نسبت به سایر مواردی که در دستور جلسه مجمع عمومی قرار می‌گیرد.»

۴. ماده (۱۶) اساسنامه شرکت مادر تخصصی سرمایه‌گذاری‌های خارجی ایران مصوب ۱۳۸۲: «ماده ۱۶- اعضای هیئت مدیره با پیشنهاد وزیر امور اقتصادی و دارایی و تصویب مجمع عمومی و با حکم رئیس مجمع عمومی منصوب می‌شوند و سه نفر از اعضا به‌طور تمام‌وقت انجام وظیفه خواهند نمود.»

←

آقای ره‌پیک - [موضوع] آیین‌نامه، سرمایه‌گذاری است.
آقای هاشمی‌شاهرودی - نه، آیین‌نامه بنویسد، معنایش این است که مجمع عمومی می‌تواند کار هیئت دولت را انجام دهد.
آقای ره‌پیک - آیین‌نامه‌ی مورد نیاز شرکت؛ «مورد نیاز شرکت» یعنی چه؟

آقای ابراهیمیان - این شرکت‌ها می‌توانند جاهای دیگر سرمایه‌گذاری کنند. حالا این سرمایه‌گذاری نیاز به آیین‌نامه دارد. حد و مرز آیین‌نامه هم قوانین و مقررات است.

آقای هاشمی‌شاهرودی - این، شرکت مادر تخصصی سرمایه‌گذاری‌های خارجی است؛ یعنی می‌تواند برای انجام سرمایه‌گذاری‌های خارجی در داخل کشور آیین‌نامه تصویب کند. خوب تصویب این‌گونه آیین‌نامه‌ها حق مجمع عمومی شرکت نیست. این امر، یا حق هیئت دولت است یا حق مجلس است. آقای علیزاده، این اشکال دارد.

آقای علیزاده - خیلی خوب.

آقای مدرسی‌یزدی - این آیین‌نامه، مربوط به شرکت است. شرکت، می‌تواند برای خودش آیین‌نامه بنویسد.

آقای هاشمی‌شاهرودی - این، شرکت مادر تخصصی است، نه هر شرکتی.

آقای مدرسی‌یزدی - باشد، [فرقی نمی‌کند].

آقای هاشمی‌شاهرودی - [ماهیت این شرکت] یعنی کل سرمایه‌گذاری‌های خارجی از راه این شرکت انجام می‌شود.

آقای مدرسی‌یزدی - نه.

آقای هاشمی‌شاهرودی - چرا دیگر، «شرکت مادر تخصصی سرمایه‌گذاری‌های خارجی ایران» است. این اساسنامه بالاخره قصد دارد اختیارات وسیعی به این شرکت بدهد.

آقای علیزاده - الان این اصلاحیه‌ی اساسنامه دارد این اختیارات وسیع را به مجمع عمومی شرکت می‌دهد یا قبلاً بوده است؟

آقای هاشمی‌شاهرودی - نه این ماده‌ی اصلاحی دارد این اختیارات را می‌دهد. قبلاً لفظ «پیشنهاد» استفاده شده بوده است، اما هیئت وزیران آن را به «تصویب» تغییر دادند. قبلاً [مجمع عمومی آیین‌نامه‌های مذکور در بند (ز) ماده (۱۴) را] به هیئت دولت پیشنهاد می‌داده است و هیئت دولت باید نسبت به تصویب آن تصمیم می‌گرفت.

آقای اسماعیلی - حالا اصل بند (ز) ماده (۱۴) را ندارید ببینید چه بوده است؟

آقای هاشمی‌شاهرودی - اصل بند (ز) این‌طور بوده که مجمع

آقای هاشمی‌شاهرودی - یعنی این عبارت «با رعایت قوانین و مقررات مربوط»، معنایش آن است که اجازه‌ی تصویب بقیه‌ی مقررات شرکت را به خود شرکتی‌ها واگذار می‌کنند؟

آقای علیزاده - بله، اگر آنها [هیئت وزیران] نمی‌توانند [و امکان این کار را ندارند]، تصویب آن را به خود شرکت‌ها واگذار می‌کنند.

آقای هاشمی‌شاهرودی - نه، معنایش این نیست؛ معنایش این است که خود شرکت [= مجمع عمومی شرکت] این آیین‌نامه‌ها را تصویب می‌کند، ولی در عین حال، باید قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی را رعایت کند و الاً معنی ندارد که بگوید «تصویب» کند.

آقای علیزاده - مجمع عمومی شرکت که آیین‌نامه اجرایی قانون را تصویب نمی‌کند، بلکه این آیین‌نامه‌ها را برای امور داخلی خودش تصویب می‌کند.

آقای هاشمی‌شاهرودی - «آیین‌نامه‌های سرمایه‌گذاری، استخدامی، مالی...» می‌بینید که این بند همه نوع آیین‌نامه را آورده است.

آقای علیزاده - مجمع عمومی شرکت، آیین‌نامه‌های مالی و مثل آن را که می‌تواند تصویب کند.

آقای ره‌پیک - بعضی‌هایش، مثل «آیین‌نامه سرمایه‌گذاری» مبهم است.

آقای هاشمی‌شاهرودی - قطعاً این جور است.

آقای مدرسی‌یزدی - [در انتهای بند (ز)] گفته است «با رعایت قوانین و مقررات».

آقای ره‌پیک - «با رعایت قوانین و مقررات» یعنی چه؟

آقای هاشمی‌شاهرودی - می‌دانم [که گفته قوانین و مقررات باید رعایت شود]، ولی بند (ز) می‌گوید که خود مجمع عمومی این آیین‌نامه‌ها را تصویب می‌کند. تصویب کند، معنایش این است.

آقای ره‌پیک - خیر؛ یعنی مجمع عمومی قانون مصوب مجلس را رعایت بکند، بعد برای خودش آیین‌نامه بنویسد. مجمع عمومی می‌خواهد آیین‌نامه بنویسد.

آقای هاشمی‌شاهرودی - معنایش همین است. مجمع عمومی خودش آیین‌نامه تصویب می‌کند، البته با رعایت قوانین و مقررات.

آقای ره‌پیک - مجمع عمومی آیین‌نامه برای اجرای قانون بنویسد.

آقای اسماعیلی - نه، آیین‌نامه برای کارهای شرکت.

رعایت کند. اصل تصویب باید در دست هیئت وزیران باشد.
آقای مدرسی‌یزدی - چرا؟ مجمع عمومی شرکت آنچه در محدوده‌ی صلاحیت شرکت است را به موجب آیین‌نامه تصویب می‌کند، متنها رعایت قوانین و مقررات مربوطه را نیز می‌کند.

آقای هاشمی‌شاهرودی - عجب حرفی است! نمی‌شود.

آقای ره‌پیک - معنای عملی این چیزی که می‌گویید، این می‌شود که آیین‌نامه‌ی قانون مجلس را مجمع عمومی شرکت بنویسد.
آقای علیزاده - ما الآن دو جای بند (ز) را اشکال داریم؛ یکی «آیین‌نامه سرمایه‌گذاری» است که به نظر ما ایراد دارد؛ یکی هم عبارت «سایر آیین‌نامه‌ها» است که نمی‌دانیم منظورش چیست. اطلاق اشکال دارد.

آقای مدرسی‌یزدی - چرا؟ آیین‌نامه سرمایه‌گذاری کل کشور نیست که اشکال داشته باشد؛ آیین‌نامه مربوط به یک شرکت است.

آقای هاشمی‌شاهرودی - شرکت مورد نظر، مادر تخصصی است؛ [گستره‌ی فعالیتش] مربوط به کل کشور است.

آقای علیزاده - بله، شرکت مادر تخصصی است که در واقع، این نوع شرکت‌های مادر تخصصی، سیاست حاکمیتی دولت را اعمال می‌کنند. اینها واقعاً اشکال دارد.

منشی جلسه - [ماده (۱۹) اساسنامه‌ی مصوب ۱۳۸۲] یکی از وظایف هیئت مدیره‌ی شرکت را در بند (ج)، اتخاذ تصمیم در مورد سرمایه‌گذاری گفته است.

آقای علیزاده - این اتخاذ تصمیم در مورد سرمایه‌گذاری است. در آیین‌نامه که این را نمی‌گویند. آن اتخاذ تصمیم در قالب مقررات است.

منشی جلسه - نه دیگر، خب این هم دارد می‌گوید «تصویب».

آقای علیزاده - در بند (ز) ماده‌ی (۱۴) تصویب آیین‌نامه سرمایه‌گذاری مد نظر است.

آقای هاشمی‌شاهرودی - بله، می‌گوید: «تصویب آیین‌نامه سرمایه‌گذاری»، [نه اتخاذ تصمیم در مورد سرمایه‌گذاری].

منشی جلسه - بند (ز) ماده (۱۹) [در مورد اختیارات هیئت مدیره‌ی شرکت]: «بررسی و تأیید مقررات و آیین‌نامه‌های سرمایه‌گذاری، استخدامی، مالی، معاملاتی و سایر آیین‌نامه‌های مورد نیاز شرکت برای ارائه به مجمع عمومی».

آقای علیزاده - گفته است «برای ارائه به مجمع عمومی». مجمع عمومی هم [مثل بند (ز) ماده (۱۴) سابق] باید این آیین‌نامه‌ها را

عمومی شرکت آیین‌نامه‌ها را به دولت یا به وزارت امور اقتصادی و دارایی پیشنهاد می‌کرده است.

آقای علیزاده - قبلاً مجمع عمومی این آیین‌نامه‌ها را به دولت پیشنهاد می‌کرد. البته ما همه‌ی انواع این آیین‌نامه‌ها را نمی‌گوییم ایراد دارد، ولی بعضی‌هایش واقعاً همان‌طور که [آیت‌الله شاهرودی] فرمودند ایراد دارد.

آقای هاشمی‌شاهرودی - ایراد دارد.

آقای علیزاده - بله، اطلاقش ایراد دارد.

آقای هاشمی‌شاهرودی - مجمع عمومی شرکت، آیین‌نامه‌ی مالی شرکت را می‌تواند تصویب کند.

آقای علیزاده - اطلاق تصویب آیین‌نامه‌های مالی، معاملاتی و سایر آیین‌نامه‌های مورد نیاز شرکت [توسط مجمع عمومی شرکت، ایراد دارد].

آقای هاشمی‌شاهرودی - آیین‌نامه‌های سرمایه‌گذاری هم همین‌طور است [و اطلاقش ایراد دارد].

آقای علیزاده - بله، آیین‌نامه‌های سرمایه‌گذاری ایراد دارد.

آقای هاشمی‌شاهرودی - شاید فردا بیاید سرمایه‌گذاری شرکتی که اصلاً نباید در ایران سرمایه‌گذاری کند را در داخل کشور تجویز کند.

آقای علیزاده - اینها شرکت‌های مادر تخصصی هستند که در واقع سیاست‌های کلان شرکت‌های زیرمجموعه را در اختیار دارند؛ آن‌وقت اینجا گفته است اینها خودشان بیایند این مقررات را تصویب بکنند!

آقای هاشمی‌شاهرودی - این خلاف قانون اساسی است.

آقای علیزاده - بعضی از این مقررات، حتی مثل آیین‌نامه استخدامی این شرکت‌ها هم باید با تصویب سازمان امور اداری و استخدامی کشور باشد.

آقای هاشمی‌شاهرودی - بله.

آقای علیزاده - مگر می‌توانند در این امور، خودشان آیین‌نامه تصویب کنند؟

آقای مدرسی‌یزدی - خب گفته است با رعایت قوانین و مقررات.

آقای علیزاده - آیین‌نامه‌های مربوط به سرمایه‌گذاری را چه می‌گویید؟ [این هم ایرادی ندارد؟]

آقای هاشمی‌شاهرودی - نه، اصل تصویب [این نوع آیین‌نامه‌ها] باید این‌گونه باشد [و به تصویب هیئت وزیران برسد]، نه اینکه آنچه مجمع عمومی شرکت تصویب کرد، قانون و مقررات را

به مراجع ذی‌ربط پیشنهاد می‌کرد.

آقای هاشمی‌شاهرودی - این روشن است که اشکال دارد. اینها [= هیئت وزیران] با این اصلاحیه، همه‌ی اختیارات را به مجمع عمومی شرکت واگذار کرده‌اند. هیئت وزیران همه‌ی این اختیارات را به شرکت داده‌اند که بعد شرکت هر کاری خواست بکند.

آقای علیزاده - پس آقایانی که الان این دو مورد را مغایر با قانون اساسی می‌دانند رأی بدهند. این موارد را جدا جدا رأی می‌گیریم. اول در مورد تبدیل شدن عبارت «پیشنهاد» به «تصویب»، آقایانی که اشکال دارند، رأی بدهند. چند تا شدیم.

منشی جلسه - هفت تا.

آقای علیزاده - این عبارت «سایر آیین‌نامه‌های مورد نیاز شرکت» در بند (ز)، چون مبهم است و روشن نیست، یا بگوییم اطلاق اشکال دارد و یا اینکه بگوییم مبهم است. موضوع را روشن کنید.

آقای مدرسی‌یزدی - نه، اطلاق [اشکالی ندارد].

آقای علیزاده - اطلاق اشکال دارد؛ اطلاق نسبت به مواردی باید به تصویب هیئت وزیران یا وزیر مربوطه برسد و مربوط به اجرای قانون یا چیزهای دیگر مانند سیاست‌های کلان و حاکمیتی است، اشکال دارد.

آقای هاشمی‌شاهرودی - این موارد، تصویبش با دولت است.

آقای علیزاده - البته طبق اصل (۱۳۸) قانون اساسی این‌گونه آیین‌نامه‌ها باید توسط هیئت وزیران تصویب شود. البته همه اینها خلاف اصل (۸۵) قانون اساسی است؛ چون اصل (۸۵) قانون اساسی چنین اختیاراتی به هیئت وزیران نداده است [که اختیارات خود در تصویب آیین‌نامه را به مجمع عمومی شرکت واگذار کند]. خب این هم تمام شد.^۱

۱. نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۱۵۶۶ مورخ ۱۳۹۲/۵/۳۰ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۲۹۳۰/۱/۱۰۰۹۹۵ مورخ ۱۳۹۲/۵/۲، اصلاح اساسنامه شرکت مادر تخصصی سرمایه‌گذاری‌های خارجی ایران مصوب جلسه مورخ بیست و سوم تیرماه یکهزار و سیصد و نود و دو هیئت وزیران، در جلسه مورخ ۱۳۹۲/۵/۳۰ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که نظر شورا به شرح ذیل اعلام می‌گردد:

- از آنجا که تصویب «آیین‌نامه سرمایه‌گذاری» و نیز اطلاق تصویب «سایر آیین‌نامه‌های مورد نیاز شرکت» از موارد مذکور در اصل (۱۳۸) قانون اساسی است، لذا تصویب آن توسط مجمع عمومی مغایر اصل (۸۵) قانون اساسی شناخته شد.»

طرح دوفوریتی نحوه محاسبه و اعمال تسعیر دارایی‌ها و بدهی‌های ارزی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (اعاده شده از شورای نگهبان)

منشی جلسه - «طرح دوفوریتی نحوه محاسبه و اعمال تسعیر دارایی‌ها و بدهی‌های ارزی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (اعاده شده از شورای نگهبان)»^۱

آقای علیزاده - ما به این مصوبه، ابهام گرفته بودیم. در مجلس توضیحاتی دادند و این مصوبه را اصلاح کرده‌اند. من به جلسه کمیسیون [برنامه و بودجه و محاسبات] مجلس رفتم. آنچه که حضرات آقایان نمایندگان در آنجا توضیح دادند، این است که می‌گویند که فرض بفرمایید دولت سال گذشته ارز را به قیمت ۱۲۲۶ تومان به بانک مرکزی فروخته است و پولش را هم گرفته و خرج کرده است. این ارز، دارایی‌های خارجی بانک مرکزی محسوب می‌شود. بانک مرکزی یکی از مؤسسات مربوط به دولت است که بعداً من [کیفیت] این [ارتباط] را توضیح می‌دهم. الآن این مصوبه، مربوط به آنجایی است که بانک مرکزی نه آن ارز را در بازار فروخته، نه با آن کار دیگری کرده است؛ فقط بانک مرکزی در آخر سال که می‌خواهد [با تهیهی ترازنامه] گزارش میزان دارایی‌های خودش را به ریال اعلام کند، می‌گوید من سرمایه‌ام فعلاً این قدر ریال است؛ چون نمی‌تواند ارزش اموال و دارایی‌هایش را به دلار بگوید، ارزش ریالی آن را می‌گوید. در صورتی که بانک مرکزی این ارز را در

۱. طرح دوفوریتی نحوه محاسبه و اعمال تسعیر دارایی‌ها و بدهی‌های ارزی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۱۳۹۲/۴/۳۱ به تصویب نمایندگان رسید. این مصوبه، مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۳۳۳/۲۶۵۲۲ مورخ ۱۳۹۲/۵/۱ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان این مصوبه را در مرحله‌ی اول رسیدگی در جلسه مورخ ۱۳۹۲/۵/۲ بررسی کرد و نظر خود مبنی بر وجود ابهام در این مصوبه را طی نامه‌ی شماره ۹۲/۳۰/۵۱۳۹۵ مورخ ۱۳۹۲/۵/۲ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد. با اصلاحات مورخ ۱۳۹۲/۵/۱۵ مجلس، این مصوبه در مرحله‌ی دوم رسیدگی در جلسه مورخ ۱۳۹۲/۵/۳۰ شورای نگهبان بررسی شد و نظر شورا مبنی بر مغایرت آن با موازین شرع و قانون اساسی طی نامه‌ی شماره ۹۲/۳۰/۵۱۶۱۶ مورخ ۱۳۹۲/۶/۵ به مجلس شورای اسلامی اعلام شد. در نهایت، با اصلاحات مورخ ۱۳۹۲/۶/۳۱ مجلس، این مصوبه در مرحله‌ی سوم رسیدگی در جلسه مورخ ۱۳۹۲/۷/۱۰ شورای نگهبان بررسی شد و نظر شورا مبنی بر عدم مغایرت آن با موازین شرع و قانون اساسی طی نامه‌ی شماره ۹۲/۳۰/۵۱۸۹۲ مورخ ۱۳۹۲/۷/۱۰ به مجلس شورای اسلامی اعلام شد.

بازار بفروشد، چون این ارز متعلق به خودش است، باید ۲۰٪ قیمت ریالی آن را بابت مالیات به دولت بدهد. حرف آقایان نمایندگان مجلس این است که الآن در موضوع این مصوبه، بانک مرکزی نه این ارزها را فروخته و نه کار دیگری با آنها کرده است؛ فقط در تهیهی ترازنامه‌ی مالی سالانه، سهام و دارایی خودش را قیمت‌گذاری می‌کند. نمایندگان می‌خواستند هیچ تغییری در مصوبه‌ی قبلی ندهند که من گفتم اگر در مصوبه هیچ تغییری ندهید، ما می‌گوییم ابهام رفع نشده است؛ لذا یک چنین تغییری داده‌اند و گفته‌اند: «عبارت «صرفاً ناشی از ارزیابی حسابداری است و» اضافه می‌شود». یعنی مصوبه به این صورت شده است: «تفاوت ناشی از تسعیر دارایی‌ها و بدهی‌های ارزی بانک مرکزی که از تغییر نرخ برابری ارز، طلا و جواهرات ایجاد می‌شود، صرفاً ناشی از ارزیابی حسابداری است [نه فروش این دارایی‌های ارزی] و سود تحقق‌یافته تلقی نمی‌گردد و مشمول مالیات نیست و مابه‌التفاوت آن در حسابی تحت عنوان «مازاد حاصل از ارزیابی خالص دارایی‌های خارجی» منظور و در بخش سرمایه بانک مرکزی ذیل حساب اندوخته‌ها در ترازنامه منعکس و گزارش می‌شود.

مانده این حساب صرفاً بابت جبران زیان‌های احتمالی آتی بانک مرکزی ناشی از تغییر (کاهش) برابری‌های قانونی ارز (تسعیر) قابل استفاده است.

تبصره ۱- نرخ برابری ارز مطابق سازوکار قانونی توسط بانک مرکزی تعیین می‌گردد.

تبصره ۲- مفاد این قانون از تاریخ تصویب، لازم‌الاجرا است و صورت‌های مالی سال ۱۳۹۱ بانک مرکزی را نیز شامل می‌شود و هر گونه تصمیم مغایر مفاد این قانون ملغی‌الاثراست.

تبصره ۳- با تصویب این قانون بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی کشور مصوب سال ۱۳۵۱ نسخ می‌گردد.

آقای هاشمی‌شاهرودی - اشکال مغایرت با اصل (۷۵) قانون اساسی^۲ وارد است.

آقای مدرس‌یزدی - تبصره (۲) و (۳)، برخلاف اصل (۷۵) هستند. این نکته را هم ایشان [= آقای علیزاده] توجه می‌دهند که رئیس سازمان برنامه و بودجه هم، این اشکالات را به این

۲. اصل هفتاد و پنجم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «طرح‌های قانونی و پیشنهادهای و اصلاحاتی که نمایندگان در خصوص لوایح قانونی عنوان می‌کنند و به تقلیل درآمد عمومی یا افزایش هزینه عمومی می‌انجامد، در صورتی قابل طرح در مجلس است که در آن طریق جبران کاهش درآمد یا تأمین هزینه جدید نیز معلوم شده باشد.»

مصوبه دارد.^۱

آقای هاشمی‌شاهروندی - وزیر اقتصاد هم این اشکال را دارد.^۲

آقای علیزاده - حالا آقایانی که مفاد این قانون را مغایر می‌دانند، بفرمایند.

آقای مدرس‌یزدی - تبصره (۲) و (۳) را مغایر با اصل (۷۵) می‌دانیم.

آقای علیزاده - اول، نظرتان را در مورد تبصره (۲) بگویید. آقایانی که تبصره (۲) را خلاف اصل (۷۵) قانون اساسی می‌دانند، رأی بدهند.

آقای هاشمی‌شاهروندی - ما که رأی می‌دهیم.

آقای رهپیک - بله، تبصره (۲)، مغایر با اصل (۷۵) است.

آقای علیزاده - چند تا رأی شد؟

منشی جلسه - شش تا.

آقای مدرس‌یزدی - آقای دکتر ابراهیمیان، رأی بدهید؛ چیز واضحی است.

منشی جلسه - پنج تا.

آقای هاشمی‌شاهروندی - شش تا [رأی شد].

منشی جلسه - آقای ابراهیمیان رأی ندادند.

آقای هاشمی‌شاهروندی - شش تا.

آقای مدرس‌یزدی - آقای دکتر اسماعیلی، شما رأی نمی‌دهید؟

منشی جلسه - شش تا.

آقای هاشمی‌شاهروندی - یک رأی دیگر می‌خواهد [تا مغایر اعلام شود].

آقای علیزاده - الآن این تبصره (۲)، شش تا رأی دارد؛ ببینیم بقیه‌ی اعضا چه می‌گویند. تبصره (۳) این مصوبه هم گفته است که «با تصویب این قانون، بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی کشور مصوب سال ۱۳۵۱^۳ نسخ می‌گردد»؛ باز اگر آقایان

۱. نامه‌ی شماره ۳۷۵۹۱ مورخ ۱۳۹۲/۵/۱ معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور خطاب به دبیر شورای نگهبان.

۲. نامه‌ی شماره ۷۴۲۹۹ مورخ ۱۳۹۲/۵/۹ وزیر امور اقتصادی و دارایی خطاب به دبیر شورای نگهبان.

۳. ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱/۴/۱۸: «ماده ۲۶-

الف - دولت موظف است در مقابل زیان‌های احتمالی حاصل از تغییر برابری‌های قانونی نسبت به طلا و پول‌های خارجی و اتفاقات ناشی از قوه قهریه اسناد خزانه بی‌نام با سررسید معین صادر و به بانک مرکزی ایران تسلیم نماید.

ب - سود احتمالی حاصل از تغییر برابری‌های قانونی نسبت به طلا و پول‌های خارجی و اتفاقات ناشی از قوه قهریه به مصرف استهلاک اصل و بهره بدهی‌های دولت به بانک مرکزی ایران خواهد رسید و مازاد آن به

←

می‌گویند که حکم این تبصره، با بار مالی ملازمه دارد، رأی بدهند.

آقای مدرس‌یزدی - بله، [بار مالی دارد و مغایر با اصل (۷۵) است].

آقای اسماعیلی - تبصره (۳) هم مفادش همان مفاد تبصره (۲) است.

آقای هاشمی‌شاهروندی - همان است؛ یکی است.

آقای علیزاده - به مغایرت تبصره (۳) با اصل (۷۵) رأی دادید یا تبصره (۲)؟

آقای هاشمی‌شاهروندی - هر دو با هم، یکی است.

آقای مدرس‌یزدی - دو تبصره، یکی است؛ منتها ایراد دومی، واضح‌تر است.

آقای علیزاده - خیلی خوب، پس این تبصره (۳) هم همان شش تا رأی را دارد.

آقای رهپیک - به نظر من، تبصره (۳) مغایر اصل (۷۵) نیست.

آقای علیزاده - شما به تبصره (۳) ایراد ندارید؟ پس، تبصره (۳)، پنج تا رأی دارد.

آقای مدرس‌یزدی - شما ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی کشور را بخوانید. خیلی واضح است که بار مالی این مصوبه، تأمین نمی‌شود [و لذا مغایر با اصل (۷۵) است].

آقای اسماعیلی - من یک جمله بگویم، شاید دوستان رأی بدهند. اینکه من به [ایراد داشتن] ماده واحده رأی نادم و به

[ایراد داشتن این تبصره‌های (۲) و (۳)] رأی دادم، به این دلیل است - شاید دوستان هم قبول کنند - چون ما در بررسی اصل

ماده واحده گفتیم که ما قبول نداریم [تفاوت ناشی از تسعیر دارایی‌ها و بدهی‌های ارزی بانک مرکزی که از تغییر نرخ برابری

ارز، طلا و جواهرات ایجاد می‌شود] سود تحقق‌یافته نیست؛ ما این حرف را قبول نداریم، ولی این قانون قبلی [= بند (ب) ماده

(۲۶) قانون پولی و بانکی]، کاری به سود تحقق‌یافته یا نیافته ندارد؛ می‌گوید اگر [تغییر برابری‌های قانونی نسبت به طلا و

پول‌های خارجی]، سود داشت، مال دولت است و باید به فلان مصرف [= به مصرف استهلاک اصل و بهره بدهی‌های دولت به

بانک مرکزی ایران برسد و مازاد آن به خزانه دولت تحویل داده

→

خزانه دولت تحویل خواهد شد.

ج - سود و زیان ناشی از اجرای موافقتنامه‌های پرداخت موضوع بند (ه)

ماده (۱۲) این قانون به حساب دولت منظور خواهد شد.»

آقای علیزاده - این مصوبه می‌گوید که من قانون‌گذار، با این توجیهات فرمودم که این [تفاوت ناشی از تسعیر دارایی‌ها و بدهی‌های ارزی بانک مرکزی که از تغییر نرخ برابری ارز، طلا و جواهرات ایجاد می‌شود]، سود حاصله نیست، تا خرج اصل و بهره‌ی بدهی‌های دولت به بانک مرکزی بشود.

آقای هاشمی‌شاهروندی - این چه حرفی است!

آقای علیزاده - شما می‌فرمایید، این [تفاوت ناشی از تسعیر دارایی‌ها] سود حاصله است؟

آقای هاشمی‌شاهروندی - قطعاً سود حاصله است. همین [تفاوت ناشی از تسعیر دارایی‌ها و بدهی‌های ارزی بانک مرکزی که از تغییر نرخ برابری ارز، طلا و جواهرات ایجاد می‌شود] دارایی حاصله است.

آقای علیزاده - [از مابه‌التفاوت تسعیر دارایی‌ها و بدهی‌های بانک مرکزی] سودی به دست می‌آید؟!

آقای مدرسی‌یزدی - آقای علیزاده، این چیز واضحی است. وقتی که این بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی کشور را اجرا بکنند، دولت دیگر بدهکار نمی‌ماند؛ ولی وقتی آن را اجرا نکنند، دولت به بانک مرکزی بدهکار می‌ماند.

آقای اسماعیلی - بله.

آقای مدرسی‌یزدی - خیلی چیز واضحی است.

آقای علیزاده - [بانک مرکزی که با تسعیر دارایی‌ها و بدهی‌های ارزی، مالی] به دست نیاورده است. چطور می‌خواهید چیزی که حاصل نشده است را مال دولت حساب کنید؟!

آقای اسماعیلی - اگر به دست آورد، چطور؟

آقای علیزاده - اگر به دست آورد، بله.

آقای اسماعیلی - بله، همین.

آقای علیزاده - الآن منظور شما زمانی است که از فروش دارایی‌های ارزی بانک مرکزی، سودی حاصل شود و الا از تسعیر دارایی‌های ارزی بانک مرکزی، سودی حاصل نمی‌شود.

آقای اسماعیلی - چرا. بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی کشور، مربوط به جایی است که [بانک مرکزی از تغییر برابری‌های قانونی نسبت به طلا و پول‌های خارجی] سود کرده است.

آقای علیزاده - نه، [موضوع بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی کشور، سود حاصل از] فروش [دارایی‌های ارزی بانک مرکزی] نیست. آن مصوبه، مربوط به فروش ارز نیست.

آقای ابراهیمیان - اینها [= نمایندگان مجلس] آمده‌اند این‌جوری

شود] برسد، اما حالا این مصوبه گفته است که چنین نکنند. بنابراین اشکال تبصره (۳)، این است [که باعث کاهش درآمد دولت می‌شود].

آقای علیزاده - اصلاً آیا این مصوبه می‌تواند بگوید [تفاوت ناشی از تسعیر دارایی‌ها و بدهی‌های ارزی بانک مرکزی که از تغییر نرخ برابری ارز، طلا و جواهرات ایجاد می‌شود] سود نیست؟

آقای ره‌پیک - این مصوبه‌ی جدید در موضوع تصرف کرده است و می‌گوید که این مابه‌التفاوت، سود نیست.

آقای علیزاده - بله، می‌گوید این مابه‌التفاوت، اصلاً سود نیست.

آقای اسماعیلی - خب، همین چیزی که سود می‌شود ...

آقای علیزاده - خب، چطور می‌گوید؟ پس شما چطور رأی دادید؟

آقای ره‌پیک - نسبت به آینده اشکال ندارد.

آقای علیزاده - پس شما کدام تبصره را می‌فرمایید که ایراد دارد؟

آقای سلیمی - هیچ کدام از ایرادات مطرح‌شده، رأی نیاورد.

آقای علیزاده - شما به کدام بند مصوبه، ایراد دارید؟

آقای هاشمی‌شاهروندی - تبصره (۲).

آقای علیزاده - تبصره (۲) را ایراد دارید.

آقای اسماعیلی - این مصوبه، چیزی را که سود بوده، می‌گوید سود نیست.

آقای مدرسی‌یزدی - این مصوبه می‌گوید [تفاوت ناشی از تسعیر دارایی‌ها و بدهی‌های ارزی بانک مرکزی را که از تغییر نرخ برابری ارز، طلا و جواهرات ایجاد می‌شود]، به دولت ندهید [و به مصرف استهلاك اصل و بهره‌ی بدهی‌های دولت به بانک مرکزی نرسانید].

آقای هاشمی‌شاهروندی - بله، روشن است که خلاف اصل (۷۵) هم می‌شود. ما که می‌گوییم اصلش [= اصل تفاوت ناشی از تسعیر دارایی‌ها] متعلق به دولت است.

آقای علیزاده - پس، تبصره (۲) ایراد دارد.

منشی جلسه - تبصره (۲)، شش تا رأی و تبصره (۳)، پنج تا رأی دارد.

آقای هاشمی‌شاهروندی - بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی کشور، اصلش [= اصل تغییر برابری‌های قانونی نسبت به طلا و پول‌های خارجی] را دارایی دولت فرض کرده بود و گفته بود که باید این‌طوری [= بابت پرداخت اصل و بهره‌ی بدهی‌های دولت به بانک مرکزی] خرج بشود.

[= با تصویب این طرح، نرخ ارز را تثبیت کرده‌اند.

آقای هاشمی‌شاهرودی - اصلاً بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی کشور می‌گوید بانک مرکزی باید [دارایی‌های ارزی‌اش را] بفروشد و با مابه‌التفاوت سود آن، بدهی‌های دولت به بانک مرکزی را بپردازد و مازاد آن را به خزانه دولت تحویل دهد.

آقای ابراهیمیان - [بانک مرکزی از تغییر نرخ طلا و پول‌های خارجی،] سود کرده است.

آقای هاشمی‌شاهرودی - حالا با این تبصره (۳) مصوبه، بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی کشور لغو شد دیگر. با این مصوبه‌ی جدید، دیگر بانک مرکزی نمی‌تواند دارایی‌های‌اش را بفروشد. خیلی خوب، پس تبصره (۳)، درآمد دولت را کم کرده است.

آقای سلیمی - می‌تواند بفروشد.

آقای مدرسی‌یزدی - به این نکته هم توجه داشته باشید که نرخ ارز را نه بانک مرکزی می‌تواند بالا ببرد، نه دولت؛ شورای پول و اعتبار است که این کار را می‌کند.^۱

آقای رهپیک - بله، تسری این مصوبه، نسبت به گذشته، اشکال دارد. اصلاً شما فرض کنید اگر این بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی کشور [که الآن در این تبصره (۳) نسخ شده است] نبود، بدهی دولت [به بانک مرکزی] را از کجا می‌دادند؟

آقای مدرسی‌یزدی - دولت به بانک مرکزی، بدهکار می‌ماند.

آقای رهپیک - خیلی خوب، در این صورت، از یک منبع دیگر تعریف می‌کردند و بدهی دولت به بانک مرکزی را می‌دادند.

۱. بند (الف) ماده (۱۸) قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱/۴/۱۸: «الف- شورای پول و اعتبار به منظور مطالعه و اتخاذ تصمیم درباره سیاست کلی بانک مرکزی ایران و نظارت بر امور پولی و بانکی کشور عهده دار وظایف زیر است:

۱- رسیدگی و تصویب سازمان و بودجه و مقررات استخدامی و آیین‌نامه‌های داخلی بانک مرکزی ایران؛

۲- رسیدگی و اظهار نظر نسبت به ترازنامه بانک مرکزی ایران برای طرح در مجمع عمومی؛

۳- رسیدگی و تصویب آیین‌نامه‌های مذکور در این قانون؛

۴- اظهار نظر در مسائل بانکی و پولی و اعتباری کشور و همچنین اظهار نظر نسبت به لوایح مربوط به وام یا تضمین اعتبار و هر موضوع دیگری که از طرف دولت به شورا ارجاع می‌شود؛

۵- دادن نظر مشورتی و توصیه به دولت در مسائل بانکی و پولی و اعتباری کشور که به نظر شورا در وضع اقتصادی و به‌خصوص در سیاست اعتباری کشور مؤثر خواهد بود؛

۶- اظهار نظر درباره هر موضوعی که از طرف رئیس کل بانک مرکزی ایران در حدود این قانون به شورا عرضه می‌گردد.»

آقای مدرسی‌یزدی - مگر منبع دیگری هست؟!

آقای رهپیک - از یک منبع دیگری باید بدهند.

آقای مدرسی‌یزدی - حالا که [منبع دیگری را پیش‌بینی] نکرده‌اند.

آقای علیزاده - چطور بدهی دولت را بدهد؛ در حالی که ارزی را نفروخته است؛ چه را بدهد؟

آقای هاشمی‌شاهرودی - نه دیگر؛ طبق این مصوبه، دیگر [بدهی دولت به بانک مرکزی را از این طریق] نمی‌دهد. بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی کشور می‌گفت بانک مرکزی ملزم است ارز را بفروشد و بدهی دولت را بدهد. حالا این الزام نسخ گردیده است.

آقای علیزاده - نه، این مصوبه الزام به فروش نکرده است.

آقای رهپیک - نه، در بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی کشور هم، بانک مرکزی، الزام به فروش نشده بود.

آقای مدرسی‌یزدی - حتی اگر الزام به فروش هم نکند، به هر حال، حکم آن مصوبه، شامل فروشش هم می‌شود؛ حداقل شامل فروشش هم می‌شود.

آقای هاشمی‌شاهرودی - [بله، شامل فروش ارز هم] می‌شود.

آقای علیزاده - اصلاً آن مصوبه شامل فروش هیچ چیزی نیست. به چه دلیل می‌فرمایید شامل فروش ارز هم می‌شود؟!

آقای مدرسی‌یزدی - احتیاج به آن [که شامل فروش ارز هم شود،] نیست؛ ولی حداقل، اطلاق آن مصوبه، شامل آن صورت [= فروش ارز] هم می‌شود.

آقای هاشمی‌شاهرودی - روشن است.

آقای رهپیک - من با مسئولان بانک مرکزی صحبت کردم؛ هم به بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی کشور ایراد دارند و هم به این مصوبه.

آقای مدرسی‌یزدی - اینکه آنها به قانون ایراد دارند، یک حرف دیگری است.

آقای رهپیک - بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی کشور هم که گفته بود [مازاد سود احتمالی حاصل از تغییر برابری‌های قانونی نسبت به پول‌های خارجی را پس از کسر بدهی‌های دولت،] به حساب خزانه واریز شود، مسئولان بانک مرکزی می‌گفتند چه را به خزانه بریزیم؛ در حالی که نه دلاری اضافه شده و نه طلائی [به دارایی‌های بانک مرکزی] اضافه شده است. همین حرف خود جناب عالی است؛ چیزی به بانک مرکزی اضافه نشده است.

آقای مدرسی یزدی - یعنی بر عوض شدن این ستون‌ها هیچ اثری مترتب نیست؟!

آقای رهپیک - چرا، با عوض کردن این ستون بدهی دولت به بانک مرکزی را حساب می‌کردند. الان ایراد مدیران بانک مرکزی هم این است که می‌گویند اینکه در مصوبه گفته شده است که این مابه‌التفاوت ناشی از فروش نیست، بلکه ناشی از تسعیر دارایی‌ها و بدهی‌های ارزی بانک مرکزی است، درست است؛ اما اینکه در مصوبه می‌گویند «مابه‌التفاوت آن در حسابی تحت عنوان مازاد حاصل از ارزیابی خالص دارایی‌های خارجی منظور می‌شود» و بر مبنای آن حساب، حسابداری می‌کنند، [امکان اجرا ندارد]. بانک مرکزی مانند شرکت است و سالی یک بار ترازنامه‌اش را تهیه می‌کند و در این ترازنامه، ارزش سهام این شرکت را حساب می‌کنند. این حساب و کتاب بر اساس عملیاتی که بانک مرکزی می‌کند، انجام می‌شود.

آقای مدرسی یزدی - تسعیر، در هر سال نیست.

آقای رهپیک - اما الان در این مصوبه می‌گوید که این مابه‌التفاوت را در یک حساب دیگری [به نام «مازاد حاصل از ارزیابی خالص دارایی‌های خارجی»] بریزید. بعد در ادامه می‌گوید: «مانده این حساب، صرفاً بابت جبران زیان‌های احتمالی آتی بانک مرکزی ناشی از تغییر (کاهش) برابری‌های قانونی ارز (تسعیر) قابل استفاده است». در این عبارت، «مانده این حساب» یعنی چه؟ الان ایراد مدیران بانک مرکزی این است که می‌گویند: این عبارات مصوبه یعنی چه؟ یعنی دوباره برویم روی همین چیز فرضی معامله بکنیم؟!

آقای شب‌زنده‌دار - بیچاره خود دولتی‌ها هم صدایشان [به اعتراض] بالا است که این باعث کاهش درآمد دولت می‌شود.

آقای اسماعیلی - بله.

آقای رهپیک - بله، اینها ایراد وارد می‌کنند.

آقای علیزاده - این مصوبه، اشکال دارد.

آقای شب‌زنده‌دار - اگر فقط یک چیز توهمی بود، [که کسی اعتراض نمی‌کرد].

آقای سلیمی - دولت می‌خواهد این مبلغ را ندهد تا برایش درآمد محسوب بشود؛ ولی در واقع مبلغی وجود ندارد تا بخواهند آن را بابت دیونشان بدهند. در مقابل یک چیزی که نیست، می‌خواهند دیونشان را تسویه کنند.

آقای علیزاده - بله، واقعاً مبلغی وجود ندارد. دولت می‌خواهد یازده هزار میلیارد تومانی را که خودش به بانک مرکزی بدهکار

آقای هاشمی‌شاهرودی - پس آن قانون [= بند (ب) ماده (۲۶)

قانون پولی و بانکی کشور] یعنی چه؟ معنایش چیست؟

آقای رهپیک - در آن قانون، بانک مرکزی را الزام کرده‌اند که مازاد سود احتمالی حاصل از تغییر برابری‌های قانونی نسبت به پول‌های خارجی را پس از کسر بدهی‌های دولت، به حساب خزانه واریز کند.

آقای علیزاده - می‌گفتند [بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی کشور]، قانون بی‌ربطی است.

آقای رهپیک - [دارایی‌های بانک مرکزی] دو حالت دارد: [حالت اول این است که این دارایی‌ها] یا فروش رفته است یا به تدریج به فروش می‌رود؛ [حالت دوم این است که این دارایی‌ها] به فروش نرفته است. سر سال ارزش ریالی دلارهای باقیمانده در بانک مرکزی را حساب کرده‌اند ...

آقای هاشمی‌شاهرودی - پس بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی کشور یعنی چه؟

آقای رهپیک - [مدیران بانک مرکزی به آن بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی کشور هم] ایراد دارند و می‌گویند یک چیزی نوشته‌اند [که قابل اجرا نیست و ایراد دارد].

آقای هاشمی‌شاهرودی - کجایش ایراد دارد، در حالی که در گذشته به آن قانون عمل می‌کرده‌اند.

آقای رهپیک - نه، [قسمت دوم بند (ب)، در خصوص واریز مازاد سود احتمالی] به خزانه را عمل نمی‌کرده‌اند.

آقای هاشمی‌شاهرودی - همیشه به آن [قانون] عمل می‌شده است؛ یعنی از باب مقدمه‌ی واجب، واجب بوده است که بانک مرکزی، برای اجرای آن قانون، یک مقدار از دلارهایش را - به اندازه‌ی این تفاوت میان ارز دولتی و آزاد - بفروشد و آن را به حساب دولت بریزد.

آقای رهپیک - مدیران بانک مرکزی می‌گویند ما چیزی نداشته‌ایم که بخواهیم آن را به خزانه بریزیم.

آقای هاشمی‌شاهرودی - این حرف‌ها چیست؟ [فروش قسمتی از ارز بانک مرکزی] مقدمه‌ی واجب بوده است.

آقای رهپیک - آنها می‌گویند ما فقط از نظر حسابداری، در ستون‌ها جای دارایی‌های بانک مرکزی و دولت را عوض می‌کردیم و اگر کسی به ما می‌گفت که آیا شما چیزی فروختید یا معاوضه کردید و یک دلار به جایش آمده است، در جواب می‌گفتیم نه، دارایی جدیدی به دارایی‌های بانک مرکزی اضافه نشده است.

آقای ره‌پیک - حالا با قانون‌گذاری که انجام شده، گفته شده که بدهی دولت به بانک مرکزی را این‌چنین حساب کنند. بالاخره قانون است دیگر، اشکالی ندارد؛ منتها [کارشناسان بانک مرکزی] می‌گویند این مصوبه، ایراد فنی حسابداری و مالی دارد.

آقای عزیززاده - بله.

آقای ره‌پیک - خوب، حالا در مورد گذشته که طبق قانون قبلی [= بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی] عمل می‌کرده‌اند. در مورد آن که نمی‌شود کاری کرد. [مدیران و کارشناسان بانک مرکزی هم] می‌گویند آن مقرره، قانون بوده، لیکن قانون غلطی بوده است.

آقای عزیززاده - به همین دلیل، دیوان عدالت اداری هم نسبت به [دلالیت مصوبه مجمع عمومی بانک مرکزی بر شمول آن بر بدهی‌های] شرکت‌ها و بانک‌های دولتی ایراد گرفته است.^۲



سایر بانک‌های دولتی با اعلام رئیس مجمع عمومی بانک‌ها (وزیر امور اقتصادی و دارایی)، ۵۰ هزار میلیارد ریال؛ ۱۵- بدهی بابت تأمین ریالی مابه‌التفاوت پیش‌پرداخت طرح‌های ساینشور، ۱۵ هزار میلیارد ریال؛ ۱۶- بدهی بابت تعهدات ارزی وزارت دفاع، ۱۰ هزار میلیارد ریال؛ ۱۷- سایر تعهدات ارزی دولت، ۱۵ هزار میلیارد ریال؛ ۱۸- بدهی بابت افزایش سرمایه در بانک جهانی، افزایش ۴ هزار میلیارد ریال؛ سرمایه در بانک توسعه اسلامی، اقساط پروژه‌های بانک جهانی، اقساط پروژه‌های توسعه اسلامی، حق عضویت مجامع بین‌المللی.»

۲. رأی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری شماره‌ی کلاسه ۳۵۶/۹۲-۳۵۷-۳۶۵ و شماره‌ی دادنامه ۳۰۳-۳۰۲-۳۰۱ مورخ ۱۳۹۲/۴/۳۱: «نظر به اینکه اولاً طبق بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی کشور مصوب سال ۱۳۵۱ مقرر شده است: «سود احتمالی حاصل از تغییر برابری‌های قانونی نسبت به طلا و پول‌های خارجی و اتفاقات ناشی از قوه قهریه به مصرف استهلاک اصل و بهره بدهی‌های دولت به بانک مرکزی ایران خواهد رسید و مازاد بر آن به خزانه دولت تحویل خواهد شد.» و این ماده قانونی به استهلاک اصل و بهره بدهی‌های دولت از سود احتمالی حاصل از تسعیر ارز تصریح دارد و دلالتی بر شمول آن بر بدهی‌های شرکت‌ها و بانک‌های دولتی ندارد، به علاوه مقرر شده است که سود مازاد بر استهلاک اصل و بهره بدهی دولت، باید به حساب خزانه واریز شود؛

ثانیاً با توجه به اینکه تسعیر ارز در خرداد سال ۱۳۹۲ صورت گرفته است و اعمال بند (ب) ماده (۲۶) قانون فوق‌الذکر با فرض حاصل شدن سود احتمالی امکان‌پذیر خواهد بود و تحقق این امر و احراز سود برای استهلاک بدهی‌های دولت به دلالت بند (۱) جزء (ج) ماده (۱۷) و بند (۲) ماده (۱۸) و جزء (۱) بند (ب) ماده (۲۲) و بند (ب) ماده (۲۴) قانون یادشده به تهیه ترازنامه توسط بانک مرکزی و طرح آن در شورای پول و اعتبار برای اظهار نظر و تسلیم آن به هیئت نظار برای رسیدگی و تهیه گزارش به مجمع عمومی سالانه بانک مرکزی و تصویب ترازنامه در آن مجمع موکول شده است؛

ثالثاً طبق بند (الف) ماده (۲۴) همان قانون، سال مالی بانک از اول فروردین



بود، از محل این تسعیر بدهد. بعد دولت آمده است [به استناد بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی کشور]، تصویب کرده است که چهل و خورده‌ای میلیارد را که جاهای دیگر [به غیر از دولت به بانک مرکزی] بدهکار بوده‌اند و اصلاً هیچ ارتباطی به دولت ندارد، آنها را هم از محل تسعیر تسویه کنند.^۱

۱. بند (۳) مصوبه‌ی اجلاس پنجاه و سوم مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۳ مجمع عمومی بانک مرکزی: «در اجرای بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی کشور و با توجه به تغییر نرخ ارز، مجمع مقرر نمود حدود ۷۴۰ هزار میلیارد ریال سود حاصل از تغییر برابری ریال در مقابل اسعار خارجی با بدهی‌های دولت، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و بانک‌های دولتی به بانک مرکزی به شرح زیر تسویه گردد:

۱-۳- بدهی دولت، ۱۱۰ هزار میلیارد ریال؛ ۲-۳- بدهی سازمان هدفمندی یارانه‌ها، ۵۷ هزار میلیارد ریال؛ ۳-۳- بدهی شرکت بازرگانی دولتی، ۵۳ هزار میلیارد ریال؛ ۴-۳- بدهی شرکت پشتیبانی امور دام، ۳۱ هزار میلیارد ریال؛ ۵-۳- بدهی شرکت‌های تابعه وزارت نفت، نیرو و سایر دستگاه‌های اجرایی، ۶۵ هزار میلیارد ریال؛ ۶-۳- بدهی بانک‌های دولتی، ۲۸۰ هزار میلیارد ریال؛ ۳-۷- تعهدات ارزی دولت و پیش‌پرداخت طرح‌های دولتی به ساینشور، ۴۰ هزار میلیارد ریال؛ ۳-۸- تعهدات دولت بابت پرداخت اقساط مربوط به سهام، سرمایه و بازپرداخت وام‌ها به نهادهای مالی جهانی و بین‌المللی، ۴ هزار میلیارد ریال.

بانک مرکزی موظف است ظرف یک هفته از تاریخ ابلاغ این مصوبه، نسبت به اصلاح صورت‌های مالی بانک مرکزی و اعمال آن در گزارش‌های اقتصادی مربوط مطابق این بند اقدام کند.

تبصره- نظر به اینکه در برآورد سود حاصل (۷۴۰ هزار میلیارد ریال) از تغییر نرخ برابری به شرح فوق، مبلغ حدود ۳ میلیارد دلار دارایی مسدودی بانک مرکزی منظور نشده است، مجمع مقرر نمود در صورت آزاد شدن مبلغ فوق سود حاصل از تغییر به نرخ روز آزادسازی محاسبه و مطابق بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی اختصاص یابد.»

مصوبه‌ی پنجاه و چهارمین جلسه مجمع عمومی عادی به صورت فوق‌العاده بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مورخ ۱۳۹۲/۴/۹: «... در اجرای بند (۳) مصوبات پنجاه و سومین مجمع عمومی بانک مرکزی موضوع اجرای بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی کشور مقرر شد مبلغ ۷۴۰ هزار میلیارد ریال سود حاصل از تسعیر برابری ریال در مقابل اسعار خارجی با بدهی‌های دولت، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و بانک‌های دولتی به بانک مرکزی به شرح زیر تسویه گردد:

۱- بدهی دولت، ۱۱۰ هزار میلیارد ریال؛ ۲- بدهی سازمان هدفمندی یارانه‌ها، ۵۷ هزار میلیارد ریال؛ ۳- بدهی شرکت بازرگانی دولتی، ۵۳ هزار میلیارد ریال؛ ۴- بدهی شرکت پشتیبانی امور دام، ۳۱ هزار میلیارد ریال؛ ۵- بدهی شرکت ملی نفت ایران، ۲۲/۹ هزار میلیارد ریال؛ ۶- بدهی سازمان توسعه برق ایران، ۱۷/۸ هزار میلیارد ریال؛ ۷- بدهی شرکت توانیر، ۱۰ هزار میلیارد ریال؛ ۸- بدهی شرکت خدمات حمایتی کشاورزی، ۸ هزار میلیارد ریال؛ ۹- بدهی سایر شرکت‌های دولتی، ۶/۳ هزار میلیارد ریال؛ ۱۰- بدهی بانک کشاورزی، ۴۸ هزار میلیارد ریال؛ ۱۱- بدهی بانک ملی، ۴ هزار میلیارد ریال؛ ۱۲- بدهی بانک سپه (شامل ذخیره‌سازی کالا)، ۱۶ هزار میلیارد ریال؛ ۱۳- بدهی بانک مسکن، ۲۶۲ هزار میلیارد ریال؛ ۱۴- بدهی



آقای رهپیک - خیلی خوب، حالا آن موضوع رأی دیوان عدالت اداری یک مسئله‌ی دیگری است. ما به رأی دیوان عدالت اداری کاری نداریم. بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی کشور به غلط گفته است که بانک مرکزی می‌تواند از این مابه‌التفاوت بدهی دولت را کسر کند و دولت نیز با توجه به این بند، بدهی خود را به بانک مرکزی تسویه کرده است. اشکال این است که حکم این مصوبه نمی‌تواند به سال قبل (۱۳۹۱) سرایت کند، ولی نسبت به آینده [حاکم و لازم‌الاجرا است]. اما این عبارت «مانده این حساب» در پاراگراف دوم ماده واحده هم ابهام دارد. حالا اگر می‌خواهید از آن رد بشوید، ولی مدیران بانک مرکزی می‌گویند «مانده حساب» یعنی چه؟

آقای علیزاده - [در این مورد می‌توانند از مجلس] تفسیر بخواهند؛ مبهم بودن این عبارت که ایراد مغایرت با قانون اساسی ندارد.

آقای سلیمی - [منظور از «مانده»، همین مقدار [تفاوت ناشی از تسعیر دارایی‌ها و بدهی‌های ارزی بانک مرکزی که از تغییر نرخ برابری ارز، طلا و جواهرات ایجاد می‌شود] است که محاسبه می‌کنند. منظور، مانده‌ی محاسبه‌ای است، نه مانده‌ی اصطلاحی.

آقای ابراهیمیان - همان مانده‌ی حسابداری، مراد است.

آقای رهپیک - بعد هم، در این مصوبه، بحث تراز است؛ تراز به صورت سالانه حساب می‌شود، نه هر وقت.

آقای مدرس‌یزدی - نه، در این مصوبه، بحث تسعیر است نه تراز؛ بحث تسعیر است؛ کسی که خودش خزانه‌دار بوده، تصریح کرد که تا حالا سه بار این کار انجام شده است.

آقای رهپیک - می‌دانم؛ تراز را چه زمانی حساب می‌کنند؟

آقای مدرس‌یزدی - محاسبه‌ی تراز، سالانه است.

آقای رهپیک - خیلی خوب.

→

هر سال شروع و در آخر اسفند همان سال خاتمه می‌یابد و تهیه ترازنامه می‌بایست پس از پایان سال مالی صورت گیرد، با توجه به مراتب فوق‌الذکر چون در مصوبات مورد شکایت بر خلاف ترتیب مقرر در قانون، اصل و بهره بدهی‌های شرکت‌ها و بانک‌های دولتی نیز با سود ناشی از تسعیر ارز مستهلک شده است و از طرفی در مصوبات مورد اعتراض در خصوص استهلاك بدهی دولت به بانک مرکزی از محل سود احتمالی ناشی از تسعیر ارز، بدون طی مراحل و تشریفات قانونی فوق‌الذکر اتخاذ تصمیم شده است، لذا مصوبات مذکور مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات مجمع عمومی بانک مرکزی تشخیص می‌شود و به استناد بند (۱) ماده (۱۹) و مواد (۲۰) و (۲۲) قانون دیوان عدالت اداری از تاریخ تصویب ابطال می‌شود.»

آقای مدرس‌یزدی - ولی موضوع این مصوبه، تسعیر است.

آقای رهپیک - سالانه بودن تراز یعنی اینکه شما محاسبه‌ی تراز را روزانه انجام نمی‌دهید.

آقای علیزاده - بانک مرکزی، دارایی‌هایش را تسعیر می‌کند تا ترازنامه خودش را بنویسد؛ تسعیر نمی‌کند که بخواهد این دارایی‌ها را بفروشد.

آقای رهپیک - بله، من می‌دانم.

آقای علیزاده - بانک مرکزی چیزی را نفروخته است؛ فقط گزارش ترازنامه دارایی‌ها و بدهی‌هایش را به دولت می‌گوید.

آقای رهپیک - من تأیید می‌کنم که بانک مرکزی دارایی‌هایش را نفروخته است [و این مابه‌التفاوت، ناشی از فروش دارایی‌های بانک مرکزی نیست]؛ منتها این ارزیابی دارایی‌ها، سالی یک بار است. الان در این مصوبه آمده است، این را دوگانه حساب کرده است. [بر اساس ماده (۲۴) قانون پولی و بانکی کشور، بانک مرکزی] سالی یک بار ترازنامه تهیه می‌کند؛ یعنی الان بانک مرکزی دارایی‌هایش را تسعیر می‌کند و تراز می‌گیرد و یک سال بعد هم مجدداً تسعیر می‌کند و تراز می‌گیرد. این طوری که الان در [پاراگراف دوم] این مصوبه، «مانده این حساب» نوشته شده است، یعنی دارد روی این مابه‌التفاوت که الان در این حساب «مازاد حاصل از ارزیابی خالص دارایی‌های خارجی» رفته است، در طول سال حساب می‌کند؛ کم و زیادش می‌کند، مانده می‌گیرد و... که این درست نیست.

آقای هاشمی‌شاهرودی - سابقاً که ارز، دولتی نبود و آزاد بود، هر مقدار ارز که دولت از محل فروش نفت به بانک مرکزی می‌فروخت، معادل ریالی‌اش را از بانک مرکزی می‌گرفت؛ ولی اگر در طول سال، قیمت‌های ارز - در اثر نوسانات بازار آزاد داخلی و بین‌المللی و نه به دلیل تسعیر دولت - بالا می‌رفت، بانک مرکزی یک درآمد و دارایی اضافی پیدا می‌کرد که آن را یا به خزانه واریز می‌کرد یا اگر دولت، دیونی داشت، به حساب دیون دولت می‌گذاشت. حالا با این مصوبه، دارند جلوی این کار را می‌گیرند. عجب حرفی است.

آقای علیزاده - ارز بالا نرفته است ...

آقای هاشمی‌شاهرودی - سابق، این طوری بوده است. وقتی قیمت ریالی ارز بالا برود، چه بخواهیم چه نخواهیم ارزش ارز بالا می‌رود. و لذا اگر شما در منزل، دلار شخصی داشته باشید، هر دلار را در بازار به سه هزار تومان می‌فروشید نه به هزار تومان [که با آن قیمت، دلارها را تهیه کرده‌اید]؛ پس، درآمدت

بیشتر شده است.

آقای علیزاده - اگر ارز را به سه هزار تومان می‌فروشند به جهت این است که ارزش پول من پایین آمده است، نه اینکه خود ارزش ارز بالا رفته باشد.

آقای هاشمی‌شاهرودی - فرقی نمی‌کند. من می‌گویم این قانون [= بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی کشور]، بانک مرکزی را مکلف کرده است که این درآمد اضافی ناشی از افزایش قیمت ارز را - که دولت قبلاً به بانک مرکزی فروخته بود و متعلق به او نیست - به مصرف استهلاک اصل و بهره بدهی‌های دولت به بانک مرکزی ایران برساند و مازاد آن را به خزانه دولت واریز کند؛ یعنی [این مابه‌التفاوت افزایش قیمت ارز]، درآمد دولت است. چرا در تبصره (۳) این مصوبه، بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی کشور نسخ شده است؟ واقعاً همه‌ی آن [مابه‌التفاوت افزایش قیمت ارز]، درآمد دولت است. اگر هم آن را درآمد دولت ندانیم، اقالاً خلاف اصل (۷۵) قانون اساسی است. به نظر من که این مصوبه مخالف اصل (۵۳) قانون اساسی^۱ است، ولی اگر این نظر من را قبول ندارید، این مصوبه خلاف اصل (۷۵) است.

آقای رهپیک - نه، این مصوبه معنایش این است که قانون‌گذار ... **آقای هاشمی‌شاهرودی** - یعنی چه؟ شما نه آن [مغایرت با اصل (۵۳)] را قبول می‌کنید، نه این [مغایرت با اصل (۷۵)] را قبول می‌کنید! همین که فرض می‌کنید بانک مرکزی برای خودش یک چیزی ...

آقای رهپیک - نه، ما بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی را در زمانی که اجرا شده است، قبول داریم.

آقای هاشمی‌شاهرودی - این حرف‌ها چیست؟! یعنی لااقل خلاف اصل (۷۵) است؛ یعنی مجلس با ارائه‌ی طرح نمی‌تواند این قانون [= بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی کشور] را اصلاح کند. بله، اگر دولت در این خصوص لایحه به مجلس بیاورد، مجلس می‌تواند آن قانون را اصلاح کند. من که این مصوبه را خلاف اصل (۵۳) می‌دانم. [مابه‌التفاوت ناشی از تسعیر دارایی‌ها و بدهی‌های ارزی بانک مرکزی] درآمد دولت است. این حرف‌ها چیست که این، درآمد دولت نیست!

آقای ابراهیمیان - اینکه [در ذیل تبصره (۲) مصوبه] می‌گوید:

۱. اصل پنجاه و سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «کلیه دریافت‌های دولت در حساب‌های خزانه‌داری کل متمرکز می‌شود و همه پرداخت‌ها در حدود اعتبارات مصوب، به موجب قانون انجام می‌گیرد.»

«هرگونه تصمیم مغایر مفاد این قانون ملغی‌الاثراست»، شائبه‌ی مداخله‌ی در اجرا و قضا پیش نمی‌آید؟ چون آن قسمت آخر تبصره گفته، تصمیماتی که شما قبلاً گرفتید، آنها ملغی‌الاثرا بشود؛ آیا مجلس می‌تواند یک قاعده و خطاب کلی بگذارد و به‌وسیله‌ی آن یک وضعیت را تغییر بدهد؟ اگر یک مقام اجرایی، در حوزه‌ی صلاحیتش تصمیمی بگیرد، دیوان عدالت اداری می‌تواند بگوید که این تصمیم، خلاف قانون و باطل است؛^۲ اما آیا مجلس هم می‌تواند به همان نحو بگوید که این تصمیمات مشخص که اتخاذ شده است، به نحو قضایای شخصیه، باطل است؟ آیا این، یک جور مداخله‌ی مجلس در مسئله‌ی اجرای قضا نیست؟ آیا مجلس در حدود اختیاراتش قانون‌گذاری کرده و بر اساس وضع قواعد کلی، رفتار کرده است یا نه؟

آقای هاشمی‌شاهرودی - اصلاً این تصمیمات، چطوری

۲. مواد (۱۰) و (۱۲) قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲/۳/۲۵: «ماده ۱۰- صلاحیت و حدود اختیارات دیوان به قرار زیر است:

۱- رسیدگی به شکایات و تظلمات و اعتراضات اشخاص حقیقی یا حقوقی از:

الف- تصمیمات و اقدامات واحدهای دولتی اعم از وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها و سازمان تأمین اجتماعی و تشکیلات و نهادهای انقلابی و مؤسسات وابسته به آنها؛

ب- تصمیمات و اقدامات مأموران واحدهای مذکور در بند (الف) در امور راجع به وظایف آنها؛

۲- رسیدگی به اعتراضات و شکایات از آراء و تصمیمات قطعی هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری و کمیسیون‌هایی مانند کمیسیون‌های مالیاتی، هیئت حل اختلاف کارگر و کارفرما، کمیسیون موضوع ماده (۱۰۰) قانون شهرداری‌ها منحصراً از حیث نقض قوانین و مقررات یا مخالفت با آنها؛

۳- رسیدگی به شکایات قضات و مشمولان قانون مدیریت خدمات کشوری و سایر مستخدمان واحدها و مؤسسات مذکور در بند (۱) و مستخدمان مؤسساتی که شمول این قانون نسبت به آنها محتاج ذکر نام است، اعم از لشکری و کشوری از حیث تضييع حقوق استخدامی؛

ماده ۱۲- حدود صلاحیت و وظایف هیئت عمومی دیوان به شرح زیر است:

۱- رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات اشخاص حقیقی یا حقوقی از آیین‌نامه‌ها و سایر نظامات و مقررات دولتی و شهرداری‌ها و مؤسسات عمومی غیردولتی در مواردی که مقررات مذکور به علت مغایرت با شرع یا قانون و یا عدم صلاحیت مرجع مربوط یا تجاوز یا سوءاستفاده از اختیارات یا تخلف در اجرای قوانین و مقررات یا خودداری از انجام وظایفی که موجب تضييع حقوق اشخاص می‌شود؛

۲- صدور رأی وحدت رویه در موارد مشابه که آراء متعارض از شعب دیوان صادر شده باشد؛

۳- صدور رأی ایجاد رویه که در موضوع واحد، آراء مشابه متعدد از شعب دیوان صادر شده باشد.»

آقای ره‌پیک - در مواردی که در اثر تصمیم قطعی، حق مکتسبی ایجاد شده باشد،^۲ نمی‌شود عطف بما سبق کرد.

آقای هاشمی‌شاهرودی - اینجا از همین موارد است [که عطف به ماسبق، پذیرفتنی نیست].

آقای علیزاده - حق مکتسب در مواقعی است که حق افراد موضوع آن حق باشد، نه حق دولت یا مقامات دولتی.

آقای ره‌پیک - نخیر، فرقی نمی‌کند. اگر برای شخص حقوقی دولت هم حق مکتسبی کسب شده باشد، قابل لغو نیست.

آقای علیزاده - [لزوم حفاظت از حق مکتسبه]، به حق دولت بر نمی‌گردد.

→

در خود قانون مقررات خاصی نسبت به این موضوع اتخاذ شده باشد.»

۲. «حقوق مکتسبه که آن را حقوق ثابتة نیز گویند، چنانکه از نام آن معلوم می‌باشد، حقوقی است که برای افراد در زمان حکومت قانون سابق ایجاد شده است. این‌گونه حقوق با نسخ قانون موجد حق زائل نمی‌گردد. بالعکس حقوق محتمله که هنوز موجود نشده و ممکن است بعداً موجود گردد، اگر چه سبب آن پیدایش یافته باشد که تابع مقررات قانون جدید خواهد بود. عدم تأثیر قانون در ماقبل و رعایت حقوق ثابتة افراد از نظر حفظ نظم اجتماعی و جلوگیری از رکود بازار اقتصادی و فعالیت‌های افراد است. بنابراین هرگاه در مواردی قوه مقننه متوجه شود، رعایت حقوق مکتسبه که بعضی افراد در نتیجه اجرای قانون سابق به دست آورده‌اند، مانع از برقراری نظم عمومی خواهد بود، در قانون جدید تصریح به تأثیر قانون مزبور نسبت به زمان گذشته خواهد نمود و حقوقی که به وسیله قانون سابق بوجود آمده و از حقوق مکتسبه است ملغی می‌نماید.» امامی، سیدحسین، حقوق مدنی، تهران، انتشارات اسلامی، بی‌تا، ج ۴، صص ۹۴-۹۵.

برای آشنایی با نظرات شورای نگهبان در خصوص «حقوق مکتسبه»، به عنوان نمونه می‌توان به نظر شماره ۳۰۶۰ مورخ ۱۳۶۷/۹/۲ شورای نگهبان در خصوص طرح لغو لایحه قانونی راجع به املاک وراثت اسماعیل قشقایی و سهراب بهادری قشقایی اشاره کرد. طبق این نظر، «ماده واحده، از این نظر که مستلزم احیای قوانینی است که در رژیم طاغوت در رابطه با موضوع مذکور در این ماده به تصویب رسیده و از جهات گوناگون مخالف شرع بوده است؛ و نیز از این نظر که موجب نادیده گرفتن حقوق شرعی افراد است، خلاف موازین شرعی شناخته شد. و از این جهت که اطلاقش، ناقض حقوق مکتسبه مشروع اشخاص است، به خصوص نسبت به اموالی که مطابق تبصره یک لایحه قانونی شورای انقلاب از ناحیه دولت جمهوری اسلامی ایران در اختیار آنان قرار گرفته است، با اصل (۴۷) قانون اساسی که مالکیت مشروع را محترم دانسته و با اصل (۴۹) قانون اساسی که صرفاً ثروت‌های غیرمشروع را آن هم پس از رسیدگی و تحقیق و ثبوت شرعی قابل استرداد می‌داند، مغایر است.» برای مشاهده نظرات بیشتر، نگاه کنید به: موسی‌زاده، ابراهیم و همکاران، دادرسی اساسی در جمهوری اسلامی ایران (اصول قانون اساسی در پرتو نظرات شورای نگهبان)، تهران، معاونت تدوین، تقیح و انتشار قوانین و مقررات ریاست جمهوری، ۱۳۹۰، ذیل اصول چهل و هفتم و چهل و نهم.

ملغی‌الاثر می‌شود؟ یعنی دولت چه کار کند؟ دولت از کجا پول بیاورد و بدهی‌اش به بانک مرکزی را بپردازد؟

آقای سلیمی - خب، دولت از بانک مرکزی قرض کرده است و باید قرضش را پس بدهد.

آقای هاشمی‌شاهرودی - قرض نکرده است.

آقای سلیمی - چرا؟

آقای هاشمی‌شاهرودی - [دولت، ارزهایی که از بانک مرکزی گرفته است را] خرج کرده است.

آقای سلیمی - دولت از بانک مرکزی قرض کرده است.

آقای هاشمی‌شاهرودی - نه، قرض نکرده است؛ ارزها را گرفته و خرج کرده است.

آقای ابراهیمیان - در سؤال بنده، فرض بر این است که تصمیم مقام اجرایی مطابق با قانون بوده است.

آقای سلیمی - من به فرمایش شما کار ندارم [و الآن در مورد آن بحث نکردم].

آقای هاشمی‌شاهرودی - اگر [پول‌هایی که دولت از بانک مرکزی گرفته]، قرض بوده باشد که به هر حال، دولت قرض خود به بانک مرکزی را پس می‌دهد. آن که بحثی ندارد.

آقای سلیمی - فرمایش شما [دکتر ابراهیمیان] این است که قانون، عطف بما سبق نمی‌شود.

آقای ابراهیمیان - نه، قانون هم عطف بما سبق می‌شود؛ ولی قانون‌گذار در مورد تصمیمات اجرایی جزیی می‌تواند حکم وضع بکند، نه اینکه [به صورت مطلق] بگوید هرگونه تصمیم مغایر مفاد این قانون - که قبلاً مجری به عنوان مقام اجرایی، طبق قانون و درست گرفته است - ملغی‌الاثر است؛ چون فرض مجلس این است که آن قانون [= بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی کشور] را نسخ کرده‌اند.

آقای ره‌پیک - اینجا مسئله‌ی عطف بما سبق نیست.

آقای ابراهیمیان - وقتی قانون را نسخ کرده‌اند، یعنی قانون درست بوده است.

آقای سلیمی - بر اساس قانون اساسی، اثر قانون، نسبت به آتیه است.^۱

۱. اصل یکصد و شصت و نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «هیچ فعلی یا ترک فعلی به استناد قانونی که بعد از آن وضع شده است، جرم محسوب نمی‌شود.»

ماده (۴) قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷/۲/۱۸ و اصلاحات بعدی آن: «ماده ۴- اثر قانون نسبت به آتیه است و قانون نسبت به ماقبل خود اثر ندارد، مگر اینکه

←

آقای ره‌پیک - این، چه حرفی است؟!

آقای علیزاده - صاحب اختیار حقوق دولت، مجلس است.

آقای ره‌پیک - این طوری که سنگ روی سنگ بند نمی‌شود.

آقای علیزاده - حقی را حق مکتسب می‌گوییم که ناظر به حق افراد باشد؛ مثلاً اگر بگویند همه از سن ۱۵ سالگی می‌توانند ازدواج بکنند و یک قانون جدید بگویند که هر کس در کمتر از ۱۸ سالگی ازدواج کرده است، باطل است، [در این صورت، کسانی که پیش از لازم‌الاجرا شدن قانون جدید و بین ۱۵ تا ۱۸ سالگی ازدواج کرده‌اند، به دلیل برخورداری از حق مکتسبه، ازدواجشان باطل نمی‌شود].

آقای ره‌پیک - چه فرقی می‌کند. چه کسی گفته است که حق مکتسب فقط برای شخص حقیقی است؟ شخص حقوقی هم می‌تواند از حقوق مکتسبه برخوردار شود. فرقی نمی‌کند. چنانچه دولت [بر اساس قانون] یک تصمیمی گرفت، برایش یک حقی ایجاد شده است [و قانون‌گذار نمی‌تواند آن را با قانون جدید، از بین ببرد]. اگر این جوری باشد که قانون بعدی بتواند هر تصمیمی را لغو کند، سنگ روی سنگ بند نمی‌شود.

آقای هاشمی‌شاه‌رودی - بله، [مثلاً قانون جدید] بگوید هر چه دولت در این ده سال انجام داده است، همه‌اش باطل است! [با این حرف شما] مجلس می‌تواند در مصوبه‌اش این‌طور بگوید که هر کاری که دولت در ده سال پیش انجام داده است، همه‌اش باطل است! یعنی چه؟

آقای سلیمی - البته اینجا و در موضوع این مصوبه، دولت کاری نکرده است؛ فقط یک محاسبه کرده است.

آقای علیزاده - اگر مجلس [بر اساس تفسیرش از قانون] بگوید که ما تصمیمات و اقدامات دولت را قبول نداریم [و به این دلیل، بخواهد با تصویب قانون، آن تصمیمات و اقدامات دولت را باطل کند]، ما باید بگوییم این امر، نیاز به بررسی توسط مراجع قضایی دارد. ما قبلاً ایرادی را به مصوبه‌ی مجلس گرفته‌ایم. یعنی اگر کسی به تصمیم یا اقدام دولت ایرادی دارد، می‌تواند برود در دیوان عدالت اداری یا دادگستری شکایت بکند. ما در رابطه با قانون تعیین وضعیت شوراهای عالی این نظر را دادیم.^۱ حضرت آیت‌الله شاه‌رودی، یادتان می‌آید که یک

وقتی ما در نظرمان گفتیم اگر دستگاه اجرایی، طبق تفسیر خودش از قانون، مطابق قانون عمل کرده است، مصوبه‌ی مجلس نمی‌تواند بگوید که آن تصمیم، خلاف قانون و ملغی‌الاثراست، بلکه مجلس یا هر کسی که مدعی است که تصمیم مقام دولتی، خلاف قانون زمان تصمصم‌گیری بوده است، می‌تواند برود از طریق مراجع قضایی اقدام بکند.

آقای هاشمی‌شاه‌رودی - بله، شکایت بکند.

آقای علیزاده - اگر تصمیم دولت، بر خلاف قوانین نبوده، مجلس نمی‌تواند بگوید باطل است؛ چون یک کاری است که انجام شده است.

آقای هاشمی‌شاه‌رودی - تصمیم اجرایی، کار اجرایی هم است. **آقای مؤمن -** حالا من که از ابتدا این تبصره (۳) را خلاف اصل (۵۳) قانون اساسی می‌دانستم، ولی چرا می‌گویید که این تبصره، خلاف اصل (۷۵) است؟ مفاد تبصره (۳) این است که «با تصویب این قانون، بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی کشور مصوب سال ۱۳۵۱ نسخ می‌گردد»؛ یعنی از الآن نسخ می‌شود و اگر تا به حال، به آن بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی کشور عمل می‌شده است، ایرادی ندارد؛ این تبصره (۳)، عملی را که قبلاً انجام شده است، لغو و باطل نمی‌کند. اگر فرض کنید که پیش از این، ارزشایی در بانک مرکزی بوده است و با تغییر نرخ برابری ارز، بر اساس بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی کشور، مابه‌التفاوتی حاصل می‌شده که با این مابه‌التفاوت، بدهی‌های دولت به بانک مرکزی پرداخت می‌شده و مازاد آن به خزانه‌داری کل کشور تحویل می‌شده است، الآن این مصوبه می‌گوید که بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی کشور نسخ شد؛ پس از حالا به بعد، دیگر نمی‌توانند آن مازاد را به خزانه بریزند [یا بابت دیون دولت، محاسبه کنند].

آقای هاشمی‌شاه‌رودی - این مصوبه، «طرح» است؛ «لایحه» نیست.

آقای مؤمن - باشد؛ «طرح» باشد.

آقای هاشمی‌شاه‌رودی - آن [حکم بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی کشور]، یک درآمدی برای دولت بوده است [که با نسخ آن، این درآمد حذف می‌شود].



شورای نگهبان در بند (۱) نظر شماره ۸۶/۳۰/۲۴۹۲۱ مورخ ۱۳۸۶/۱۱/۱۱ خود در خصوص مصوبه‌ی مزبور اعلام داشت: «ماده واحده در خصوص ملغی‌الاثرا بودن مصوبات مذکوره، مغایر اصل (۶۰) قانون اساسی شناخته شد.»

۱. طرح دوفوریتی تعیین وضعیت، ادغام و اصلاح شوراهای عالی مصوب مجلس، ۱۳۸۶/۱۰/۲۵ مورخ ۱۳۸۶/۱۰/۲۵ و سومین جلسه‌ی شورای عالی اداری و مصوبات شماره ۱۲۲۷۲۴ مورخ ۱۳۸۶/۸/۲ و شماره ۱۳۰۱۳۹ مورخ ۱۳۸۶/۸/۱۴ در مورد شوراهای عالی را ملغی‌الاثرا کرده بود.



اگر دولت نه تنها در سال گذشته (۱۳۹۱)، بلکه در سال‌های قبل، این [بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی کشور] را اجرا می‌کرده است، آن کار و اجرای قبلی، باطل است؛ اگر این حرف را می‌زد - همان‌طوری که فرمودند - مانند این است که مثلاً قانون جدید گفته باشد که ازدواج افراد کمتر از ۱۸ سال، صحیح نیست و یک فرد ۱۷ ساله، قبل از تصویب قانون جدید و طبق قانون قبلی - که مثلاً ازدواج افراد کمتر از ۱۵ سال را صحیح نمی‌دانسته است - ازدواج کرده باشد. به حکم قانون، این زوج، زن آن فرد ۱۷ ساله شده است و آثار زوجیت بر آن ازدواج بار می‌شود و حالا مجلس نمی‌تواند ازدواجی را که قبلاً و قانوناً انجام گرفته است، به هم بزند و باطل کند.

آقای هاشمی‌شاهرودی - البته [حکم تبصره (۲)]، سال ۱۳۹۱ را هم شامل شده است.

آقای مؤمن - بله، من هم سال ۱۳۹۱ را عرض می‌کنم.

آقای هاشمی‌شاهرودی - این مصوبه، سال ۱۳۹۲ تصویب شده است و حکمش را نسبت به سال ۱۳۹۱ هم تسری داده است.

آقای مؤمن - باشد. توجه بفرمایید که ایراد من چیست. من می‌گویم اگر در سال ۱۳۹۱ به استناد بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی کشور، عمل شده باشد و این پول‌ها به خزانه دولت واریز شده باشد، مجلس حق ندارد بگوید که این عمل بی‌ارزش و باطل است؛ برای اینکه آن کار، قانوناً واقع شده است و وقتی کاری، قانوناً واقع شده باشد - یعنی در زمان وجود قانون و مستند به قانون بوده باشد - مجلس نمی‌تواند اینها را به هم بزند. اما اگر مجلس بگوید که از حالا به بعد نمی‌شود این کار را کرد، نتیجه‌اش این می‌شود که اگر تا به حال، واریز به خزانه شده باشد، که هیچ؛ ولی از این به بعد جلوی واریز آن به خزانه را می‌گیرد. بنابراین، آن‌وقت این شبهه‌ای را که ظاهراً آقای ...

آقای هاشمی‌شاهرودی - این شبهه مربوط به تبصره (۲) است.

آقای مؤمن - تبصره (۳) است؛ من تبصره (۳) را می‌گویم.

آقای هاشمی‌شاهرودی - آقایانی که می‌گویند حکم تبصره (۲) به گذشته تسری پیدا کرده است و ایراد دارد، بفرمایند.

آقای عزیزاده - من رأی می‌دهم.

آقای مدرس‌یزدی - این هم هفت تا رأی می‌شود.

آقای عزیزاده - نه، من به مغایرت تبصره (۲) از این جهت که خلاف اصل تفکیک قوا است، رأی می‌دهم. بیایم درباره مغایرت این تبصره (۲) رأی بگیریم و بگوییم که آنجایی که

آقای مؤمن - الان این مصوبه می‌گوید دیگر نمی‌توانید این کار را بکنید؛ اگر قبلاً این کار را کرده‌اید، از این به بعد، نمی‌توانید.

آقای هاشمی‌شاهرودی - پس، این مصوبه، جلوی درآمد دولت را گرفته است.

آقای مؤمن - نه، جلوی درآمد دولت را نگرفته است. درآمد، در بانک مرکزی موجود بوده است. اگر این درآمد را بر اساس بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی کشور به حساب خزانه‌داری کل کشور ریخته باشند ...

آقای هاشمی‌شاهرودی - نریخته‌اند.

آقای مؤمن - عرض می‌کنم اگر ریخته باشند، به قانون عمل شده است و وقتی که به قانون عمل شده باشد، - همان‌طور که می‌فرمایید - مجلس نمی‌تواند کار انجام‌شده‌ی قانونی را به هم بزند [و عملکرد دولت را باطل و ملغی‌الاثرا اعلام کند].

آقای هاشمی‌شاهرودی - این مصوبه، موجب تحدید درآمد دولت نیست؟

آقای مؤمن - تبصره (۳)، غیر از تبصره (۲) است. تبصره (۳) می‌گوید از حالا به بعد، آن بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی کشور نسخ می‌شود.

آقای هاشمی‌شاهرودی - حالا مثلاً اگر در قانونی مالیاتی وضع شده باشد، مجلس از طریق تصویب طرح می‌تواند بگوید این مالیات دریافت نشود؟

آقای مؤمن - تبصره (۳) این طرح می‌گوید که از حالا به بعد اجرا نمی‌شود؛ یعنی شما از حالا به بعد نمی‌توانید [آن سود احتمالی حاصل از تغییر برابری‌های قانونی نسبت به پول‌های خارجی را] جزء ذخیره‌ی ارزی دولت محاسبه کنید. اگر گفت نمی‌توانید حساب کنید، یعنی از حالا به بعد جزء ذخایر نیست.

آقای هاشمی‌شاهرودی - خیلی خوب، مثل این است که [مجلس از طریق تصویب یک طرح]، یک مالیات را - که در قانون دیگری پیش‌بینی شده بوده است - لغو کند. نمی‌تواند با تصویب طرح، چنین کاری کند.

آقای مؤمن - نه، من حرفم این است که این مصوبه، کار انجام‌شده‌ی قبل را خراب نمی‌کند. من می‌گویم تبصره (۳) مصوبه، جلوی این را می‌گیرد که دولت بخواهد از حالا به بعد، [بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی کشور را] انجام بدهد؛ نسبت به آینده، جلوی اجرای آن را می‌گیرد.

آقای هاشمی‌شاهرودی - حالا آن بحث دیگری بود.

آقای مؤمن - من عرضم این است. این تبصره (۳) نمی‌گوید که

دولت تصمیم قانونی گرفته است، مجلس نمی‌تواند مفاد آن تصمیم قانونی دولت را ملغی‌الاثربند کند.

آقای مؤمن - گفته از این به بعد، این مصوبه را انجام بدهند.

آقای هاشمی‌شاهروندی - نه، در تبصره (۲) می‌گوید [ملغی‌الاثربند شدن تصمیمات دولت نسبت به] سال ۱۳۹۱ هم است؛ تصریح دارد که شامل سال ۱۳۹۱ هم می‌شود.

آقای علیزاده - اگر مجلس می‌خواهد جلوی چنین تصمیماتی را در آینده بگیرد، باید این را توضیح بدهد، اما اگر منظور این است که بیان کند تصمیم دولت در سال ۱۳۹۱، غیرقانونی است، مجلس مرجع اعلام چنین مطلبی نیست.

آقای هاشمی‌شاهروندی - بله. دستگاه قضایی [باید مغایر بودن تصمیم دولت با قانون را اعلام کند].

آقای مدرسی‌یزدی - نه، این مصوبه می‌گوید من آن قانون [= بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی کشور] را نسخ کردم. این تبصره می‌گوید من آن قانون را دارم نسخ می‌کنم.

آقای علیزاده - در این مصوبه، تصمیم بر توقف [اجرای بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی کشور] گرفته‌اند؛ آن قانون را لغو نکرده‌اند. ما این را باید [در اظهار نظرمان به مجلس] بگوییم.

آقای مدرسی‌یزدی - نه، نسخ کرده‌اند؛ در تبصره (۳) مصوبه، رسماً می‌گوید نسخ است.

آقای هاشمی‌شاهروندی - بله.

آقای علیزاده - پس ما بگوییم الغای تصمیمات قانونی که قبلاً گرفته شده است، را درست نمی‌دانیم.

آقای هاشمی‌شاهروندی - بله، این درست نیست.

آقای علیزاده - تصمیمات قانونی‌ای که قبل از این مصوبه گرفته شده است را نمی‌شود لغو کرد.

آقای هاشمی‌شاهروندی - ما موافقیم.

آقای علیزاده - و اگر در مواردی تصمیمات دولت، خلاف قانون است، باز مجلس، مرجع لغو چنین تصمیماتی نیست.

آقای هاشمی‌شاهروندی - بله، مجلس، مرجع لغو این تصمیمات نیست.

آقای علیزاده - برای لغو چنین تصمیماتی باید از طریق دستگاه قضایی، مراجع صالح قضایی اقدام بشود.

آقای مؤمن - مثلاً مثل دیوان عدالت اداری.

آقای مدرسی‌یزدی - اگر اجازه بدهید در جواب بنویسیم که ما آن مقدار از این مصوبه را که خلاف شرع نمی‌شود، عطف بما

سبق می‌کنیم.

آقای علیزاده - نمی‌توانند.

آقای مدرسی‌یزدی - چرا نتوانند؟

آقای علیزاده - قبلاً هم آقایان شورای نگهبان نظر داده‌اند [که نمی‌توان قانون را عطف بما سبق کرد].

آقای مدرسی‌یزدی - خلاف کدام اصل از قانون اساسی است؟

آقای ابراهیمیان - مینا فرق می‌کند. یک وقت، ما می‌گوییم قانون، عطف بما سبق می‌شود و در اثر آن، یک وضعیتی به وجود می‌آید؛ مثلاً ما یک قانون جدیدی تصویب می‌کنیم و در آن می‌گوییم ما الان دیگر بر زوجیت‌های تحقق‌یافته در زمان قانون قبل، آثار ازدواج بار نمی‌کنیم [که این قانون، خلاف است و ایراد دارد].

آقای مدرسی‌یزدی - خلاف کدام اصل از قانون اساسی است؟

آقای علیزاده - الغای تصمیماتی که قبلاً بر اساس قانون سابق گرفته شده است؛ چون آن تصمیم، قانونی است و بر اساس قانون سابق، صحیح بوده است، خلاف اصل تفکیک قوا و خلاف اختیارات مجلس است. اگر کسی مدعی خلاف قانون بودن آن تصمیمات دولت است، برود در دستگاه قضایی شکایت کند.

آقای هاشمی‌شاهروندی - برود در دستگاه قضایی شکایت کند.

آقای مدرسی‌یزدی - نه، خلاف چه اصلی است؟

آقای علیزاده - کسانی که این ایراد را قبول دارند، رأی بدهند.

آقای مدرسی‌یزدی - این مصوبه نمی‌گوید که عملکرد دولت در سال ۱۳۹۱ خلاف قانون است.

آقای هاشمی‌شاهروندی - حالا شما به این ایراد رأی ندهید.

آقای ره‌پیک - از اصول اولیه است که نمی‌توان عملی را که قبلاً مبتنی بر قانون، تمام و انجام شده است، لغو کرد.

آقای مدرسی‌یزدی - نه، این مصوبه، این‌طور تفسیر نمی‌شود؛ معنای این مصوبه، این نیست. شما به یک ایراد واضح رأی نمی‌دهید، بلکه به یک چیز مبهم رأی می‌دهید.

آقای علیزاده - ما قبلاً هم [در طرح دوفوریتی تعیین وضعیت، ادغام و اصلاح شوراها عالی]، چنین رأیی داده‌ایم.^۱

آقای هاشمی‌شاهروندی - در خیلی از مواردی که قانون سابق، به اشخاص حقیقی داده باشد، لغو قانون سابق، خلاف شرع هم است.

۱. بنگرید به پاورقی پیشین.

برای بررسی به همین جا آمد - گفته شده بود که از تاریخ تصویب این قانون، آن شوراها عالی به حالت سابق خود برمی‌گردند و هر تصمیمی که دولت در این زمینه گرفته، باطل است.^۲ ما گفتیم که مجلس نمی‌تواند با وضع مصوبه بگوید که آن مصوبه شورای عالی اداری باطل است؛^۳ چون رئیس جمهور از قانون، این را فهمیده و آن شوراها را ادغام و منحل کرده است.

آقای مدرسی‌یزدی - آن ایراد سابق درست است؛ [آن ایراد شورای نگهبان که گفتیم با مصوبه‌ی مجلس نمی‌تواند بگوید تصمیمات قبلی و مستند به قانون دولت، باطل است، درست است.

آقای هاشمی‌شاهرودی - [تبصره (۲) می‌گوید هرگونه تصمیم مغایر مفاد این قانون، ملغی‌الاثراست.

آقای مدرسی‌یزدی - نه، تبصره (۲) نمی‌گوید [مصوبه مجمع عمومی بانک مرکزی] باطل است؛ می‌گوید از حالا به بعد، هر گونه تصمیم مغایر با مفاد این مصوبه، ملغی‌الاثراست. اینکه به ایراد داشتن آن مصوبه [= طرح دوفوریتی تعیین وضعیت، ادغام و اصلاح شوراها عالی مصوب ۱۳۸۶/۱۰/۲۵ مجلس] رأی دادید، دلیل نمی‌شود که به مغایرت تبصره (۲) این مصوبه هم رأی بدهید؛ چون این دو مصوبه خیلی با هم فرق می‌کنند.

آقای هاشمی‌شاهرودی - بحث‌های لفظی می‌کنید.

آقای مدرسی‌یزدی - خیر، آن مصوبه [= طرح دوفوریتی تعیین وضعیت، ادغام و اصلاح شوراها عالی مصوب ۱۳۸۶/۱۰/۲۵ مجلس] می‌گفت که [تصمیم شورای عالی اداری] باطل است.

→

وظایف و اختیارات [سازمان امور اداری و استخدامی کشور]:

۱- اصلاح ساختار تشکیلات دستگاه‌های اجرایی کشور به استثنای وزارتخانه‌ها از طریق ادغام، انحلال و انتقال مؤسسات و سازمان‌ها به خارج از مرکز.

۲. مجلس به منظور ابطال مصوبه‌ی دولت در خصوص ادغام و انحلال شوراها، طرح دوفوریتی تعیین وضعیت، ادغام و اصلاح شوراها عالی را در تاریخ ۱۳۸۶/۱۰/۲۵ به تصویب مجلس رساند. در این مصوبه آمده بود: «از تاریخ تصویب این قانون، مصوبه یکصد و سی و سومین جلسه شورای عالی اداری و مصوبات شماره ۱۲۲۷۲۴ مورخ ۱۳۸۶/۸/۲ و شماره ۱۳۰۱۳۹ مورخ ۱۳۸۶/۸/۱۴ در مورد شوراها عالی ملغی‌الاثراست و شوراها ذیل با حفظ اختیارات و وظایف و اعضای آنها کمافی‌السابق تشکیل و اداره می‌شوند.»

۳. نظر شماره ۸۶/۳۰/۲۴۹۲۱ مورخ ۱۳۸۶/۱۱/۱۱ شورای نگهبان: «ماده واحده در خصوص ملغی‌الاثراست بودن مصوبات مذکوره، مغایر اصل (۶۰) قانون اساسی شناخته شد.»

آقای مدرسی‌یزدی - بله، به همین جهت گفتیم تا جایی که خلاف شرع نباشد. مصوبه نمی‌گوید که تصمیم دولت [مجمع عمومی بانک مرکزی] غلط بوده است.

آقای علیزاده - دولت به موجب قانون برنامه و به استناد آن، شوراها را در هم ادغام و منحل کرد و شوراها جدیدی به وجود آورد.^۱ در مصوبه‌ی [مورخ ۱۳۸۶/۱۰/۲۵] مجلس - که

۱. شورای عالی اداری در یکصد و سی و سومین جلسه مورخ ۱۳۸۶/۴/۱۸، در اجرای مفاد مواد (۱۳۹) و (۱۵۴) قانون برنامه چهارم توسعه - که در آن جزء (۱) بند (ب) ماده (۱) قانون برنامه سوم توسعه تنفیذ گردیده بود - دبیرخانه ۲۸ شورای عالی را با تمام وظایف و اختیارات و با توجه به نوع و شباهت وظایف و اختیارات در یکدیگر و یا در کمیسیون‌های دولت ادغام و به چهار شورای عالی تبدیل کرد.

ماده (۱۳۹) قانون برنامه چهارم توسعه بیان می‌دارد: «ماده ۱۳۹ -

به منظور اصلاح ساختار و تشکیلات دستگاه‌های اجرایی، اقدام‌های ذیل انجام می‌گردد:

الف- دولت موظف است تا پایان سال اول برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران پیشنهاد حذف و یا واگذاری حداقل بیست درصد (۲۰٪) از تعداد سازمان‌ها و نهادها، مؤسسات و شرکت‌ها و نظایر آن را به سایر بخش‌ها و ادغام و انحلال دستگاه‌های غیرضرور را جهت تصویب به مجلس شورای اسلامی تقدیم کند؛ ب- ممنوعیت ایجاد وزارتخانه، مؤسسه دولتی، نهاد عمومی غیردولتی، شرکت دولتی و دستگاه‌هایی با عناوین مشابه، مگر در موارد استثناء با تأیید هیئت وزیران و تصویب مجلس شورای اسلامی؛ ج- ادغام کلیه واحدهای سازمانی هر وزارتخانه (به استثنای شرکت‌های دولتی) در سطح استان، شهرستان، بخش و ... در یک واحد سازمانی، به طوری که واحدهای مربوطه در مرکز عهده‌دار راهبری و انجام امور ستادی آنها باشند. سطح سازمانی واحدهای موضوع این بند و موارد استثناء با پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به تصویب شورای عالی اداری می‌رسد. تغییر یا ادغام واحدهای استانی که به موجب قانون ایجاد شده‌اند با تصویب مجلس شورای اسلامی خواهد بود؛ د- بازنگری و تجدید ساختار داخلی دستگاه‌های اجرایی، براساس ضوابطی که به پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به تصویب هیئت وزیران می‌رسد. در صورتی که با اصلاح تشکیلات، پست‌های دارای شاغلین رسمی حذف گردند، این‌گونه پست‌ها صرفاً تا خروج طبیعی مستخدمین ذی‌ربط پایدار خواهد بود؛ ه- کلیه واحدهای استانی، شهرستانی و ... دستگاه‌های اجرایی موظفند ضمن اقدام لازم در خصوص بازنگری و تجدید ساختار سازمانی خود، پس از تأیید سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان اصلاحات لازم را به مورد اجرا گذارند و نیروهای مازاد را به سایر واحدهای مستقر در همان محل منتقل نمایند؛ و- نصاب جمعیت برای تشکیل شهرستان، شهر و بخش با رویکرد عدم توسعه سطوح تقسیمات کشوری در سال اول برنامه چهارم توسط هیئت وزیران تعیین خواهد شد.

تبصره- هرگونه ادغام و انحلال وزارتخانه‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی که به موجب قانون ایجاد شده یا می‌شود، صرفاً با تصویب مجلس شورای اسلامی خواهد بود.

همچنین جزء (۱) بند (ب) ماده (۱) قانون برنامه سوم بیان می‌دارد: «ب-

←

آقای هاشمی‌شاهرودی - بررسی این تبصره (۲) تمام شد. سراغ بررسی تبصره (۳) می‌رویم.

آقای مدرس‌یزدی - نه، اگر بحث کنیم، برای مغایرت تبصره (۲) با اصل (۷۳) قانون اساسی^۱ هم رأی داریم.

آقای هاشمی‌شاهرودی - بله، آن هم اشکال واردی است.

آقای علیزاده - ایراد این تبصره (۲)، هفت رأی آورد.

آقای اسماعیلی - هفت تا رأی آورد؟

آقای هاشمی‌شاهرودی - ایشان در مورد تبصره (۳)، بحث می‌کنند.

آقای ره‌پیک - تبصره (۳) با اصل (۷۵) قانون اساسی مغایر نیست؛ چون اصل (۷۵) می‌گوید اگر به تقلیل درآمد منجر بشود.

آقای علیزاده - آن تبصره (۲)، پنج رأی مغایرت دارد. فکر می‌کنم تبصره (۳)، شش رأی مغایرت دارد.

آقای مؤمن - نه خب، تبصره (۲) هم، به این معنایی که من برداشت می‌کنم و گفتم، حتی پنج رأی مغایرت ندارد.

آقای علیزاده - اگر رأی ندارد، پس به آن ایراد نمی‌گیریم.

آقای مؤمن - این تبصره (۲) می‌گوید که از حالا به بعد [بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی کشور] اجرا نمی‌شود.

آقای هاشمی‌شاهرودی - نه، ذیل تبصره (۲) [مغایر قانون اساسی است].

آقای ره‌پیک - ذیل تبصره (۲) می‌گوید مفاد این قانون، صورت‌های مالی سال ۱۳۹۱ بانک مرکزی را نیز شامل می‌شود.

آقای مؤمن - من می‌گویم تبصره (۳) که می‌گوید «با تصویب این قانون بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی کشور مصوب سال ۱۳۵۱ نسخ می‌گردد»، ناظر به آینده است و تصمیمات

مجموع عمومی بانک مرکزی را باطل نمی‌کند].

آقای علیزاده - فعلاً پنج رأی برای مغایرت تبصره (۲) با قانون اساسی داریم.

آقای ره‌پیک - نه، بیشتر رأی دارد؛ من به ایراد داشتن تبصره (۲) رأی دادم.

آقای هاشمی‌شاهرودی - پس اشکال تبصره (۳) این نیست؛ اشکال این است که خلاف اصل (۷۵) قانون اساسی است، نه اینکه عطف بما سبق نمی‌شود.

آقای علیزاده - این [مغایرت تبصره (۳) با اصل (۷۵) قانون اساسی] رأی ندارد.

آقای هاشمی‌شاهرودی - اشکال و ابهامی که به تبصره (۳) داشتیم این بود که خلاف اصل (۷۵) است؛ چون «سود احتمالی حاصل از تغییر برابری‌های قانونی نسبت به طلا و پول‌های خارجی»، درآمد دولت است و برای آن در قانون قبلی [= بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی] مصارفی مشخص شده است.

آقای مؤمن - درآمد عمومی است.

آقای هاشمی‌شاهرودی - در قانون قبلی [= بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی کشور] گفته است که از این مابه‌التفاوت، بدهی دولت به بانک مرکزی پرداخته بشود و مازاد آن به خزانه واریز بشود تا بعداً دولت از طریق لایحه‌ی بودجه، از آن استفاده کند. الان تبصره (۳) این مصوبه، جلوی این کار را گرفته است؛ بنابراین این مصوبه خلاف اصل (۷۵) قانون اساسی می‌شود.

آقای مؤمن - نه.

آقای هاشمی‌شاهرودی - با ارائه‌ی طرح می‌شود [جلوی درآمد دولت را گرفت]؟!

آقای مؤمن - از حالا به بعد [جلوی اجرای بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی کشور را] گرفته است.

آقای هاشمی‌شاهرودی - حتی از حالا به بعد.

آقای مؤمن - چرا؟

آقای هاشمی‌شاهرودی - مثل این است که مجلس از طریق «طرح» بیاید بگوید از حالا به بعد، یکی از منابع کسب مالیات را لغو می‌کنم. مجلس می‌تواند چنین کاری بکند؟!

آقای مؤمن - این مصوبه که مالیاتی را لغو نکرده است.

آقای مدرس‌یزدی - فرقی نمی‌کند؛ [چه با تصویب «طرح» و چه با تصویب غیر طرح، این مصوبه، مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی نیست].

آقای هاشمی‌شاهرودی - این مصوبه مانند این است که مجلس با تصویب «طرح»، یکی از منابع کسب مالیات دولت را لغو کند و به این ترتیب، یکی از منابع درآمدی دولت، قطع بشود.

۱. بر اساس بند (۲) نظریه‌ی تفسیری شماره ۷۶/۲۱/۵۸۳ مورخ ۱۳۷۶/۳/۱۰ شورای نگهبان، «تفسیر از زمان بیان مراد مقنن در کلیه موارد لازم‌الاجرا است؛ بنابراین در مواردی که مربوط به گذشته است و مجریان برداشت دیگری از قانون داشته‌اند و آن را به مرحله اجرا گذاشته‌اند، تفسیر قانون به موارد مختومه، تسری نمی‌یابد». همچنین بر اساس نظر شماره ۷۹/۲۱/۱۵۴۰ مورخ ۱۳۷۹/۱۰/۲۰ شورای نگهبان در پاسخ به استعلام وزیر نیرو، بیان شده که: «همان‌طوری که در نظریه تفسیری شماره ۷۶/۲۱/۵۸۳ مورخ ۱۳۷۶/۳/۱۰ آمده است که تفسیر از زمان بیان مراد مقنن در کلیه موارد لازم‌الاجرا است با این قید که به موارد مختومه تسری نمی‌یابد، بنابراین چنانکه تا هنگام لازم‌الاجرا شدن تفسیر قانون، موضوعی مختومه نشده باشد باید مطابق نظریه تفسیری اقدام گردد.»

آقای رهپیک - [برای مغایرت طرح مصوب با] اصل (۷۵) قانون اساسی، هم تقلیل منابع عمومی و هم خود اصل منبع، باید منجز باشد.

آقای هاشمی شاهرودی - این کاهش درآمد در اینجا منجز است.
آقای رهپیک - کجایش منجز است؟

آقای مدرس‌یزدی - نه، اگر کاهش درآمد احتمالی هم باشد، [مغایر با اصل (۷۵) قانون اساسی است].

آقای رهپیک - چرا احتمالی؟ درآمد احتمالی که درآمد نیست.

آقای علیزاده - ... مغایرت تبصره با اصل (۷۵)، پنج تا رأی دارد.

آقای هاشمی شاهرودی - در این مصوبه، درآمد، منجز است؛ چون [نرخ ارز تغییر کرده است و] طبق آن قانون قدیم [= بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی کشور]، اگر نرخ ارز تغییر کرد، سود حاصل از تغییر برابری‌های قانونی نسبت به ارز، منجز است.

آقای رهپیک - نه، از کجا معلوم است که نرخ ارز تغییر کند؟ کجا درآمد، منجز است؟ برای آینده ...

آقای علیزاده - ظاهراً درآمد، برای آینده منجز است دیگر؛ یعنی اگر این مصوبه، تأیید و اجرا نشود، با عمل به قانون قبلی [= بند (ب) ماده (۲۶) قانون پولی و بانکی کشور]، این درآمد [حاصل از تغییر برابری‌های قانونی نسبت به طلا و پول‌های خارجی]، به دولت داده می‌شد.

آقای رهپیک - این درآمد، برای آینده که منجز نیست؛ برای آینده، احتمالی است.

آقای هاشمی شاهرودی - منجز است.

آقای مدرس‌یزدی - الآن دولت این درآمد را به دست آورده است که منجز شده است.

آقای هاشمی شاهرودی - این درآمد، در امسال، منجز است.

آقای رهپیک - در سال ۱۳۹۳؟

آقای هاشمی شاهرودی - نه، در همین سال ۱۳۹۲ هم، این درآمد، منجز است.

آقای مدرس‌یزدی - کیفیت هزینه‌اش منجز نیست و الا اصل این درآمد که منجز است.

آقای سلیمی - هیچ‌کدام، منجز نیست. بدهی دولت به بانک مرکزی هم، منجز نیست؛ شاید اصلاً دولت، به بانک مرکزی بدهی نداشته باشد.^۱

→
مورخ ۱۳۹۲/۵/۲، طرح نحوه محاسبه و اعمال تسعیر دارایی‌ها و بدهی‌های ارزی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، که با اصلاحاتی در جلسه مورخ پانزدهم مرداد یکهزار و سیصد و نود و دو به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است، در جلسه مورخ ۱۳۹۲/۵/۳۰ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت و با توجه به اصلاحات به عمل آمده، نظر این شورا به شرح زیر اعلام می‌گردد:
- در تبصره (۲) ماده واحده، الغاء اثر تصمیمات قبلی، مغایر اصول (۵۷) و (۶۰) قانون اساسی شناخته شد. بدیهی است چنانچه تصمیمات یا مصوبات مذکور بر خلاف قانون باشد، حسب مورد رئیس مجلس شورای اسلامی مطابق اصل (۱۳۸) قانون اساسی، و ذی‌نفع یا هر شخص دیگر نیز می‌توانند از طریق مراجع صالحه قضایی اقدام نمایند.»

۱. نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۱۶۱۶ مورخ ۱۳۹۲/۶/۵ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۳۳۳/۳۰/۱۰۸ مورخ ۱۳۹۲/۵/۱۶ و پیرو نامه شماره ۹۲/۳۰/۵۱۳۹۵